



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتونهای تخصصی

شوری در قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه و سلم)

رساله ماستری

محصلاً صفی الله (زایو)

استاد رحمتا: دکتور فضل الهدی (وزین)

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

ریاست پوهنتونهای خصوصی

شوری در قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه و سلم)

رساله ماستری

محصل: صفی الله (زایر)

استاد رهنما : دکتور فضل الهادی (وزین)

سال : ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق

السلام
الرحمن الرحيم



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

محصل

تصدیق نامه

محترم صفی الله ولد غلام غوث ID نمبر Sh-mst-94-054 محصل دور اول تفسیر و حدیث از رساله ماستری خویش زیر عنوان: شورا در قرآن کریم و سنت نبوی (مطالعه موضوعی) به روز پنجشنبه تاریخ ۱۳/۴/۱۳۹۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۶ (نمره به عدد) هشتاد و شش (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهیم.

اعضای هیات تحکیم:

| ردیف | نام استاد | عضویت | امضاء |
|------|-----------------------|-------------------------|-------|
| ۱ | دکتور عبد الرحمن شاه | عضو هیات | |
| ۲ | دکتور اصحاب الله اواب | عضو هیات | |
| ۳ | دکتور فضل الهادی وزین | استاد رهنما و رئیس جلسه | |

معاون علمی

آمر بورده ماستری

چکیده

شوری عبارت از گرفتن آراء و نظریات مردم خبیر و آگاه در یک موضوع مشخص بخاطر رسیدن به نظریه که صواب و یانزدیک به صواب باشد است. بهر صورت مفهوم شوری این است که زعیم یارئیس دولت از بین چندین رای یک رای صواب را انتخاب میکند.

این تحقیق تحت عنوان (شوری در قران کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم) توسط برادر تان (صفی الله زایر) به اشراف محترم دکتور فضل الهادی "وزین" به پژوهش گرفته شده است.

روش پژوهش درین تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه ای بوده که تحقیق مزبور در چهار فصل ترتیب و تنظیم گردیده است.

و مهم ترین هدف تحقیق هذا شناخت ماهیت شوری از منظر قرآن و سنت است. همچنان شناسائی جایگاه و اهمیت شوری و فواید و احکام شوری از منظر قرآن و سنت میباشد.

نتیجته ای نهایی که از تحقیق متصور است همانا یگانه راه نجات از این پیچ و خم ها شوری و مشوره است. که اخوت، صمیمیت و برادری را در بین مسلمانها به وجود می آورد، و قلبهای شان را برای تصمیم گیری بهتر و صلح و همبستگی به سخن می آورد. و میتواند از این طریق مصدر خدمت خوبتر برای مسلمانان شوند.

و در اخیر پیشنهاد بنده این است که به اساس امر و توصیه ای الله جل جلاله و پیامبری گرامی اش، بزرگان امت مسلمه بخاطر جبران کمبودات نظریاتی ایشان شوری و مشوره گیری را سرمشق تصمیم گیری های شان قرار بدهند و با استفاده از این روند در تطبیق قوانین اسلامی و انتخاب رای بهتر اجتهادی گام بردارند.

واژه های کلیدی: شوری، واجب، مستحب، بلوغ، اسلام،.

اهداء

به تمام اهل علم و معرفت ،

اهداء به والدینم که وجود شان سبب بودنم و رضای شان سبب خوشنودی خداست.

اهداء به معلمان که مشعل فروزان دانش و اخلاقم بودند و گردیدند.

اهداء به استادان که در طول دوران تحصیلی مرا یاری نمودند.

اهداء به تمام محصلین پوهنچی شرعیات به خصوص دیپارتمنت تفسیر و حدیث .

سپاسگزاری

در قدم نخست ! تشکر و سپاس می کنم توفقات مزید ، الله جل جلاله را، که بنده را لایق علم و تعلیم دیده تا پیرامون جزی از بیان قرآن کریم که موضوع شوری را در برمگیرد رساله را به رشته تحریر در آورم .

باری دیگر جاء دارد که از تمام اسا تیزد گرامی ام در پوهنتون خصوصی سلام استادان مناقش و رهنمام تشکری نمایم ، که در عرصه نوشتن این رساله بنده را از کمک و رهنمایی شان مستفید گردانید . به خصوص از جناب محترم دکتور فضل الهادی "وزین" استاد رهنمایم: که

شما روشنایی بخش تاریکی جان هستی و ظلمت اندیشه را نور می بخشی. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف شما را که سر شار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تاثیر علم آموزی تو را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه ی محقر وجودم فروزان ساخته است. بلی در مقابل این همه عظمت و شکوه تو مرا نه توان سپاس است و نه کلام و نه وصف. سپاسگزار کسانی هستم که سر آغاز تولد من هستند. از یکی زاده میشوم و از دیگری جاودانه. استادی که سپیدی را تخته سیاه زندگی نگاشت و مادری که تار مویی از او بپای من سیاه نماند. وهمچنان تشکرمی کنم از مناقشین محترم خویش هر یک محترم دکتور اصحاب الله "اواب" و دکتور عبدالرحمن شاه بنابر ابراز نظریات سازنده ایشان و تقییم و تصحیح ملاحظات که در تیزس وجود داشت و رهنمایهای استادانه ی که نثار بنده نمودند.

فهرست مطالب

| صفحات | عناوین |
|---------|---|
| ۱..... | پیشگفتار..... |
| ۱..... | مقدمه..... |
| ۲..... | بیان مسأله تحقیق : |
| ۳..... | اهمیت و ضرورت تحقیق : |
| ۳..... | پرسش های تحقیق : |
| ۴..... | فرضیه های تحقیق : |
| ۴..... | اهداف تحقیق : |
| ۵..... | پیشینه تحقیق : |
| ۵..... | جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق : |
| ۵..... | مشکل تحقیق : |
| ۹..... | روش تحقیق : |
| ۱۰..... | فصل اول..... |
| ۱۱..... | تعريفات و اهميت های شوری..... |
| ۱۱..... | مبحث اول : تعريف و اهميت شوری : |
| ۱۱..... | مطلب اول : تعريف و اطلاعات شوری در قرآن کریم : |
| ۱۱..... | مطلب دوم : تعريف لغوی شوری : |
| ۱۲..... | مطلب سوم : تعريف اصطلاحی شوری : |
| ۱۳..... | مبحث دوم : اهميت شوری : |
| ۱۳..... | مطلب اول : اهميت شوری در قرآن : |
| ۲۱..... | مطلب دوم : اهميت شوری در سنت نبوی : |
| ۲۴..... | فصل دوم..... |
| ۲۴..... | تطبیقات شوری در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم..... |
| ۲۴..... | مبحث اول : انواع شوری در قرآن کریم و سنت : |

| | |
|----|--|
| ۲۵ | مطلب اول: تطبیقات شوری در خانواده: |
| ۲۶ | مطلب دوم: تطبیقات شوری در زندگی عامه مسلمین: |
| ۲۸ | مبحث دوم: شوری در عهد نبوت: |
| ۳۱ | مطلب اول: شوری در غزوه بدر: |
| ۳۲ | مطلب دوم: شوری در مورد محل استقرار سپاه اسلام در میدان معرکه: |
| ۳۳ | مطلب سوم: شوری در مورد اسیران جنگ بدر: |
| ۳۴ | مطلب چهارم: شوری در غزوه احد: |
| ۳۵ | مطلب پنجم: شوری در غزوه احزاب: |
| ۳۷ | مطلب ششم: شوری در صلح حدیبیه: |
| ۳۷ | مطلب هفتم: شوری در غزوه تبوک: |
| ۳۹ | فصل سوم |
| ۳۹ | احکام و اشکال عملی شوری: |
| ۳۹ | مبحث اول: دلایل شوری از قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم: |
| ۳۹ | مطلب اول: دلایل شوری در قرآن کریم: |
| ۴۵ | مطلب دوم: دلایل شوری در سنت نبوی: |
| ۴۹ | مبحث دوم: حکم شوری: |
| ۴۹ | مطلب اول: طرفداران وجوب شوری: |
| ۵۳ | مطلب دوم: طرفداران مستحب شوری: |
| ۵۵ | مطلب سوم: قول راجح |
| ۵۵ | مبحث سوم: اهل شوری و صفات آنها: |
| ۵۹ | مبحث چهارم: شروط انتخاب اعضای شوری: |
| ۵۹ | این مبحث دارای هفت مطالب میباشد: |
| ۶۰ | مطلب اول: اسلام: |
| ۶۲ | مطلب دوم: بالغ و عاقل: |
| ۶۳ | مطلب سوم: امانت داری: |

- مطلب چهارم : علم و بصیرت: ۶۴
- مطلب پنجم : آزاد بودن و خرد مندی: ۶۵
- مطلب ششم : عدالت : ۶۶
- مطلب هفتم : ساکن بودن در دار اسلام: ۶۷
- مبحث پنجم : حل اختلاف شروط شوری: ۶۹
- مطلب اول : بروز اختلاف بین رئیس دولت و اهل شوری: ۶۹
- مطلب دوم : پذیرفتن رأی رئیس دولت: ۷۰
- مطلب سوم : اعتراضات و جواب آنها: ۷۳
- مطلب چهارم : حق افراد در اظهار رأی: ۷۳
- مطلب پنجم : حدود آزادی اظهار رأی: ۷۵
- مطلب ششم : برگزاری شوری در عصر کنونی: ۷۵
- مطلب هفتم : عزل اعضای شوری: ۷۶
- مطلب اول: شکل سیاسی و دنیوی : ۷۷
- مطلب دوم: شوری در قضاء: ۷۸
- فصل چهارم ۸۱
- فواید شوری ۸۱
- مبحث اول : فواید شخصی شوری: ۸۱
- مطلب دوم : پاسداری از منزلت فکری افراد و احساس مسئولیت در برابر جامعه: ۸۳
- مطلب سوم : تشخیص افراد مخلص و دریافت رأی صواب و مفید: ۸۳
- مطلب چهارم : فراهم ساختن رضایت و پذیرش همگانی : ۸۳
- مطلب پنجم : تأمین همکاری و مشارکت عمومی: ۸۴
- مطلب ششم : جلوگیری از انحراف و استبداد: ۸۴
- مطلب هفتم : رهایی از ملامتی و پشیمانی: ۸۴
- مطلب هشتم : ایجاد تحرک و شگوفایی استعدادها: ۸۵
- مطلب نهم : نتایج عالی و درخشان : ۸۵

| | |
|-----|---|
| ۸۶ | مبحث دوم : فواید اجتماعی شورای : |
| ۸۶ | مطلب اول : شناخت رأی و نظر صحیح از طریق شوری: |
| ۸۹ | مطلب دوم : بوجود آمدن اطمینان قلبی: |
| ۹۱ | مطلب سوم : جلوگیری از استبداد و خود رأیی: |
| ۹۲ | مطلب چهارم : توضیح مسئولیت برعهده همه افراد: |
| ۹۲ | مطلب پنجم : پیوند قلبها و اخوت میان مسلمانان: |
| ۹۳ | خلاصه بحث |
| ۹۹ | پیشنهادات |
| ۱۰۰ | نتیجه گیری |
| ۱۰۲ | فهرست آیت ها |
| ۱۰۳ | فهرست احادیث |
| ۱۰۴ | فهرست اعلام |
| ۱۰۵ | منابع و مأخذ |

الحمد لله رب العالمين، حمداً كثيراً كما أمر، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهديه وسار على نهجه إلى يوم الدين، أما بعد...
از آنجایی که انسان موجودی است اجتماعی و سعادت اخروی و دنیوی خود را در رهگذر زندگی اجتماعی جستجو می‌کند، برای رفع مشکلات، نیازها، اهداف و آرمان‌های مشترک و بسیاری دیگر از اشتراکات، ناچار است به تبادل آرا روی آورد. در همین راستا دین اسلام به عنوان آیینی که به سرنوشت فردی و اجتماعی و حیات دنیوی و اخروی بشر توجه کرده و برای این امر، شوری که از ارزش ویژه‌ای برخوردار است پیش‌کش نموده است. چنانچه از ماهیت این موضوع پیداست که شوری به معنای رایزنی و کنکاش است؛ از اینرو در ابعاد مختلف چه در حوزه زندگی خصوصی و فردی و چه در حوزه امور جامعه، شوری و مشورت به تدریج از شکل ساده و ابتدایی آن خارج شده و به صورت تشکلهای سازمان‌یافته با اهداف و کارکردهای جدید ظهور یافته است.

از اینکه این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته، طبیعتاً انجام آن نیز با مشکلات از جمله عدم تجربه با روش تحقیق علمی و فقدان منابع قرار گرفته است اما با این همه سعی شده در حد امکان به بررسی شوری از منظر قرآن و سنت به گونه‌ای صورت گیرد که برای خوانندگان نامأنوس نباشد و بتواند مفید واقع شود به همین لحاظ از مطرح کردن، مباحث مستقل چون مفاهیم و کلیات که لازم و ملزوم هر تحقیق است در فصل اول این تحقیق به بررسی گرفته شده و در فصل دوم کوشش صورت گرفته تا فواید، اهمیت و جایگاه شوری در قرآن و سنت تبیین گردد؛ چنانچه مبحث نخست این فصل مشمول فواید شوری در قرآن و سنت بوده که نجات از لغزش و اشتباه، پاسداری از منزلت فکری افراد و احساس مسئولیت در برابر جامعه، فراهم ساختن رضایت و پذیرش همگانی در خانواده، تأمین همکاری و مشارکت عمومی، جلوگیری از انحراف و استبداد، ایجاد تحرک و شگوفایی استعدادها

و ... مطالب و محتویات این مبحث می‌باشد، مبحث دوم این فصل شامل اهمیت شوری در قرآن و سنت و مبحث سوم آن جایگاه شوری در سیرت خلفای راشدین مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین فصل سوم این تحقیق به احکام و تطبیقات شوری پرداخته و در این فصل کوشیده شده تا احکام و تطبیقات شوری، مورد کنکاش قرار گیرد، به همین ترتیب فصل چهارم این تحقیق شامل شرایط و اصول اعضای شوری بوده و بالاخره فصل چهارم این تحقیق مباحث آثار اجتماعی شوری مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنِ الصَّحَابَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَعَنِ التَّابِعِينَ لَهُمْ فِي دِينِ اللَّهِ .

اما بعد! قال الله تبارك و تعالی: { وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ }^۱

ترجمه: و آنان که پروردگارشان را پاسخ می گویند و نماز می گذارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند.^۲

الله جل جلاله آخرین رسالت آسمانی را بدون وقفه، در مدت بیست و سه سال مهم ترین اصول انسانی را پی ریزی نمود؛ تا بشر از یک طرف در برقرار کردن رابطه با خالقش دچار مشکل و سردرگمی نشود، و از جانب دیگر در استوار نمودن رابطه با جهان هستی، و مخلوقات پیرامون خود به خصوص هموعانش به حیرت اندر نگرود.

از میان دساتیری که خداوند متعال برای هرچه بهتر نمودن زنده گی باهمی و اجتماعی مسلمانان وضع نموده است، می توان گفت شوری حایز مقام مهم است، و مسلمانان مکلفاند در مسایل اجتماعی خود، چه آن موضوع مربوط به تمام افراد یک جامعه بزرگ باشد، و چه به یک اجتماع کوچک مانند اعضای یک خانواده ارتباط گیرد؛ در تمام مسایل با مشترکین قضیه مشورت نمایند، و حتا در این رابطه خداوند متعال به برترین بنده اش که به حق سرور عقلاء و آگاه ترین شخصیت انسانی بود، دستور داد که در امور با یارانش مشورت کند چنانچه می فرماید: {وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ}^۳ و تازمانی که سیاست امت اسلامی بر مبنای شوری استوار بود و رؤسای مسلمانان با مشوره خودشان انتخاب می شدند و رهبران، امور رعیت را با مشوره خود آنها پیش می بردند، مشکلات در جامعه اسلامی کمتر بود، ولی از آن هنگام که سران جامعه اسلامی بدون مشوره و رأی مسلمانان به زعامت رسیدند و آن گونه که دل شان خواست بر سرنوشت امت رقم زدند و با ایجاد شوری های نمایشی و ساخته گی افرادی بی کفایت را بر مسند پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم اجمعین نشانند، دست و زبان دشمنان اسلام برای مداخله در سرنوشت مسلمانان و طعن در راهکارهای شان باز گردید و به مرور زمان مشاهده نمودیم که مسلمانان به مصیبت های بزرگ گرفتار آمده و در تمام عرصه ها محکوم غیر مسلمانان شدند.

^۱ الشوری: ۳۸.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم به زبان فارسی، ترجمه داکتر ابودریس عبدالله خاموش هروی، چاپ جدید اصلاح شده طبع غراس: ۲۰۱۳، ج ۱

ص ۹۸۶.

^۳ آل عمران: ۱۵۹.

بیان مسأله تحقیق :

شوری یک اصل عمده از اصول اساسی دولت اسلامی و نظام اسلامی است. که از لحاظ لغوی به معنای بیرون آوردن عسل از قالب می‌باشد، و در اصطلاح عبارت از تبادل آراء و نظریات اهل مشورت است که جهت تشخیص رأی مفید و سازنده در موارد و قضایائی که نصوص شرعی در مورد آن صراحت نداشته باشد به آن رو آورده می‌شود.

امروزه در عصر کنونی شوری به حیث یک اصل پذیرفته شده در اکثر کشورها و ملل جهان تبارز کرده است؛ لذا برای تثبیت اصل بودنش به آیات قرآن و احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم استدلال می‌کنیم. خداوند متعال می‌فرماید:

{ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُضِّتَ مِنَ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ }^۱

ترجمه: یعنی به برکت رحمت الهی، در برابر آنان مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.^۲

و نیز می‌فرماید: { وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ }^۳

ترجمه: یعنی کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.^۴ همچنین در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: { إِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا }^۵

ترجمه: یعنی اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را زودتر از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست.^۶

در تفسیر آیات فوق؛ ابن کثیر رحمه الله نگاشته است: صفت مؤمنان اینست که در امور نظامی و مانند آن کاری را انجام نمی‌دهند تا این که با همدیگر مشوره نکرده باشند.^۷

^۱ آل عمران: ۱۵۹.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۳۸.

^۳ الشوری: ۳۸.

^۴ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۹۸۶.

^۵ البقرة: ۲۳۳.

^۶ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۷۳.

^۷ تفسیر القرآن العظیم، المؤلف: أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی (المتوفی: ۷۷۴هـ) المحقق: سامی بن محمد سلامة الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة الثانية، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م ج ۱ ص ۶۳۲.

بناءً با نظر داشت اهمیت و جایگاه شوری از منظر قرآن و سنت؛ بنده پایان نامه تحصیلی دوره ماستری خود را تحت نام «شوری در قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم» به رشته تحریر در آوردم، و سعی می‌گردد تا در این نوشتار از اهمیت و جایگاه موضوع متذکره، نقش و تأثیر آن در تأمین ارزش‌های اجتماعی و برخی دیگر از مسائیل مربوط از منظر اسلام به آن مورد کنکاش قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق :

نظر به این که توسعه و پیشرفت آزادی‌های فردی و اجتماعی و گسترش فرصت‌های مشارکت مردم عزیز افغانستان از طریق مشورت و شوری به وجود می‌آید؛ از اینکه قوانین و مقررات تا حدودی به صورت عملی تطبیق گردیده ولی برای هرچه بهتر عملی شدن این قوانین در نظام جمهوری اسلامی افغانستان به شوری و مشورت نیاز است؛ از آنجایی که در جامعه ما متولیان حکومتی که در رأس قدرت قرار گرفته اند تا اکنون به صورت متحد و یکپارچه، چه در زمینه پیشرفت و ترقی کشور و چه در امور منحل ساختن تناقضات و تعارضات؛ عمل نکرده اند که این همه خودکامگی های سردمداران حکومتی، کشور را به سوی قهقرا سوق داده است از اینرو پرداختن و عملی کردن درست و اساسی برای از بین بردن و منحل ساختن این تناقضات و خودکامگی و همچنین پیشرفت و ترقی کشور از طریق شوری و مشورت تحقق می‌یابد؛ بناءً با توجه به مؤلفه‌های فوق بررسی و تحقیق در زمینه شوری و مشورت از اهمیت خاصی برخوردار است و همچنین خداوند جلت عظمته با حکمت بالغه و علم کامل و شامل خود ضرورت اجتماعی انسان‌ها را نسبت به خودشان خوبتر میداند که زندگی اجتماعی انسانها به تبادل نظر و مشورت که نقص و کمبود نظریات هرفرد در آن جبران می‌شود نیاز مبرم دارد به آن توصیه نموده است، از اینرو این ابعاد باعث گردید که اهمیت تحقیق اکادمیک در این زمینه ضروری باشد و تحت تحقیق و بررسی قرار بگیرد.

پرسش‌های تحقیق :

۱ - ۲ سوال اصلی:

شوری و مشورت در قرآن و سنت از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲ - ۲ سوال‌های فرعی:

۱ - مفهوم و ماهیت شوری چیست؟

۲ - فواید و اهمیت شوری از منظر قرآن و سنت چگونه است؟

- ۳ - شوری در قرآن و سنت دارای چه احکامات و تطبیقات است؟
- ۴ - شرایط و اصول اعضای شوری از منظر قرآن و سنت کدامها اند؟
- ۵ - فواید شوری در امور نظام اجتماعی و حکومتی از منظر قرآن و سنت چیست؟

فرضیه‌های تحقیق :

به نظر می‌رسد که شوری و مشورت در قرآن و سنت از جایگاهی والایی برخوردار است حتی که آیات و احادیث زیادی در این خصوص وجود دارد.

به نظر می‌رسد که مفهوم و ماهیت شوری از دیدگاه اسلام عبارت است از تبادل آرا و نظریات غرض تشخیص رأی مفید و سازنده در موردی از موارد، و مشورت و رایزنی با دانشمندان دینی، و متخصصان امور در مسایلی که دلیل صریح وجود نداشته باشد.

به نظر می‌رسد که شوری از منظر قرآن و سنت یک اصل شناخته شده اسلام، تأمین نیازها برای حل مشکلات، و پیشبرد امور جامعه اسلامی در تمام زمینه‌های مثبت در چارچوب تعلیمات اسلام است.

به نظر می‌رسد که فواید شوری از منظر اسلام؛ نجات از لغزش و اشتباه، پاسداری از منزلت فکری افراد، احساس مسئولیت افراد در برابر جامعه، توضیح مسئولیت برعهده همه افراد و تشخیص افراد مخلص می‌باشد.

اهداف تحقیق :

هدف از انجام این تحقیق بر آن است که با استفاده از منابع، کتاب‌های معیاری منتشر شده و مقاله‌ها در دسترس به شوری و جایگاه آن در قرآن و سنت بپردازد که شامل اهداف ذیل می‌گردد:

- ۱- مهم‌ترین هدف تحقیق هذا شناخت ماهیت شوری از منظر قرآن و سنت است.
- ۲ - شناسایی جایگاه و اهمیت شوری از منظر قرآن و سنت؛
- ۳ - آشنائی با فواید و اهمیت شوری از منظر قرآن و سنت؛
- ۴ - آشنائی با فواید شوری از منظر قرآن و سنت در جامعه اسلامی؛
- ۵ - آشنائی با احکام شوری از منظر قرآن و سنت؛

پیشینه تحقیق :

پس از جستجو و بررسی در زمینه شوری از منظر قرآن و سنت به این نتیجه رسیدیم که این موضوع اکثراً به زبان عربی مورد تحقیق و کنکاش قرار گرفته است اما به زبان فارسی کمتر مورد توجه اصحاب قلم و اندیشه بوده و اگر پژوهشی صورت گرفته بیشتر به صورت اجمالی و پراکنده بوده است، به طور مثال آثاری که به صورت پراکنده در این مورد وجود دارد مانند: شوری و آثار اجتماعی آن اثری از استاد امین‌الله معتصم که به صورت یک رساله توسط انتشارات اصلاح افکار به دست نشر سپرده شده است، اثری است بسیار کوتاه و مشکل‌گشای فرضیه این تحقیق نیست همچنین شوری در اسلام اثر از ذبیح‌الله ساعی می‌باشد که این اثر هم همانند آثار که در فوق ذکر گردید عاری از مشکلات و کمبودی نیست بناءً از جهت اینکه این موضوع از نقش بسیار اساسی در جامعه برخوردار بوده بدین لحاظ به نوشتن این تحقیق اقدام گردید.

جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق :

کتاب‌های که در زمینه شوری از منظر اسلام به زبان فارسی نوشته شده اند حاکی از آن است که موضوع شوری و مشورت را به صورت جامع و همه‌جانبه بیان ننموده اند ، ولی در زبان عربی آثارهای زیادی موجود است که استفاده از آن برای محققین و محصلین کار دشوار است، بنابر این در تحقیق حاضر جنبه‌های جدید بودن و نوآوری‌های ذیل به میان خواهد آمد.

- ۱ - بیان دقیق علمی شوری و انواع آن از منظر قرآن و سنت.
- ۲ - بیان اهداف و فواید شوری از منظر قرآن و سنت.
- ۳ - واضح نمودن احکام و تطبیقات شوری از منظر قرآن و سنت.
- ۴ - تحریر آثار و فواید اجتماعی شوری از منظر قرآن و سنت.
- ۵ - این رساله حسب معیار علمی معاصر به تحریر در آورده شده است .

مشکل تحقیق :

از آن جای که افغانستان یکی از کشورهایی است که در چند قرن اخیر در اثر مداخلات مستقیم و غیر مستقیم؛ قدرت‌های بزرگ کفری، و هم‌چنان بعضاً بی‌توجهی حکومت‌های گذشته در دین

،علماء کرام با همه قدر و منزلتی که در نزد ملت ما دارد نتوانسته بودند در عرصه دین کتابهای بنویسند؛ و مسایل گوناگون دینی را مورد بحث قرار دهند .

گرچه در سایر کشور های اسلامی به زبان های ،عربی و، آورد، کتاب های دینی، در رابطه به موضوع شوری در قرآن کریم و سنت النبوی، تحریر یافته؛ اما در کتاب خانه های ما بسیار کم پیدا میشود . از طرف دیگر از طریق انترنت نیز چون دسترسی به آن در اکثر مراکز به سختی میسر میگردد. هم چنان مشکل بزرگتر از همه این بود، که یک موضوع پراکنده در کتب مختلف بود؛ که ضرورت به خریداری کتب زیاد بود، نه آنکه موضوع در چند کتب محدود بوده باشد . به لطف و کرم خداوند و رهنمایی استادان محترم بخصوص استادان پوهنتون سلام توانستم تا موضوع را مورد بررسی قرار داده و این رساله را به پایه اکمال برسانم.

پلان تحقیق:

این تحقیق شامل یک مقدمه و چهار فصل بوده و در اخیر دارای خلاصه بحث و منابع و فهرس میباشد.

مقدمه شامل مطالب ذیل است:

بیان مسأله تحقیق

اهمیت و ضرورت تحقیق

پرسش های تحقیق

فرضیه های تحقیق

اهداف تحقیق

پیشینه تحقیق

جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

مشکل تحقیق

روش تحقیق

فصل اول: تعریفات و اهمیتهای شوری، که شامل مباحث و مطالب ذیل میباشد:

مبحث اول : تعریف و اهمیت شوری

مطلب اول : تعریف و اطلاقات شوری در قرآن کریم

مطلب دوم : تعریف لغوی شوری

مطلب سوم : تعریف اصطلاحی شوری

مبحث دوم : اهمیت شوری

مطلب اول : اهمیت شوری در قرآن

مطلب دوم : اهمیت شوری در سنت نبوی

فصل دوم: تطبیقات شوری در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم که شامل مباحث و مطالب ذیل میباشد:

مبحث اول: انواع شوری در قرآن کریم و سنت

مطلب اول: تطبیقات شوری در خانواده

مطلب دوم: تطبیقات شوری در زندگی عامه مسلمین

مبحث دوم: شوری در عهد نبوت

مطلب اول: شوری در غزوه بدر

مطلب دوم: شوری در مورد محل استقرار سپاه اسلام در میدان معرکه

مطلب سوم : شوری در مورد اسیران جنگ بدر

مطلب چهارم : شوری در غزوه احد

مطلب پنجم : شوری در غزوه احزاب

مطلب ششم : شوری در صلح حدیبیه

مطلب هفتم : شوری در غزوه تبوک

فصل سوم: احکام و اشکال عملی شوری که شامل مباحث و مطالب ذیل میباشد:

مبحث اول: دلایل شوری از قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم

مطلب اول: دلایل شوری در قرآن کریم

مطلب دوم: دلایل شوری در سنت نبوی

مبحث دوم : حکم شوری

مطلب اول : طرفداران و جوب شوری

مطلب دوم : طرفداران مستحب شوری

مبحث سوم : اهل شوری و صفات آنها

مبحث چهارم : شروط انتخاب اعضای شوری این مبحث دارای هفت مطالب میباشد :

مطلب اول : اسلام

مطلب دوم : بالغ و عاقل

مطلب سوم : امانت داری

مطلب چهارم : علم و بصیرت

مطلب پنجم : آزاد بودن و خرد مندی

مطلب ششم : عدالت

مطلب هفتم : ساکن بودن در دار اسلام

مبحث پنجم : حل اختلاف شروط شوری:

مطلب اول : بروز اختلاف بین رئیس دولت و اهل شوری

مطلب دوم : پذیرفتن رأی رئیس دولت

مطلب سوم : اعتراضات و جواب آنها

مطلب چهارم : حق افراد در اظهار رأی

مطلب پنجم : حدود آزادی اظهار رأی

مطلب ششم : برگزاری شوری در عصر کنونی

مطلب هفتم: عزل اعضای شوری

مبحث ششم : اشکال عملی شوری:

مطلب اول: شکل سیاسی و دنیوی شوری

مطلب دوم: شوری در قضاء

فصل چهارم: فواید شوری که شامل مباحث و مطالب ذیل میباشد:

مبحث اول : فواید شخصی شوری

مطلب اول : نجات از لغزش و اشتباه

مطلب دوم : پاسداری از منزلت فکری افراد و احساس مسئولیت در برابر جامعه

مطلب سوم : تشخیص افراد مخلص و دریافت رأی صواب و مفید

مطلب چهارم : فراهم ساختن رضایت و پذیرش همگانی

مطلب پنجم : تأمین همکاری و مشارکت عمومی

مطلب ششم : جلوگیری از انحراف و استبداد

مطلب هفتم : رهایی از ملامتی و پشیمانی

مطلب هشتم : ایجاد تحرک و شگوفایی استعدادها

مطلب نهم : نتایج عالی و درخشان

مبحث دوم : فواید اجتماعی شورای :

مطلب اول : شناخت رأی و نظر صحیح از طریق شوری

مطلب دوم : بوجو آمدنی اطمینان قلبی

مطلب سوم : جلوگیری از استبداد و خود رأیی

مطلب چهارم : توضیح مسئولیت برعهده همه افراد

مطلب پنجم : پیوند قلبها و اخوت میان مسلمانان

خلاصه بحث

منابع و مأخذ

فهرست آیت ها

فهرست احادیث

فهرست اعلام

روش تحقیق :

یکی از معجزات کلام الهی این است، از زمان نزول تا به قیام قیامت هر قدر که بالی این کلام الهی تفصیلی به تحریر در آورده شود انتهای ندارد.

الله جل جلاله بنده را همت اعطاء نمود تا یک رساله در روشنایی جزئی از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است به تحریر در آورم، در این بحث از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است، که به شکل ذیل می باشد،

روش تحقیق من در جمع آوری این رساله به صورت کتاب خانه ای بوده واکثرا از منابع معتبر عربی استفاده گردیده .

که در نخست به چهار فصل تقسیم گردیده که هر فصل به مبحث تقسیم گردیده، و هر مبحث به مطلب تقسیم گردیده است .

دوم : بعد از ذکر فصل، مبحث ، مطلب، در ابتدای مطلب ایجاد انگیزه در باره همان مطلب به خواننده محترم به تحریر در آورده شده .

سوم : بعدا ذکر آیه قرآن کریم که مطلب فوق به بحث گرفته می شود .

چهارم : ترجمه آیه ذکر شده قرآن کریم .

پنجم : اگر حدیث مرتبط به همان مطلب باشد، همراه با ترجمه روان ذکر گردیده است .

ششم : بعد اقوال علماء و دانشمندان در باره همان مطلب ذکر شده .

هفتم : اگر کدام موضع به شرح ضرورت داشته نظر به اقوال علماء شرح گردیده .

هشتم : اگر موضوع در یک آیه بوده لکن به مطلب ربطی نداشته در پاورقی به شکل جدا شرح گردیده .

نهم : در آخر خلاصه همه بحث به زبانهای، فارسی، عربی ، و انگلیسی، ذکر گردیده .

دهم : در این بحث در ترجمه آیت از تفسیر جدولی قرآن عظیم شان استفاده گردیده.

یازدهم : فهرست مراجع و مصادر مطابق به ترتیب حروف الفباء.

ومن الله توفیق

صفی الله "زایر"

فصل اول

تعريفات و اهميت هاى شورى

اين فصل داراى دومبحث ميباشد :

مبحث اول : تعريف و اهميت شورى :

اين مبحث داراى سه مطلب ميباشد :

مطلب اول : تعريف و اطلاقات شورى در قرآن كريم :

عرب كلمه اى شورا را در اكثر مواضع استعمال نموده اند: چون استخراج عسل از چوكاتش تفحص بدن چارپاى بخاطر خريدن آن وبه معنى پيش شدن در ميدان جنگ وغيره استعمال گرديده است، وبعدا كلمه شورى به معنى خاص كه به راي و تبادل افكار و بحث از اخذ راي واعطاي آن ارتباط مى گيرد كار برد دارد .

شريعت نيز اين معنى را تايد كرده كه در قرآن كريم و سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم به نظر ميخورد . كه بعدا به تفصيل درمبحث شورى درقرآن وسنت ذكرميشود. وقيل از اينكه به اصل بحث در مورد شورى از منظر قرآن و سنت برويم، لازم به نظر ميرسد تا به تعريف لغوى و اصطلاحى شورى بپردازيم:

مطلب دوم : تعريف لغوى شورى :

شورى كلمه اى است كه از طرف دانشمندان تعريف مختلفى در مورد آن صورت گرفته است كه در اينجا به بعضى از تعريف معتبر و معتمد آن مى پردازيم:

«شورا» و «مشاوره» واژه عربى است به معنى: ابراز رأى، نظرخواهى، مشوره و رايزنى با يكديگر. در لغت عرب شورى چيدن عسل، رياضت دادن و سوار شون بر اسپان را گویند . ويا در وقت خريد آزمائش اسپ ويا شتر را گویند^۱. در لسان العرب آمده است كه «أشار عليه بالرأى. و أشار يشير، زمانى كه رأى و نظرى را بيان داشتن را نيز گوید^۲.

^۱ القاموس الفقهى لغة واصطلاحا، المؤلف: الدكتور سعدى أبو حبيب الناشر: دار الفكر. دمشق - سورية الطبعة: الثانية ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م

ج ۱ ص ۲۰۵.

^۲ لسان العرب، الافريقى المصرى جمال الدين أبو الفضل، محمد بن مكرم بن منظور، ج ۴، ص ۴۳۴ و ۴۳۶

و هم چنان گفته شده است که مشاوره مأخوذ است از این گفته (شرتُ العسل أشره) وقتی که آن را از جای اصلی‌اش بگیری، و گفته شده مأخوذ است از (شرتُ الدابة سُوري) وقتی که آن را به نمایش بگذاری. و جای که چهارپایان در آن به فروش و نمایش گذاشته می‌شود (مشوار) نام دارد، گویا که با نمایش گذاشتن چهارپا، خوبی و بدی آن دانسته می‌شود، همچنان که با مشوره خیر و شر کارها شناخته می‌شود.^۱ از اجمال معانی لغوی شورا واضح می‌شود که شوری عبارت از کشف حقیقت غامض است از یک شی ظاهر.^۲

در لغت نامه دهخدا چنین تعریف شده است: شوری در لغت به معنی مشورت کردن، مشورت، کنکاش، کنکاش کردن و رایزنی آمده است.^۳

به عبارت دیگر شوری به معنی رایزنی، هیئتی از بخشدار و رئیسان دواير دولتی که برای مشورت گرد هم آیند، تذکر به عمل آمده است.^۴

مطلب سوم : تعریف اصطلاحی شوری :

در تعریف اصطلاحی شوری نظریات علماء چنین است !

شورا از دیدگاه اسلام عبارت است از: تبادل آرا و نظریات غرض تشخیص رأی مفید و سازنده در موردی از موارد، و مشورت و رایزنی با دانشمندان دینی، و متخصصان امور در مسایلی که دلیل صریح وجود ندارد.^۵

«به قول سید طنطاوی ؟ شورا در اصطلاح «گرفتن رأی مردم که در موضوع خبیر و آگاه اند به منظور رسیدن به نظری که به حق و صواب نزدیک تر باشد». به عبارت دیگر «شوری جستجوی آرای مختلف و پشت و رو کردن آن با اهل خبره و دانش در قضیه‌یی از قضایای زندگی، به منظور رسیدن به صواب با نظری که قریبتر به صواب باشد تا به آن عمل کرده شود و نتایج خوب به بار آرد.»^۷

۱ طرز سخنرانی، محمد هاشم، ایوبی رستاقی، پشاور: مکتبه سعیدیه، ص ۱۲۳.

۲ المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، المؤلف: أحمد بن محمد بن علی المقرئ الفيومي الناشر: المكتبة العلمية - عام ۶، بیروت ج ۱ ص ۳۲۶.

۳ لغت نامه دهخدا، علی اکبر، دهخدا، طبع: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵۶۱. ج ۱۰، ص ۴۵.

۴ فرهنگ فارسی معین، محمد معین، طبع تهران: نشر چاپخانه حیدری، سال ۱۳۸۷، م ۱۴۶۹. جلد ۲، ص ۹۸. ط

۵ القاموس الفقهي لغة، الدكتور سعدی أبو حبيب؛ الناشر: دار الفكر. دمشق - سوریه الطبعة: الثانية ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م تصویر: ۱۹۹۳ م ج ۱ ص ۳۹.

۶ محمد سید طنطاوی از دانشمندان قرآن پژوه مصری است که در طنطا شهری در شمال مصر در سال ۱۹۲۸ م به دنیا آمد، و مقدمات علوم را در همانجا آموخت. پس از آن در دانشکده زبان و ادبیات عرب دانشگاه بنغازی به تدریس پرداخت و به درجه استادیاری همین دانشگاه نایل آمد و پس از آن به فتوی در امور شرعی پرداخت. وی افزون بر تفسیر قرآن، کتاب دیگری با عنوان «بنو اسرائیل فی الكتاب و السنة» دارد. مسلک فقهی وی، تبعیت از فقه شافعی می‌باشد. در سال ۲۰۱۰م وفات نمود. تالیفات وی التفسیر الوسیط للقرآن الکریم معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم. (معجم المؤلفین ۱۲۲/۳)

۷ التفسیر الوسیط: محمد سید طنطاوی ج ۱ ص ۳۷۷۴.

علامه ابوحيان اندلسی چنین می فرماید: (الاستظهار برأیهم فیالم ینزل فیہ و حی فقد یکون عندهم من امور الدنيا ماينتفع به و اختیار عقولهم فینزلهم منازلهم و اجتهادهم فیما فیہ وجه الصلاح).^۱ ترجمه: راجع به مسایلی که وحی نازل نشده باشد و آرا و نظریاتی که از طرف اشخاص ذی ربط و اهل رای اظهار می شود همین شوری است که توسط شورای افراد امت در امور دنیوی معلومات مفید و سودمند حاصل می کنند و بخاطر بهتر شدن معاملات خود از عقل و اجتهاد استفاده مینمایند. همچنین شوری عبارت از دانستن آراء و نظریات اهل خبره است، به غرض این که به چیزی رسیدگی شود که به حق نزدیک است.

قاضی ثناء الله پانی پتی^۲ می فرماید:

(استخراج ما عندهم ثم العلم بالأصلح بتلاحق الأفكار).^۳

اساس و بنیاد مشوره با هم این است که مردمان با صلاحیت از اهل علم در پرتو علم خویش راجع به موضوع مطرح شده نظریات و آرای خود را پیشکش نمایند و هر یکی نظر دیگر را بشنوند تا در نتیجه از بهتر به نقطه بهتر از آن برسند.^۴

مبحث دوم: اهمیت شوری:

و این مبحث دارای دو مطلب میباشد:

مطلب اول: اهمیت شوری در قرآن:

شورا یا اخذ رای یکی از مفاهیم بزرگ سیاسی اسلام و مظاهر سلطان امت می باشد که توسط آن نظام حکم در اسلام با دیگر نظام ها متمایز میگردد. و شرع به اجرای آن در حیات سیاسی اسلام تاکید می نماید. هر چند تهاجم استعمار اروپایی غربی سعی نموده، اصطلاح شوری را از فرهنگ سیاسی اسلام دور نموده در بدل آن واژه دیموکراسی را جایگزین سازد. ولی بازهم شوری یک امر معروف نزد مسلمین می باشد. همچنان بعد از پیامبر صحابه کرام و خلفای راشدین نیز در امور مشوره می نمودند

۱ بحر المحيط، ابوحيان، اندلسی غرناطی، بیروت: النشر دارالفکر، ۱۴۲۰ ق - ۲۰۰۰ م، ج ۳.

۲ ثناء الله، پانی پتی در قرن سیزده در قاره شبه هند به دنیا آمد، وی از جمله از علما و عرفای طریقه مجددی نقشبندی به حساب می رود، پانی پتی در فقه حدیث تفسیر و عرفان تالیفات دارد که عبارت اند از! السیف المسلول در مذهب شیعه، تفسیر مظهري، در هفت مجلد، به عربی، که در آن به فقه و تصوف و قرائت و اعراب توجه شده است، ارشاد الطالبین، در تصوف، حقوق (حقیقت) الاسلام، به فارسی، (تذکره الموتی و القبور، به فارسی، (جواهرالقرآن؛ و کتب دیگر که از وی به جاء مانده سر انجام وی در سال ۱۲۱۶م در پانی پت وفات نموده و در همان جاء به خاک سپرده شد. (الاعلام/۲/۶۵)

۳ تفسیر مظهري، ثناء الله، پانی پتی، جلد ۲، تهران: کتابخانه مرکزی دارالعلوم زاهدان ۱۹۹۹م، ص ۱۶۲.

۴ السیاسة و الادارة عبدالباقي، حقانی، جلد اول، مترجم: مولانا محمد مهدی حقانی، پشاور: مکتبه الحقایق، ۱۳۹۲ هـ - ۲۰۱۳ م، ص ۴۰۵

که بارزترین آن شورا صحابه (رضی الله تعالی عنهم) در سقیفه بنی ساعده برای تعیین خلیفه اسلام مشوره ابوبکر (رضی الله تعالی عنه) در مورد مانعین زکات وامثال آن می باشد و عادت ابوبکر صدیق و عمر (رضی الله تعالی عنه) چنین بود هرگاه برای ایشان قضیه ای پیش میگردید، حکم آن را در نصوص کتاب الله واحادیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) جستجو می نمودند، و اگر در آن نمی یافتند، صحابه را جمع نموده در زمینه از آنها مشوره می گرفتند. پس شورا رکن اساسی دولت را تمثیل می نماید و شرع نیز تمام جوانب آن را تنظیم نموده است که باید با فکر اسلامی مستنیر در مورد آن بحث صورت گیرد، به خصوص درین حالتیکه نظام دیموکراسی طغیان نموده است. زیرا شورا یک رکن اساسی از سلطان امت بوده و یک بخش سیاست اسلامی از صحنه حیات در کشورهای اسلامی آبدور افتیده است، تمثیل می کند.

این بحث در رابطه به اهمیت شوری پرداخته شده که مشتمل بر دو مطلب میباشد، که قرار ذیل اند:

در قرآنکریم از شورا و مشورت در موارد مختلفی سخن گفته شده؛ و از آن به عنوان عمل مبارک و پسندیده یاد گردیده است. چنانکه در سوره بقره، ضمن شرح داستان آفرینش و پیدایش انسان، به مشورت و نظرخواهی الله متعالاً از فرشتگان در مورد خلقت آدم اشاره شده است:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱

ترجمه: و (بیاد بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. گفتند: آیا کسی را در آن قرار می دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تو را تقدیس می کنیم. پروردگار فرمود: یقیناً من می دانم آنچه را که شما نمی دانید.^۲

طوریکه از آیه فوق بر می آید، خداوند متعال با آنکه علم مطلق و کامل دارد و نیازی به مشورت دیگران برای تکمیل معلومات خویش ندارد، مع ذلک بطور بلاکیف با فرشتگان در امر آفرینش انسان مشورت نموده و نظر آن ها را در این زمینه جویا می شود، تا باشد این عمل نیکو و مبارک در میان نسل بشر، مروج و مورد عنایت قرار گیرد.

در جای دیگری از قرآنکریم، خداوند متعالاً به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دستور می دهد در کارها با یاران خویش مشوره نماید:

^۱ البقرة : ۳۰.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۸.

{قَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ }^۱

ترجمه: «پس به (سبب) رحمت الهی است که تو با آنان نرم خو (و مهربان) شدی، و اگر تند خو و سخت دل بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کارها، با آنان مشورت کن، و آنگاه که تصمیم گرفتی بر الله توکل کن، زیرا که الله توکل کنندگان را دوست می‌دارد.^۲

در این آیه مبارکه، کلمه "امر" به شکل "الامر" آمده است که معرف "ال" یا "الف" و "لام" از نگاه قواعد ادبی، عمومیت را می‌رساند، یعنی شورا مربوط به یک و یا چند مورد نمی‌گردد، بلکه در تمام مسایل که در مورد آن نص صریحی وجود نداشته و به سرنوشت و حیات مسلمین تعلق داشته باشد، مشورت کردن و نظرخواهی از اهل رأی در آن زمینه جواز دارد. زیرا، اتخاذ تصمیم درست و عادلانه، بالخصوص در مسایلی که به منافع و مصالح عموم مسلمانان تعلق داشته باشد، واجب است و دستیابی به حق و عدالت، بدون مشورت ممکن نیست.

در مورد مشروعیت شورا، قرآن کریم موضعی روشن دارد. اهمیت آن در قرآن کریم به حدی است که حتی نام یکی از سوره‌های این کتاب آسمانی، (شورا) است. در این سوره خداوند متعالاً شورا و مشوره را یکی از خصایص و خصایل نیکوی امت مسلمه شمرده است:

{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ }^۳

ترجمه: «و کسانی که (دعوت) پروردگارشان را اجابت کردند، و نماز را بر پا می‌دارند، و کارهای‌شان بین آنان به (صورت) مشورت است، و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم. (در راه الله) انفاق می‌کنند.

{وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ }^۴

ترجمه: «و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد (و) گفت: ای موسی! همانا بزرگان (و اشراف قوم) درباره‌ی تو مشورت می‌کنند؛ تا تو را بکشند، پس بی‌درنگ (از شهر) بیرون شو، بی‌تردید من از خیر خواهان تو هستم.^۵

طوریکه از آیه فوق بر می‌آید، فرعون با آنکه دعوی خدایی داشت و (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى) می‌گفت، با آن وجود باز هم به شورا و مشورت رو آورده و خود را بی‌نیاز از آن نمی‌دید. این امر نشان دهنده اهمیت و نیاز بشر به شورا است.

^۱ آل عمران : ۱۵۹ .

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم ، ص ۱۳۸ .

^۳ الشوری : ۳۸ .

^۴ القصص : ۲۰ .

^۵ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۷۸۹ .

در جای دیگری، قرآن کریم از نامه سلیمان علیه السلام به بلقیس ملکه سبأ یاد آوری نموده و واکنش ملکه سبأ را در برابر نامه سلیمان علیه السلام چنین بیان می‌کند:

{ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون }^۱

ترجمه: «(ملکه سبأ) گفت: ای بزرگان، به راستی نامه‌ی پر ارزشی به سوی من افکنده شده! همانا آن (نامه) از سلیمان است، و چنین است: به نام الله بخشنده‌ی مهربان. بر من برتری مجوید، و تسلیم شده نزد من بیایید. (ملکه) گفت: ای بزرگان، در کار من رأی دهید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما تصمیم نگرفته‌ام (و انجام نداده‌ام).

در سوره "طه" به صورت ضمنی به موضوع شورا اشاره شده است. آنجایی که حضرت موسی ÷ از خداوند می‌خواهد:

{ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي }^۲

ترجمه: «و برای من (یاور و) وزیری از خاندانم قرار ده. برادرم هارون را. به (وسیله) او پشت مرا محکم کن. و او را در کار (رسالت) من شریک ساز.»^۳

آیات فوق نشان می‌دهد که موسی علیه السلام با آنکه پیامبر خدا بود، از خداوند می‌خواهد هارون برادرش را همکار وی سازد تا با همکاری، هماهنگی و با تفاهم و مشوره با یکدیگر امور را به پیش ببرند.

همچنان در جای دیگری از قرآن کریم به مشورت میان زن و شوهر در امور مربوط به زندگی مشترکشان چنین تأکید شده است:

{ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }^۴

ترجمه: «و مادران (باید) فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. (این دستور) برای کسی است که بخواهد دوران شیر خوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم

^۱ النمل: ۲۹-۳۰.

^۲ طه: ۲۹-۳۰.

^۳ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۷۷۰.

^۴ البقرة: ۲۳۳.

است خوراک و پوشاک آنان (= مادران) را بطور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس جز به اندازه توانایی اش مکلف نمی‌شود. نه مادر به خاطر فرزندش و نه پدر به سبب فرزندش باید زیان ببیند. و مانند همین (احکام) بر وارث (نیز) لازم است، پس اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند. (کودک را زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست، و اگر خواستید که برای فرزندان خود دایه‌ای بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه را که مقرر کرده‌اید، بطور شایسته بپردازید. و از الله بترسید، و بدانید که الله به آنچه انجام می‌دهید؛ بیناست»^۱.

به همین گونه، در جای دیگری از قرآن کریم نیز به زن و شوهر سفارش شده تا بعد از مشورت با یکدیگر، در امور مربوط به فرزندانشان تصمیم بگیرند:

{ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآؤُهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتْمِرُوا بِئِنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتََرْضِعْ لَهُ

أُخْرَى }^۲

ترجمه: «پس اگر (فرزندتان را) برای شما شیر می‌دهند، مزدشان را بپردازید، و (این کار را) به نیکی و با مشورت همدیگر انجام دهید، و اگر به توافق نرسیدید، پس زن دیگری (به درخواست شوهر) او را شیر دهد»^۳.

شورا یکی از برنامه‌های مؤکد اسلام در امور اجتماعی و حکومتی است که اسلام آن را در امور اجتماعی و آنچه به سرنوشت جامعه مربوط است، و جنبه اجرایی قوانین الهی و مصالح جامعه اسلامی را دارد- نه جنبه قانونگزاری- در همچو مسایل اصل شورا را با دقت و اهمیت خاصی مطرح کرده حتی در قرآن یکی از سوره‌ها به عنوان «سوره الشوری» نامگزاری گردیده است؛ زیرا تنها سوره‌ای است که شورا و مشورت را به عنوان یکی از خصوصیات مؤمنان حقیقی قرار داده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم با آنکه از وحی آسمانی الهام می‌گرفت، واز سوی دیگر فکر نیرومندی داشت که نیاز آن به مشوره کمتر احساس می‌شد، با وصف این برای آنکه مسلمانان را به اهمیت شورا متوجه ساخته و نیروی فکری و اندیشه‌شان را پرورش داده باشد، مجلس شورا تشکیل می‌داد، و به نظر اصحاب و یاران خود ارزش خاصی قایل بود.

آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: {وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ} «ودر کارها با آنان مشورت و رایزنی کن».

این نص قطعی و جزمی اصل شورا را در کارهای اجتماعی و نظام حکومت بنیان می‌گذارد، حتی در آن زمانی که نظام حکومت به دست پیامبر صلی الله علیه وسلم هم باشد، چنین اصلی باید رعایت شود.

^۱ ترجمه جدولی قرآن کریم ۷۳.

^۲ الطلاق: ۶.

^۳ ترجمه جدولی قرآن کریم ۱۱۲۶.

و در سوره شورا هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان راستین اصل شورا را در ردیف ایمان به خدا و نماز قرار داده می‌فرماید: **{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ}**^۱

ترجمه: مؤمنان راستین کسانی‌اند که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند، و نماز را چنانکه باید می‌خوانند، و کارشان به شیوهٔ رایزنی و برپایهٔ مشورت با یکدیگر است.^۲

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که کار شورا در زندگی مسلمانان ژرف‌تر و مهم‌تر از این است که سیستم اسلامی فقط یک نظام سیاسی باشد و بس. چه شورا قالب اساسی و بیکرهٔ اصلی جملگی گروه مسلمانان است. کار و بار گروهی ایشان برشورا استوار و پایدار می‌گردد، آنگاه از گروه به دولت سرایت می‌کند، یعنی مسلمانان هم گروه وهم دولت ایشان به پایهٔ شورا استوار و بر قرار می‌گردد. وهمچنان در سنت نبوی صلی الله علیه وسلم به خصوص سیرت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین اصل شورا با اهمیت خاصی تلقی شده است.

اصطلاح «شوری» به همان معنای عام خود که مربوط به نظام حکومت‌داری در اسلام است، در دو آیه فوق از قرآن کریم بیان شده است:

۱- در سوره شوری که پیش از هجرت و تشکیل دولت اسلامی نازل شد الله جل جلاله چنین می‌فرماید: **{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ}**^۳

ترجمه: و کسانی که (دعوت) پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارهایشان در بین آنان، به (صورت) مشورت است و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، [در راه الله] انفاق می‌کنند.^۴ به قول ابن عاشور^۵: (أمرهم)؛ یعنی امور دینی و دنیوی، (شوری بینههم)؛ یعنی اینکه کسی از آنان در اموری که مشترک در میان‌شان است، خودرأی و مستبد نیست و این ویژگی قطعاً برخاسته از اجتماع، الفت و دوستی آنان است. از نشانه‌های کمال دانایی و عقل‌شان این است که هرگاه ارادهٔ انجام

^۱ الشوری: ۳۸

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص؛ ۹۸۶.

^۳ الشوری: ۳۸.

^۴ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۹۸۶.

^۵ محمد طاهر بن محمد بن محمد طاهر بن عاشور، مشهور به «طاهر بن عاشور» در سال ۱۲۹۶ هجری در «مرسی» منطقه‌ای از مناطق پایتخت تونس دیده به جهان گشود، وی یکی از عالمان خاندان «آل عاشور» است. نسب این خاندان به ادریس‌یان حسینی بازمی‌گردد که از سرزمین اصلی خود، مراکش، به اسپانیا رفته بودند، اما به سبب آزارهای مذهبی (تفتیش عقاید) نیای بزرگ آنها، عاشور در سال ۱۰۳۰ ه ق از اسپانیا به مغرب کوچ نمود و در شهر «سلا» ساکن شد. بدین ترتیب، محمد طاهر بن عاشور، صاحب تفسیر «التحریر و التنویر»، در محیطی کاملاً علمی متولد شد و در آن رشد یافت.

تفسیر «التحریر و التنویر»، مشهور به تفسیر ابن عاشور، در ردیف تفاسیر جامع قرار می‌گیرد. این تفسیر را در ۲۵ جلد چاپ کرد. ۸۰ سال ۱۴۲۰ ق نیز «مؤسسه تاریخ» بیروت، این تفسیر را در ۳۰ جلد به چاپ رسانیده است. (معجم المؤلفین ۹۸/۳)

امری از امور محتاج به فکر و نظر را کنند، با یکدیگر جمع شده و مشورت و بررسی می کنند و زمانی که مصلحت برایشان آشکار گردد، آن را غنیمت شمرده و انجام می دهند؛ مانند مشورت در جنگ و جهاد و تعیین امیر یا قاضی^۱.

با توجه به آیه مذکور، برایمان روشن گشت که الله تعالی صفات اساسی و منحصر به فرد مؤمنان را بیان نموده و آنان را توصیف کرده است؛ از جمله اینکه با یکدیگر مشورت می کنند و این مطلب نشان می دهد که مشورت از ویژگی های مسلمانان بوده و باید آراسته به این صفت باشند؛ فرقی نمی کند که یک گروه و بدون دولت و حکومت باشند؛ مانند شرایط مسلمانان در مکه، یا اینکه دارای دولت و حکومت باشند؛ همچون شرایطشان در مدینه پس از هجرت

پس از قواعد مهم اسلام در زندگی مسلمانها شوری است، نظام حکومت اسلامی تنها حکومتی است که بعد از نص شرعی نظام آن به شوری، تبادل نظریات و جلب تعاون اهل خبره برای حل امور عامه و رسیدن به حق استوار باشد^۲.

شوری در حقیقت اساس تدبیر برای همه امور امت و بنیاد سیاست اداری امت در مواقع مختلف می باشد.

چنانچه که در مورد اهمیت شوری از جانب الله جل جلاله نهایت اهتمام شده و مبدأ آن را با نص صریح در دو آیت قرآن کریم استحکام بخشیده است:

{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ} ^۳

ترجمه: و کسانی اند که دعوت پروردگارشان را پاسخ می گویند و نماز را چنان که باید می خوانند و کارشان به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است و از چیزهایی که بدیشان داده ایم (در کارهای خیر) صرف می کنند^۴.

طریق استدلال به آیه فوق چنین است! که اتصال در نظم اتصال در حکم را الله جل جلاله واجب و ضروری بالای امتش می گرداند. اگر اهمیت شوری در دین اسلام واضح بیان نباشد، پس برای ادخال امور مختلف در یک نظم و ذکر پیوست و یکجایی آن معنی ای ندارد^۵.

^۱ التحریر والتنوير «تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر کتاب المجدید» محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی (المتوفی: ۱۳۹۳هـ) الناشر: الدار التونسیة للنشر - تونس سنة النشر: ۱۹۸۴ هـ ج ۲ ص ۲۵۷.

^۲ السياسة و الادارة، ج ۱، ص ۴۰۸.

^۳ (الشوری: ۳۸).

^۴ تفسیر نور از مصطفی، خرم دل، تهران: نشر احسان، چاپ دهم، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳۱.

^۵ السياسة الشرعية فی الشئون الدستورية والخارجية والمالية المؤلف: عبد الوهاب خلاف (المتوفی: ۱۳۷۵هـ) الناشر: دار القلم الطبعة: ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م ج ۱ ص ۳۱.

این واضح است که در آیت کریمه دو رکن اساسی اسلام در یک نظم آمده ؛ یکی نماز و دیگری زکات است. و در ذکر نماز و روزه شوری اتصال آمده ، که دلالت واضح در رکن حکمت اسلامی دارد . به همین ترتیب قبول احکام شرعی الله تعالی و عملاً ادای نماز و دادن زکات برای مؤمنان از همان خصوصیات است که با این صفت مسلمانان از جمع کفار جدا می گردند، پس بنابر اتصال لفظی شوری هم همینگونه می شود و یا این صفات ذکر شده برای مؤمنان چنان روش اساسی ای اند که با آن تشخیص ایمانی ایشان متحقق می شود؛ و هرگا که شوری در امور ذاتی البینی غیر منصوص و اهتمامی مسلمانان بنابر این فرموده الله متعال {وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ} واجب شد، پس در امور مسلمانان شوای امر ولایت عام و خلافت، امر مهم و مهتمم بالشأن دیگری نمی باشد.^۱

۲- {قَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ} ^۲

ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خط فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند . پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.^۳

یعنی تو ای پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن عام عمل با صحابه کرام رضی الله تعالی عنهم مشوره کن کدام که حالت جنگ و صلح، سیاست امت، خوف، امن و غیر از این مصالح دنیوی مردم شد. در این آیت کریمه امر برای وجوب است، زیرا تا زمانی که قرینه صارفه موجود نباشد در امر اصل وجوب می باشد. در اینجا قرینه ای وجود ندارد که امر را از وجوب به معنی دیگر تحویل دهد ^۴.

به قول ابن کثیر: ^۵ در این آیه کریمه الله متعال به رسول خویش صلی الله علیه وسلم حکم می نماید! که وی به حیث رئیس دولت با همکران خویش در امور اهتمامی مشوره نماید. و این خطاب به

۱ خصائص الشريعة الإسلامية في السياسة والحكم، المؤلف: فتحي، دريني، طبع بيروت: دارالعودة، ۲۰۰۵، ج ۱ ص ۴۱۹ - ۴۲۰.

۲ - آل عمران، ۱۵۹.

۳ - تفسیر نور، ص ۱۲۹.

۴ البهجة في شرح التحفة ((شرح تحفة الحكام)) المؤلف: علي بن عبد السلام بن علي، أبو الحسن التَّسُولِي (المتوفى: ۱۲۵۸هـ) المحقق: ضبطه و صححه: محمد عبد القادر شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م ج ۱ ص ۴۲

۵ این کثیر، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن کثير قرشي (۷۰۱-۷۷۴ق/۱۳۰۲-۱۳۷۳م)، مورخ، مفسر و محدث مشهور شافعی. می باشد. اسماعیل ابن عمر ابن کثیر، دمشق شافعی، در «مجیدل القرية» از توابع شهر «بصری» بدینا آمد. به سال ۷۰۱ به دمشق منتقل شد، و تعلیم و تعلم را در محضر کمال الدین عبد الوهاب آغاز کرد، و برای تعمیم و تعمیق دانش خود به محفل عالمان، محدثان و فقیهان آن دیار وارد شد و از آنها بهره های فراوانی گرفت. او در ادامه تحصیل و فراگیری دانش به درس ابن تیمیه حاضر شد و با ادامه تحصیل در درسهایش، ارادت فراوان به او پیدا کرد و از نزدیکان او شد. وی کرسی درس داشت و شاگردان زیادی از درسهای او بهره می بردند.

رسول الله صلى الله عليه وسلم عين خطاب به امت اسلامی است، پس امت مأمور می شود که آن ها در امور اهتمامی غیر منصوص مشوره نمایند. در این رابطه فرقی بین حاکمان و محکومین نیست، زیرا هرگاه که رسول الله صلى الله عليه وسلم در حالیکه رئیس دولت اسلامی است به مشوره در امور پیش آمده با اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم مامور گردید، پس در پرتو آن مردمان دیگری از امت، اعم از اینکه حاکم اند و یا محکوم، به طریق اولی مامور می شوند که با هم در امور مشوره نمایند.^۱

به اساس تفصیل ذکر شده شوری یک فریضه اسلامی است که بر حاکمان و محکومان یکسان واجب میباشد؛ پس به حاکم لازم است که در تمام امور سیاسی، اداری و قانونی دولت و همه آن اموری که با مصلحت فردی و عامه تعلق دارد، با مردم اهل و ذی ربط مشوره نماید. و به رعیت و محکومین لازم است که در تمام این مسائل برای حاکم همان مشوره ای را بدهند که به نظرشان حق و صواب باشد، خواه حاکم از ایشان مشوره خواسته باشد و یا نخواسته باشد.^۲

مطلب دوم: اهمیت شوری در سنت نبوی:

شورا در احادیث نبوی - چه احادیث قولی و چه سیرت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم - اهمیت فوق العاده و جایگاه ویژه ای دارد. در این زمینه امام ترمذی روایتی را از ابوهریره رضی الله تعالی عنه نقل کرده که بیانگر اهمیت شورا در نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ يَقُولُ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَكْثَرَ مُشَاوَرَةً لِأَصْحَابِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ).^۳

ترجمه: هیچ یکی را ندیدم که مانند پیامبر صلی الله علیه وسلم با اصحاب و یاران خود بسیار مشورت کند».

و در مورد مشورت در امور سیاست و زعامت، امام بخاری چنین روایت نموده است:

شرح حال نگاران او را با عناوینی همچون فقیهی متقن محدثی محقق، و مفسری نقاد ستوده اند. مرحوم مدرس تبریزی درباره او نوشته اند: «ابن کثیر... از اکابر و مشاهیر علمای قرن هشتم عامه می باشد که مفسر مورخ، محدث حافظ متقن، فقیه متفطن بود. فقه و اصول و حدیث و تاریخ و دیگر علوم متداوله را از ابن تیمیه و ابن عساکر و دیگر اکابر وقت تکمیل نمود، تا در سن جوانی بمعاصرین خود تقدم یافت، تالیفاتش نیز، در حال حیات خودش منتشر و محل استفاده افاضل وقت شد.» ابن کثیر در موضوعات مختلف اسلامی آثار سودمندی دارد. وی به سال ۷۷۴ زندگی را بدرود گفت. (التفسیر والمفسرون ۱/۲۴۲ - معجم المؤلفین ۱/۹۷).

^۱ تفسیر القرآن العظیم أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی (المتوفی: ۷۷۴هـ) الناشر: دار طیبة للنشر والتوزیع الطبعة: الثانية ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م ج ۲ ص ۱۴۸.

^۲ معین الحکام فیما یتردد بین الخصمین من الأحکام المؤلف: أبو الحسن، علاء الدین، علی بن خلیل الطرابلسی الحنفی (المتوفی: ۸۴۴هـ) الناشر: دار الفکر ج ۱ ص ۲۶-۲۷.

^۳ الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبِد، التمیمی، أبو حاتم، الدارمی، البُستی (المتوفی: ۳۵۴هـ) ترتیب: الأمير علاء الدین علی بن بلبان الفارسی (المتوفی: ۷۳۹هـ) الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۸ م ج ۱۱، ص ۲۱۷.

«مَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يُبَايَعُ هُوَ وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ تَغْرَةً أَنْ يُقْتَلَ»^۱.

ترجمه: کسی با مردی بدون مشوره مسلمانان بیعت نماید، نباید از او ونه از شخصی که با او بیعت شده اطاعت صورت گیرد، تا مبدا این کار موجب قتل آن هردو نگردد.

وهم چنان از سیرت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم استفاده می‌شود، که او در مواردی که حکم خاصی از سوی خداوند نازل نمی‌شد، از قبیل مسایل جنگی و.. مشورت می‌کرد، و به نظر اصحاب احترام داشته و رأی معقول و منطقی آنان را مورد اجراء قرار می‌داد.

مشاوره پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد تعیین نقطه اردوگاه مسلمانان در میدان بدر، و پذیرفتن پیشنهاد حباب بن منذر رضی الله عنه و عملی کردن به آن، و مشاوره وی با ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه درباره اسیران بدر، و تمایل پیامبر جبهه رأی ابوبکر و .. را می‌توان از مثال‌های این اصل اسلامی شمرد^۲.

و در جنگ احد در مورد ماندن در مدینه یا بیرون رفتن و جنگیدن در خارج مدینه با مسلمانان مشورت کرد، و ترجیح دادند که در خارج از شهر با دشمن مقابله کنند، بدین منظور به بیرون شهر رفت.

و در غزوه خندق پیامبر صلی الله علیه وسلم با یاران خود در چگونگی نبرد با سپاه احزاب مشاوره نمود، سلمان فارسی رضی الله عنه نظر داد که در اطراف مدینه خندق کنده شود، چون نظر او در این مورد سازنده و منطقی بود، مورد قبول پیامبر صلی الله علیه وسلم واقع شد، و بدان عمل کرد. که ان شاء الله در فصل جداگانه پیرامون مشاورت پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث مفصل می‌گردد.^۳

پیامبر صلی الله علیه وسلم هیچ وقت در مسایل غیر منصوصی تنها به فکر و اندیشه خویش اکتفا نه نموده و به آنها مشوره می‌نمود. و افکار شخصی خویش را هیچ گاه بالای اصحابش نمی‌قبولاند. و بارها به رأی اصحاب کرام تنازل می‌نمود؛ اگرچه که نظرش با فیصله و آراء آنها در ابتداء مخالف هم می‌بود.

راجع به اهمیت شوری در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم اقوال زیادی وجود دارد، که رسول الله صلی الله علیه و سلم با اصحاب خویش مشوره می‌نمود. چنانچه ابوهیریه رضی الله تعالی عنه میفرماید

^۱ الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاری - محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ج ۸ ص ۱۶۸.

^۲ السرايا والبعوث النبوية حول المدينة ومكة، بريك بن محمد بريك أبو مایلة العمري إشراف: أكرم ضياء العمري الناشر: دار ابن الجوزی الطبعة: الأولى - جمادی الأول - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م ج ۱ ص ۶۴.

^۳ القول المبین فی سیره سید المرسلین محمد الطیب النجار (المتوفی: ۱۴۱۱هـ) الناشر: دار الندوة الجديدة بیروت - لبنان ج ۱، ص ۲۹۰.

وعن أبي هريرة قال : (ما رأيت أحداً قط كان أكثر مشورة لأصحابه من رسول الله صلى الله عليه وسلم).^۱

ترجمه : یعنی هیچ کسی از نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار مشوره کننده با اصحاب خود ندیدم . علاوه به رسول الله صلی الله علیه و سلم کسی دیگری را ندیده‌ام که با رفقای خویش تا این حد مشوره نماید.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سُمَحَاءُكُمْ وَأُمُورُكُمْ سُورَى بَيْنِكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا. وَإِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شِرَارُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ بَخْلَاؤُكُمْ وَأُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرَهَا).^۲ أخرجه الترمذی (۵۲۹/۴ ، رقم ۲۲۶۶) وقال : غریب .

ترجمه : هرگاه حاکمان شما بهترین شما و ثروتمندان شما سخاوتمندان شما بودند و کارهای شما روی مشوره انجام می گرفت، درین هنگام پشت زمین برای شما از شکم زمین بهتر خواهد بود (زندگانی تان بهتر از مرگ تان است).

از حدیث مذکور سه چیز اساس معلوم و هویدا می شود:

الف - قیادت صالح.

ب - کفالت فقراء .

ج - نظام شورای .

که برای یک جامعه صالح و نیکو کار و برای یک دولت اسلامی شرط های اساسی بشمار می روند. فتح درانی صاحب کتاب خصایص تشریح اسلامی چنین میفرماید : إن الإستخارة هی طلب خیر الأمور بعد البحث فیها و تبینها و النبی صلی الله علیه و سلم طلب إلى المؤمنین أن یتخیروا من الأمور اصلها تبعالماً ینتهی إليه البحث العلمی الموضوعی المبرراً من الانفعال و الهوی، و أن یتستشروا أولى الرأی و أهل الاختصاص و الخبرة، اتقاء لسوءالعاقبة هذا، ولم یقید الطلب من حیث موضوعه، بأمر خاص، أو عام، فتناول بإطلاقه شؤون الدولة و الحكم، تناولاً أولیاً، لأهمیتها، و عظیم خطرها)^۳.

ترجمه : استخاره در حقیقت طلب یک کار بهتر پس از بحث و بررسی است، رسول الله صلی الله علیه و سلم از مسلمانان می خواهد که آنها باید در امور همان امری را ترجیح بدهند که اصل و پسندیده باشد. همچنان رسول الله صلی الله علیه و سلم از مسلمانان می خواهد که آنها در رابطه به

^۱ ترمذی، محمد بن علی . ترمذی شریف، ج ۱. تهران: انتشارات دیجیتال، شماره حدیث ۱۳۹۰ ، ج ۳ ص ۱۲۹.

^۲ مشکاة المصابیح مینا بن عبد الله الخطیب العمری، أبو عبد الله، ولی الدین، التبریزی (المتوفی: ۷۴۱هـ) المحقق: محمد ناصر الدین الألبانی الناشر: المكتب الإسلامی - بیروت الطبعة: الثالثة، ۱۹۸۵ ج ۳ ص ۱۴۷۴.

^۳ خصائص التشریح الإسلامی فی السیاسة و الحكم، - لفتحی درینی هل الشوری شرط تتوقف علیه مشروعیة الولاية العامع و لزومها. ص ۴۲۱.

موضوع از صاحب نظران، اهل رأی و ماهرین فن و اشخاص مجرب مشوره بگیرند تا که در نتیجه از عاقبت بد محفوظ شوند. مطلبی که در مفهوم استخاره ذکر است، منحیث المجموع برای امور عام و خاص مخصوص نیست، لهذا بنا بر اطلاق در امور دولت و حکومت بخاطری قبل از همه شامل می گردد که بسیار مهم است و خطر آن از خطر امور دیگر بزرگ می باشد.

پس عقیده فلسفی عمده‌ای که حکومت انسانی در اسلام بر آن استوار است ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و سلم و روز واپسین و همچنین باور داشتن این حقیقت است که انسان جانشین خداوند است و به او عقل و اراده و آزادی و مسئولیت داده شده است تا زمین را آباد کند و نیروهای موجود در جهان آفرینش را در راه اقامه عدل خیر و آزادی به خدمت گیرد ندارد؛ و در این میان وحی نیز به هدایت‌گری و یاری انسان آمده است تا طرح الهی را در مورد ارتقاء بخشیدن به حیات مادی و معنوی خود عملی کند و سزاوار سعادت مطلق و جاودانگی و نیز خوشنودی خداوند جل جلاله شود، چونان که انقطاع وحی نیز نشان رشدیافتگی و حاکمیت بشریت است. چه در این نگرگاه همه بشریت خلیفه خداوند و خود به نیابت از خداوند صاحب اصلی قدرت است. اما از آنجا که عملاً امکان ندارد که همه مردم دست به کار اداره این قدرت که خداوند به همه محول کرده است شوند ناگزیر می‌بایست و در چهارچوب قرار داد (بیعت) آن را به کسی یا کسانی بسپارند که مطابق قانون و با نظارت ملت (شورا) عهده‌دار آن شود. از همین جا روشن می‌شود که قرآن و سنت، کتاب و سنت و شورا دو نهاد اساسی در تشکیل حکومت اسلامی هستند.

فصل دوم

تطبیقات شوری در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم

این فصل دارای دو مبحث میباشد:

مبحث اول: انواع شوری در قرآن کریم و سنت:

این مبحث دارای دو مطلب میباشد:

قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم به عنوان اصلی ترین و اساسی ترین منابع دین مبین اسلام، آن گونه که در تمامی موارد دیگر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مباحث عمده و اساسی را مطرح کرده اند، شوری هم به عنوان جزئی از اجزای اساسی بحث نظام سیاسی اسلام مطرح می شود که در ذیل تطبیقات شوری را از دو دیدگاه، یعنی قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم در قالب های عمومی اجتماعی مورد بحث قرار می دهیم:

مطلب اول: تطبیقات شوری در خانواده:

خانواده به عنوان کانون اصلی و بنیاد ساز اجتماع امت اسلامی، جهت تحقق واقعیت ها و آرمانهای اسلام به عنوان اصلی ترین و اساسی ترین محرک به شمار می آید. این خانواده است که در اثر رهبری و سرپرستی درست در پرتو نورانیت اسلام سبب می شود تا افرادی که افکار سالم و توانایی منحصر به فردی دارند به جامعه اسلامی تقدیم شوند. خانواده می تواند اساس جامعه را به خوشبختی بکشد و همچنان خانواده ها هستند که هر نوع مشکلات و چالش را در اجتماع مسلمانان به وجود می آورند. در نظام خانواده، یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین امری که سبب تحکیم امور خانواده می شود شوری است و در اثر عدم توجه و بی میلی به این اصل، نظام خانواده از هم می پاشد و دچار تزلزل و بی رغبتی میان اعضای خانواده شده و فضای کاملاً غیر اسلامی خانواده را می پوشاند که این امر سبب شده تا نه تنها آن خانواده همواره با دشواری ها دست و پنجه نرم کند، بلکه جامعه را سخت تحت تأثیر منفی خود قرار داده و سبب ایجاد مشکلات بسا عظیم می گردد. در نظام اجتماعی اسلام خانواده به عنوان اصل اساسی پنداشته شده و اساسات دین اسلام جهت تربیت و پویایی خانواده ها اصول و قواعد مختلفی را مورد توجه قرار داده است. بطور نموده، یکی از مواردی که می توان به آن اشاره کرد، شیر دادن طفل است که در اثر تفاهم میان زن و شوهر ایجاد می شود، طبق این فرموده الله متعال که مشورت در امر شیر دادن طفل یا دادن مخارج به زن مطلقه است:

{وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُمُوهُمَا مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}!

ترجمه: «و مادران (باید) فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. (این حکم) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان (مادران)، به طور شایسته بر عهده پدر است، هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری (نیز) نباید به خاطر فرزندش (ضرر ببیند). و مانند همین (احکام) بر عهده وارث (نیز) هست. پس اگر (پدر و مادر) بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر، کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی

نیست، به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید، به طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.^۱

جای دگر الله جل جلاله چنین میفرماید: {وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا}.^۲

ترجمه: و اگر از جدایی میان آن دو: (زن و شوهر) بیم دارید پس داوری از خانواده آن (شوهر) و داوری از خانواده آن (زن) تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است.^۳

در آیه فوق، خداوند کریم راه‌های برگردانیدن و یا اصلاح را در نظر گرفته است که در اثر اختلافات میان زن و شوهر به وجود آمده است. اینجا در واقع، قرار دادن حکم از طرفین (از خانواده مرد و خانواده زن) خود نشان دهنده این است که در امر حل اختلافات و مشکلات به وجود آمده میان زن و شوهر، توجه به شوری و یا مشورت و نظر پردازی طرفین است. در واقع این روش راه بهتر را برای حل و فصل منازعات طرفین در نظر دارد و در واقع مقصد از گردانیدن حکم از دو طرف اصلاح زن و مرد است و در اثر عدم اصلاح و یا کوتاه آمده در عرصه ادامه زندگی مشترک زناشویی، فقهای کرام نظریات مختلف دارند، بعضی از فقها تأکید به این دارند که این حکمان می‌توانند جدایی را در اثر عدم سازش میان زن و شوهر ایجاد کنند و بعضی این عمل را راجع به قضا می‌کنند و وظیفه (حکم طرفین) را فقط اصلاح و برگردانیدن زن به شوهر و شوهر به زن است و اگر به این امر موفق نشدند، پس مسأله ایجاد طلاق را به قاضی محول کنند.^۴

مطلب دوم: تطبیقات شوری در زندگی عامه مسلمین:

از قواعد مهم اسلام شوری است، نظام حکومتی اسلام تنها حکومتی است که نظام آن به شوری، تبادل نظریات و جلب تعاون اهل خبره برای حل امور عامه و رسیدن به حق استوار می‌باشد.^۵

چنانچه که الله جل جلاله چنین میفرماید:

{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ}.^۶

۱. تفسیر نور، خرم دل، ص ۳۷.

۲. النساء: ۳۵.

۳. تفسیر نور، ص ۸۴.

۴. تفسیر انوار القرآن، عبدالرووف، مخلص کابل: نشر خیبر، ج ۱، ص ۵۸۶-۵۸۷.

۵ - السياسة و الادارة، عبدالباقی، حقانی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۶ - الشوری: ۳۸.

ترجمه: و کسانی اند که دعوت پروردگارشان را پاسخ می گویند و نماز را چنان که باید می خوانند و کارشان به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است و از چیزهایی که بدیشان داده ایم (در کارهای خیر) صرف می کنند.^۱

طریق استدلال آن این است که اتصال در نظم اتصال در حکم را واجب می گرداند و اگر اینگونه نباشد، پس برای ادخال امور مختلف در یک نظم و ذکر پیوست و یکجایی آن معنی ای ندارد این واضح است که در آیت کریمه دو رکن اساسی اسلام در یک نظم آمده که: یکی نماز و دیگری زکات است. و در ذکر این هردو شوری اتصال آمده که دلالت دارد به اینکه در اسلام یکی از ارکان حکومت شوری است. به همین ترتیب قبول احکام شرعی الله تعالی و عملاً ادای نماز و دادن زکات برای مؤمنان از همان خصوصیات است که با این صفت آنها از کفار جدا می شوند، پس بنابر اتصال لفظی شوری هم همینگونه می شود و یا این صفات ذکر شده برای مؤمنان چنان روش اساسی ای اند که با آن تشخیص ایمانی ایشان متحقق می شود و هرگا که شوری در امور ذاتی البینی غیر منصوص و اهمی مسلمانان بنابر این فرموده الله متعال { وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ } واجب شد، پس در امور مسلمانان شوری امر ولایت عام و خلافت، امر مهم و مهمم بالشأن دیگری نمی باشد.^۲

با دیگر الله جل جلاله چنین میفرماید:

{فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ }^۳

ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خط فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.^۴

به قول سید قطب رحمه الله^۵ : عام عمل با صحابه کرام رضی الله تعالی عنهم مشوره که حالت جنگ و صلح، سیاست امت، خوف، امن و غیر از این مصالح دنیوی مردم شد. در این آیت کریمه امر

۱ - تفسیر نور، ص ۱۰۳۱.

۲ خصائص الشریع الاسلامی فی السیاسة و الحکم، - لی فتحی، درینی، بیروت: دارالعودة، ۲۰۰۵، ص ۴۱۹ - ۴۲۰.

۳ - آل عمران: ۱۵۹.

۴ - تفسیر نور، ص ۱۲۹.

۵ سید قطب در سال ۱۹۰۶ میلادی در روستای «موشه» از توابع استان اسیوط مصر که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است، دیده به جهان گشود. اکثر اهالی روستای موشه مسلمانند و اقلیتی پیرو دین مسیحیت در روستا زندگی می کنند. پدرش حاج قطب ابراهیم سر سلسله خاندان قطب بود. وی در زندان به نوشتن کتاب ادامه داد و تفسیر نفیس فی ظلال القرآن را در زندان نگاشت. سرانجام در تاریخ ۹ آگست ۱۹۶۶ سید قطب و دوستانش به سوی جوخه اعدام هدایت شدند. (شهیدسیدقطب ص/۲۵-۵۷)

برای وجوب است، زیرا تا زمانی که قرینه صارفه موجود نباشد در امر اصل وجوب می باشد. در اینجا قرینه ای وجود ندارد که امر را از وجوب به معنی دیگر تحویل دهد. پس در این آیت کریمه الله متعال به رسول خویش صلی الله علیه وسلم حکم می نماید که وی به حیث رئیس دولت با همکران خویش در امور مهم مشوره نماید. و این خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم عین خطاب به امت اسلامی است، پس امت مأمور می شود که آن ها در امور مهم غیر منصوص مشوره نمایند. در این رابطه فرقی بین حاکمان و محکومین نیست، زیرا هرگاه که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه رئیس دولت اسلامی است به مشوره در امور پیش آمده با اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم مامور گردید، پس در پرتو آن مردمان دیگری از امت، اعم از اینکه حاکم اند و یا محکوم، به طریق اولی مامور می شوند که با هم در امور مشوره نمایند.^۱

مبحث دوم: شوری در عهد نبوت:

و این مبحث دارای هفت مطالب میباشد:

آن حضرت صلی الله علیه وسلم ضمن شناسایی و اثبات حقانیت ساخت جهان بینی اسلامی و ارتباط دقیق آن با سایر ادیان توحیدی و بطلان جهان بینی های جاهلی و کفری با رهنمودها در عرصه قانون گذاری ها به مقصد سر و سامان دادن نظم و ترتیب بخشیدن جامعه اسلامی با تأکیدی بر اصلیت شوری می پرداخت... همه اینها در یک زمان با برنامه یگانه و در نفس یگانه به طور شگرف انجام می پذیرد اما مهم ترین ارکان اصول ساختار ایدلوزی اسلام مژده دادن عقیده توحیدی و آیین یکتا پرستی از هر گونه ظلمت و تاریکی است.^۲

آن گونه که مسلمانان اولیه آن را شناخت و در درون آنها، جان انقلابی پدید آورد که عملاً نشان دادند آنان ممثل اسلام یا مسلمانان حقیقی هستند. با توجه به مطالب فوق، خداوند از زبان ابراهیم علیه السلام تمام پیامبران خود و مهمتر از همه آنان، خاتم پیامبران را بعد از مقام نبوت به مقام امامت

۱ - السیاسة و الادارة، ج ۱ ص ۴۰۹.

۲ - فی ظلال القرآن المؤلف: سید قطب ابراهیم حسین الشاربی (المتوفی: ۱۳۸۵هـ) الناشر: دار الشروق - بیروت - القاهرة الطبعة: السابعة عشر - ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۳۴۳-۳۴۴.

یا رهبری و پیشوائی سیاسی امت معرفی کرده بود. مسلمانان مدینه، اعم از مهاجرین و انصار نیز در متن بیعت خود، بر شناختن حضرت رسول به عنوان ریاست عالی نظام حکومت و دولت مدینه تأکید کرده بودند. ^۱ بنابراین، نظامی را که پیامبر اسلام در مدینه به ارمغان آورد و اساس گذاشت، آن نظام در عرصه های حیات معنوی و مادی دارای سیستم هایی بود که تحت سایه های رحمت، همه مردمان را از بندگی بندگان می رهاند و به بندگی یزدان یگانه جهان می رساند. چه، اسلام الوهیت را یکی می سازد و همه مردمان را در عبودیت یکسان می شمارد، سلطه و قدرت را به خدای یگانه می دهد و حاکمیت را تنها به خدای یگانه می سپارد. هیچ انسانی در برابر قانون انسانی چون خود کرنش نمی برد و فرمان نمی پذیرد، زیرا اگر چنین کند، هرچند که آزاد باشد، بنده او به شمار می آید و همگی در عرصه های قانون گذاری و امور سیاسی همگام عمل می کردند و به اصلیت شوری ارج قایل می شدند. لذا، کسانی را که ایمان آورده اند، در پناه مرحمت و فضل خداوند می غنونت و در قرآن حکیم آمده است: ^۲

{ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا } ^۳.

ترجمه: کسانی که به خدا ایمان بیاورند و بدان (کتاب او یعنی قرآن) چنگ زنند، ایشان را به رحمت و فضل عظیم (خود که بهشت است) وارد خواهد ساخت و در راه راستی به سوی خود رهنمون شان خواهد کرد ^۴.

به قول دکتور الصلابی: ^۵ از اینجاست که ساختار بنیادهای عمده نظام اسلامی از غیر اسلامی بر پایه شوری نیز قابل تشخیص می باشد. به ارتباط موضوع در مورد اول باید گفت: درست است که بنیاد فلسفه سیاسی و اساس اعمال حاکمیت پیامبر را جایگاه نبوی او تشکیل میداد و مشروعیت حکومت او در نخستین شالوده و اصلی ترین آن بر حق حاکمیت الهی استوار بود، اما خطاست که شباهت صوری این فلسفه سیاسی با تئوری شناخته شده در تاریخ فلسفه سیاسی را به معنی همسوئی و هم معنایی

^۱ السيرة النبوية - دروس وعبر المؤلف: مصطفى بن حسنى السباعي (المتوفى: ١٣٨٤هـ) الناشر: المكتب الإسلامي الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م ج ١ ص ٣٨.

^۲ الأخلاق النبوية في الصراعات السياسية والعسكرية محمد مسعد ياقوت، ج ١ ص ٦١.

^۳ - النساء: ١٧٥.

^۴ تفسير جدولی قرآن کریم، ص ٢٠٣.

^۵ دکتر علی محمد صلابی در شهر بنغازی لیبی سال ١٣٨٣ هـ / ١٩٦٣ م به دنیا آمد، یک از دانشمندان معاصر به حساب می رود، مرتبه لیسانس را به تقدیر ممتاز در سال ١٤١٣ / ١٤١٤ هـ برابر با ١٩٩٢ / ١٩٩٣ م از دانشکده دعوت و اصول دین دانشگاه اسلامی مدینه منوره به دست آورد. و درجه فوق لیسانس را از دانشگاه أم درمان الاسلامیه از دانشکده اصول دین در سال ١٤١٧ هـ / ١٩٩٦ م به دست آورد. و در سال ١٩٩٩ م به درجه دکترا نائل گردید، آثار بسیار دارد من جمله در کتب سیرت النبی سیاست و نظام اجتماعی کتب زیاد را تالیف نموده، (شبکه انترنت)

آنها بدانیم.^۱ به طوریکه در قدیمی ترین حکومت های تئوکراسی تا متأخرین آنها که توأم با مسخ واقعیت ها و آمیخته با خرافات و توهمات، همه ساخته و پرداخته اغراض بوده اند که تحت حاکمیت دینی تظاهر نموده اند، این مطلب یا آنچه که تحت نام حاکمیت الهی از نظر اسلام به عنوان آئین فطرت و به روی واقعیت و حقیقت استوار بوده و غیر قابل مقایسه میباشد. بنابر دلایل ذیل:

۱ - انتخاب ارادی و آگاهانه مبانی نظری حکومت و شیوه های اعمال حاکمیت، جایگاه تمکن و تسلیم بعد از معرفت و شناخت در آئین اسلام و فلسفه سیاسی مطروحه در مدینه جدی است که مردم باید از سر تأمل و تعقلی در حد اجتهاد بر اصول عقاید خویش نایل آیند و گرنه بدون وصول به آن معرفت و تسلیم با تقلید، صحت دیانت آنان مخدوش است. اصل بیعت ارادی آنهم بر بنیاد میثاق روشن و محتوای قرآن آشکارا دو سویه، روابط حاکمیت و ملت در حکومت مدینه، خبر میدهد. درست است که اساس حاکمیت پیامبر در مدینه ناشی از پیوند با خدا و منشأ قدرت الهی است، اما اراده مردم در قبول این حاکمیت نقش قطعی دارد. تنها در پرتو چنین تمکین ارادی است که حاکمیت الهی پیامبر فضیلت پیدا میکند.^۲

۲ - رویکرد مردمی حاکمیت و اعمال قدرت یکی از برجسته ترین خصایص فلسفه سیاسی پیامبر در مدینه است. چنین خصیصه ای در شیوه اعمال قدرت و حاکمیت را نه تنها در آن عصر نمیتوان یافت، بلکه تا قرون جدید اروپا نیز که در فلسفه سیاسی غرب از مبانی حاکمیت مردم بر مردم سخن گفته میشود، نشانی از آن رویکرد سیاسی نمیتوان یافت. چه در کتیبه بیستون، چه در قانون حمورابی و چه در حکومت های تئوکراسی قرون وسطی و قرون جدید اروپا معنای حق حاکمیت الهی رویکرد و بازگشتی قطعی فقط به فرمانروا دارد. اما پیامبر در مدینه شالوده قدرت، حکومت و اعمال حاکمیت دولت مدینه را ناشی از خداوند میداند و لی نه به عنوان عطیه ای برای اعمال اراده شخص خود. چنانچه پیامبر در سیره سیاسی خود نشان میدهد، این حکومت برای اعمال و تحقق حقوق معین الهی در جامعه و میان امت است، نه حقی خاص برای خود او و در راستای خواسته های شخصی وی. به عبارت دیگر، حاکمیت الهی پیامبر، برای تحقق قانون الهی است، قانونی که مردم را به عنوان میثاق ملت و دولت با اراده خود پذیرفته اند.

درحالیکه خداوند تحمیل نمودن اسلام را بر غیر مسلمان جواز نمیدهد، تصور جباریت سیطره پیامبر در مردم را نیز شدیداً نفی میکند و اصلی ترین جایگاه پیامبر را هدایت و انداز جامعه می شناسد. توجه به سیرت پیامبر، آشکارا از این حقیقت حکایت دارد که اولاً آن حضرت اعمال حاکمیت را بر بنیاد قوانین الهی متمرکز می ساخت. ثانیاً در رفتار و سلوک سیاسی، نه میان خود با مردم فاصله و

^۱ السیره النبویه عرض وقائع وتحلیل أحداث: علی محمد محمد الصلابی ج ۱ ص ۳۰۳.

^۲ تحلیل علمی - میر محمد شریف، پاکرآی، فلسفی رویدادهای عصر پیامبر اسلام، کابل: انتشارات افغانستان، ج ۱، ص ۶۵۶-۶۵۷.

مرزی میگذاشت، نه تفاوتی قابل میشد، نه امتیازی برای خود قائل بود. او، رفتار جباران و قیصرها و کسری ها تقبیح میکرد .

اهمیت جایگاه شورا و تأکیدات قرآن و سیره پیامبر در این زمینه آشکارا از رویکرد مردمی حکومت مدینه سخن میگوید. پیامبر در مدینه نه تنها شالوده های حکومت و اعمال قدرت را بر تأمین منافع و مصالح همه مردم، بدون امتیاز یک دسته بر دسته دیگر استوار کرد، بلکه همواره بر ضرورت مشوره تأکید ورزید. بعداً در جای مناسب خواهیم آورد^۱.

با توجه به مسایل یاد شده فوق، اصل و اساس شوری و تأکید قرآن کریم و احادیث پیامبر گرامی اسلام در این زمینه از جمله اهمیت و جایگاه خاص شوری را تبیین می کند. بنابراین، مصادیق اساسی شوری که در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام به آن می توان اشاره کرد قرار ذیل اند:

مطلب اول: شوری در غزوه بدر:

غزوه بدر که در رمضان سال دوم هجرت به وقوع پیوست، علت وقوع آن؛ فرستادن عده ای از مسلمانان توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم جهت جستجوی کاروان تجارتی قریش بود. این کاروان که ریاست آن را ابوسفیان به عهده داشت از تجارت شام بر می گشت. زمانیکه ابوسفیان از قصد مسلمانان آگاه گردید، شخصی را آگاهی به مکه نزد قریشیان فرستاد و برای آن که توسط مسلمین غافلگیر نشود، راه کاروان را تغییر داده و از راهی که به موازات ساحل دریا بود، به سوی مکه حرکت کرد و بدین ترتیب کاروان را از دست مسلمین نجات داد. قریشیان زمانی که از وضع کاروان و طلب استمداد ابوسفیان آگاه گردیدند، سپاهی را که عده شان میان نه صد و هزار بود آماده جنگ با رسول الله صلی الله علیه و سلم نمودند.

زمانیکه پیامبر خدا (صلی الله علیه و سلم) از آمادگی قریش و قصد حمله شان بر مسلمین آگاهی یافتند، اصحاب کبار (رضی الله عنهم) را از تصمیم و قصد کفار مطلع ساخته و در زمینه از ایشان مشورت خواستند. آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) رو به اصحاب نموده و فرمودند: "أَشِيرُوا عَلَيَّ أَيُّهَا النَّاسُ"^۲ ترجمه: یعنی ای مردم! برایم مشورت بدهید. در این موقع حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) شروع به صحبت نموده و با سخنان شورینگیز، آمادگی خود را به صورت قاطع از خواست پیامبر (صلی الله علیه و سلم) اعلام و جنگ با قریش را ضروری قلمداد نمود.

^۱ .، فلسفه رویدادهای عصر پیامبر اسلام ، ص ۶۵۷-۶۵۹.

^۲ السيرة النبوية أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى : ۷۷۴هـ) ج ۲ ص ۳۹۲.

بار دیگر پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وسلم) رو به اصحاب نموده و فرمودند: أَشِيرُوا عَلَيَّ أَيُّهَا النَّاسُ. یعنی ای مردم برایم مشوره دهید. این بار منظور ایشان انصار بود تا نظر شان را در این مورد بیان کنند. حضرت سعد بن معاذ(رضی‌الله‌عنه) به نمایندگی از انصار، حمایت و پشتیبانی خویش را از خواست آنحضرت(صلی‌الله‌علیه‌وسلم) این جنگ با اصحاب مشورت نمودند که در ذیل به ذکر آن می پردازیم:

۱) اظهار و آمادگی خویش را برای جنگ با قریش اعلام نمودند. ۲) در جنگ بدر کفار با وجود این که از نظر تعداد و از لحاظ لوازم جنگی بر مسلمانان برتری داشتند، مغلوب مسلمین گشتند و مسلمانان علاوه بر این که هفتاد تن از آنها را کشتند، تعدادی را نیز اسیر کردند. بعد از ختم جنگ، رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) در مورد اسیران بدر از اصحاب مشورت خواسته و فرمودند: " ان الله امکنکم منهم ما تقولون فی هولاء الاسرى " ۳

بدین ترتیب رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وسلم) بر اساس مشورت با اصحاب و پرسیدن نظر آنها، تصمیم به حرب علیه مشرکین قریش گرفتند. همچنان رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وسلم) در این غزوه (بدر) در مورد محل استقرار سپاه اسلام در میدان معرکه و چگونگی برخورد با اسیران این جنگ با اصحاب کرام مشورت نمودند که در ذیل به ذکر آن می پردازیم

مطلب دوم: شوری در مورد محل استقرار سپاه اسلام در میدان معرکه:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در غزوه بدر ساحه ای را که نزدیک به آب های موجود در بدر بود، برای استقرار سپاه اسلام انتخاب نمودند. حضرت حباب ابن منذر(رضی‌الله‌عنه) که صاحب نظر در امور حربی و ناظر این صحنه بود گفتند: یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم ! آیا بر مبنای وحی و دستور الهی اینجا فرود آمده اید که ما را توانایی تغییر آن نیست و یا این که بر اساس فکر و تدبیر حربی این تصمیم را اتخاذ کرده اید؟

آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نه خیر. اینجا را بر اساس وحی آسمانی نه، بلکه بر اساس تدبیر و مصلحت جنگی گزیده ام. ۴

حضرت حباب ابن منذر(رضی‌الله‌عنه) گفتند: ای رسول خدا! اینجا محل مناسب برای استقرار سپاه نیست. سپاه را بفرما تا در نزدیکترین محل به آب های موجود در بدر مستقر شوند تا تنها ما از آن آب

۱ فیض القدر شرح الجامع الصغیر من أحادیث البشیر النذیر للعامة محمد عبد الرؤوف المناوی ضبطه وصححه أحمد عبد السلام دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م ج ۹ ص ۴۳.

۲ کتاب المغازی للواقدي المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد الواقدي (المتوفى: ۲۰۷هـ) المحقق: مارسدن جونس الناشر: بیروت- عالم الکتب: موقع مکتبة المدينة الرقمیة ج ۱ ص ۴۸.

۳ السیرة النبویة للإمام أبي الفداء إسماعيل بن كثير تحقيق مصطفى عبدالواحد ج ۱ ص ۲۸۸.

۴ الرحيق المختوم المؤلف: صفی الرحمن المبارکفوری: السیرة والتاریخ ج ۱ ص ۳۳۴.

مستفید شویم و دشمن نتواند به آب دسترسی داشته باشد (یعنی لشکر طوری مستقر شود که آب در عقب آنها قرار داشته باشد و در هنگام جنگ تنها ما به آب دسترسی داشته باشیم و دشمن از آن محروم باشد).

با شنیدن این پیشنهاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: " لَقَدْ أَشْرَتْ بِالرَّأْيِ ! " یعنی: به تحقیق رأی و نظر درست را مشوره دادی و آن را عملی نمودند. آنگونه که دیده می شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نظر حضرت حباب ابن منذر رضی الله عنه را در مورد محل استقرار سپاه اسلام در میدان نبرد می پذیرند و از رأی خویش صرف نظر می نمایند.

مطلب سوم : شوری در مورد اسیران جنگ بدر:

در جنگ بدر کفار با وجود این که از نظر تعداد و از لحاظ لوازم جنگی بر مسلمانان برتری داشتند، مغلوب مسلمین گشتند و مسلمانان علاوه بر این که هفتاد تن از آنها را کشتند، تعدادی را نیز اسیر کردند. بعد از ختم جنگ، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد اسیران بدر از اصحاب مشورت خواسته و فرمودند:

"إِنَّ اللَّهَ أَمَّا كُنَّكُمْ مِنْهُمْ مَا تَقُولُونَ فِي هَؤُلَاءِ الْأَسْرَى " ۲

ترجمه : خداوند (جل جلاله) شما را بر این ها (اسیرها) مسلط گردانیده است، اکنون در مورد سرنوشت این اسیران چه نظر دارید؟

ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) چنین مشورت داد: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم)! ایشان از جمله اقوام و خویشان تو اند، رحم کن بر ایشان و نگه دار شان. امید است که الله (جل جلاله) آنها را مورد رحمت خویش قرار دهد. اما حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) پیشنهاد نمودند که: ای رسول خدا (صلی الله علیه وسلم)! این ها کسانی هستند که شما را از زادگاه و سرزمین تان بیرون ساخته و تکذیب نمودند. پس بر آنها رحم نکن و گردن های شان را بزن ۳.

چون اکثریت اصحاب (رضی الله عنهم) نظر ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) را تأیید نمودند، رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بر آنها رحم نموده، تعدادی را بلاعوض و تعداد دیگر را در بدل فدیة رها نمودند اما با این عمل، الله (جل جلاله) پیامبرش را ذریعه‌ی وحی آسمانی مورد عتاب قرار داد:

^۱ سبل الهدی والرشاد، فی سیره خیر العباد، و ذکر فضائله و أعلام نبوته و أفعاله و أحواله فی المبدأ والمعاد. المؤلف : محمد بن یوسف الصالحی الشامی ج ۴ ص ۱۸۶.

^۲ السیره النبویه للإمام أبی الفداء إسماعیل بن کثیر ج ۱ ص ۲۸۸.

^۳ السیره النبویه، ج ۱ ص ۴۲۷.

{لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ} ۱

ترجمه: "اگر نبودی حکم خدا پیشی گرفته، می رسید به شما عذاب بزرگ به سبب آنچه (تصمیم) گرفتید".^۲

مطلب چهارم : شوری در غزوه احد:

سبب غزوه احد که در نیمه‌ی شعبان سال سوم هجری به وقوع پیوست، شکست در کفار در غزوه بدر و انتقام خون کشته شده‌گان کفار را در جنگ غزوه احد تشکیل می‌داد.^۳ مردم قریش برای گرفتن انتقام از مسلمین، سپاه سه هزار نفری را فراهم نموده و به سوی مدینه گسیل داشتند. زمانی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم از آمادگی قریش برای حمله بالای مدینه مطلع شدند، با یاران خویش در زمینه به مشورت پرداختند و از آن‌ها پرسیدند که با دشمن در داخل شهر روبه‌رو شویم و یا این که بهتر است با آن‌ها در خارج از شهر مقابله نمائیم؟ عده‌ای از آن‌ها که اکثراً جوانان بودند و یا از جمله‌ی کسانی بودند که در جنگ بدر حضور نداشتند، گفتند که بهتر است در خارج از مدینه با دشمن روبه‌رو شویم.^۴

اما بزرگان اصحاب و صاحبان رأی عقیده داشتند که باید از مدینه خارج نشویم و در شهر بمانیم و اگر مشرکین به شهر هجوم آوردند، از آن دفاع می‌کنیم و در داخل شهر به دفع دشمن می‌پردازیم. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز با رأی این گروه موافق بودند زیرا از یک طرف مدینه شهری بود محکم و جنگ با دشمن در کوچه‌های آسان‌تر بود و از طرف دیگر، اگر مسلمانان در مدینه می‌ماندند و دشمن به شهر حمله می‌نمود، کودکان و زنان نیز می‌توانستند با مردان در دفع دشمن هم‌کاری نمایند. اما زمانی که آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم اصرار جوانان و اکثریت اصحاب را به خروج از مدینه و مقابله با دشمن در خارج از شهر دیدند، از رأی خویش منصرف و با رأی آن‌ها موافقت کردند. این گروه وقتی که موافقت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) را دیدند، ترسیدند که مبادا آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نتیجه‌ی اصرار آن‌ها و از روی اکراه موافقت خود را به رأی آن‌ها نشان داده باشد، بناءً به آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) عرض کردند که اگر می‌خواهید در مدینه بمانیم و در داخل شهر دشمن را دفع نماییم. اما رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «وقتی پیامبری ذره پوشید روا

^۱ الانفال: ۶۸.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۳۶۴.

^۳ السیره النبویه - عرض وقائع وتحلیل أحداث ج ۱ ص ۵۷۲.

^۴ الروض الأنف فی شرح السیره النبویه لابن هشام المؤلف: أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد السهیلی (المتوفی: ۵۸۱هـ) المحقق: عمر عبد السلام السلامی الناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت الطبعة: الطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۰م ج ۷ ص ۵۲۰.

نیست آن را بگذارد تا خداوند جل جلاله میان او و دشمنانش حکم کند». و بدین ترتیب با سپاه اسلام از مدینه خارج گردیده و رهسپار احد شدند^۱.

در این جا به واضح دیده می شود که آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) به رأی اکثریت احترام نموده و از رأی خویش در مقابل آن صرف نظر می نمود. گرچه یاران با وفایش نسبت احترامی که به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) داشتند، از نبی کریم صلی الله علیه وسلم می خواهند به رأی خویش عمل نماید، اما آن حضرت صلی الله علیه وسلم به رأی شوری (رأی اکثریت) احترام می گذارد و با انصراف از رأی خویش، نظر اکثریت را عملی می نمود.

مطلب پنجم : شوری در غزوه احزاب:

زمانی که یهودیان بنی نضیر در جنگ با مسلمانان شکست خوردند، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تقاضا نمودند که آن ها را امان داده و از خون شان در گذرد و آن ها نیز در مقابل مدینه را ترک می گویند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تقاضای شان را پذیرفت و آن ها نیز به سوی خیبر و بعضی هم به سوی شام رهسپار شدند^۲.

وقتی که یهودیان بنی نضیر در خیبر ساکن گردیدند، تصمیم گرفتند تا انتقام خود را از مسلمانان بگیرند. بدین ملحوظ ایشان تعدادی از بزرگان خویش را نزد قریش فرستادند و آن ها را ترغیب به جنگ با مسلمین نمودند. قریشیان که منتظر چنین فرصتی بودند، به زودی آن را پذیرفتند. یهودیان مردم غطفان را نیز به جنگ با مسلمین دعوت نمودند که آن ها هم به این دعوت پاسخ مثبت دادند و بدین ترتیب گروه های مختلفی برای جنگ با مسلمانان آماده گردیده و با سرکردگی ابوسفیان به سوی مدینه حرکت کردند. در این غزوه (احزاب) که به غزوه خندق نیز معروف است، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در دو مورد جداگانه به مشورت اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم گوش فرا داده و به آن عمل نمود:

الف: زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از حرکت سپاه دشمن آگاهی یافت، در فکر چاره جویی برآمد تا سپاه دشمن را دفع و بتواند مدینه را از شر آن ها محفوظ نگاهدارد. در این زمان حضرت سلمان فارسی (رضی الله تعالی عنه) که از جمله اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، به پیامبر

^۱ التراتیب الإدارية والعمالات والصناعات والمتاجر والحالة العلمية التي كانت على عهد تأسيس المدينة الإسلامية في المدينة المنورة العلمية المؤلف: محمد عبد الحی بن عبد الكبير ابن محمد الحسنی الإدريسی، المعروف بعبد الحی الکتانی (المتوفی: ۱۳۸۲هـ) المحقق: عبد الله الخالدی الناشر: دار الأرقم - بیروت ج ۱ ص ۲۵۵.

^۲ تبصرة الحکام فی أصول الأفضیة ومناهج الأحکام المؤلف: إبراهيم بن علی بن محمد، ابن فرحون، برهان الدين اليعمری (المتوفی: ۷۹۹هـ) الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م ج ۲ ص ۱۴۱.

صی الله علیه وسلم مشورت داد! که برای دفاع از مدینه، خندق حفر شود؛ تا از یک طرف دفاع از مدینه را سهل بسازد و از جانب دیگر دشمن نتواند به شهر نفوذ کند (داخل شود).^۱ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم رأی حضرت سلمان (رضی الله تعالی عنه) را قرین مصلحت دیده، به حفر خندق فرمان داد، و خود نیز در حفر آن سهیم شد، و قبل از رسیدن سپاه دشمن به مدینه کار حفر را به پایان رسانیدند.

ب: وقتی که سپاه قریشیان و غطفانیان در نزدیکی مدینه رسیدند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با یارانش از شهر خارج گردیده و لشکر اسلام را به گونه‌ای مستقر ساخت که خندق میان دو سپاه متخاصم، حد فاصل قرار بگیرد.^۲

سپاه مهاجم که جز راه بنی قریظه که پیمان دوستی با مسلمانان داشتند، راهی دیگری برای ورود به مدینه نداشتند، گروه مخاصمین بنی قریظه را وادار ساختند تا عهد دوستی خویش را با مسلمین ناقض نمایند. در آن وقت با عهد شکنی بنی قریظه، محاصره مسلمین تنگ‌تر گردیده و مصیبت بزرگی دامن گیر مسلمانان گردید. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای این که سپاه دشمن را متفرق سازد، شخصی را نزد سران قبایل غطفان فرستاد و به آن‌ها پیشنهاد نمود که اگر از محاصره دست بکشید، یک سوم حاصلات خرمای یک ساله‌ی مدینه را به شما می‌دهیم.^۳

آن‌ها این پیشنهاد را پذیرفتند و بدین ترتیب صلحی در راه بود و قراردادی هم در این باب نوشته شد اما از امضای قرارداد، رسول الله صلی الله علیه وسلم با سعد بن معاذ و سعد بن عباده (رضی الله تعالی عنه) در زمینه مشورت نموده و نظریات‌شان را در زمینه جویا شدند. آن دو صحابی جلیل القدر (رضی الله تعالی عنهما) عرض کردند که اگر این فرمان خداوند (جل جلاله) است، مانعی ندارد و ما به آن راضی هستیم، اما اگر فرمان الله متعال نیست و ما در مورد آن حق داریم ابراز نظر نمائیم، پس بدان راضی نیستیم.^۴

پیامبر بزرگوار حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمودند که نخیر این دستور الهی نیست، بلکه شخصاً مصلحت دیدم که بدین وسیله بتوانیم از قدرت دشمن بکاهیم و مدینه را از این وضع سخت برهانیم. سپس آن حضرت صلی الله علیه وسلم مسوده قرارداد (صلح‌نامه) را به آن‌ها سپرد تا نوشته‌های آن را محو کنند و آن‌ها نیز چنین کردند.^۵

^۱ الأيام النضره فی السیره العطره، المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسی، ج ۳ ص ۱۴.

^۲ الشوری فی الشریعة الإسلامیة؛ القاضی حسین بن محمد المهدی تقدیم: د. عبدالعزیز المقالحیدار الکتاب برقم إیداع ۳۶۳ فی ۴ / ۷ / ۲۰۰۶م مکتبه المحامی: أحمد بن محمد المهدی ج ۱ ص ۱۵۹.

^۳ حقائق الأنوار ومطالع الأسرار فی سیره النبی المختار، المؤلف / محمد بن عمر بحرق الحضرمی الشافعی دار النشر / دار الحاوی - بیروت - ۱۹۹۸م الطبعة: الأولى تحقیق: محمد غسان نصح عزقول ج ۱ ص ۱۶۸.

^۴ الرحیق المختوم ج ۱ ص ۲۷۴.

^۵ الشوری فی الشریعة الإسلامیة ج ۱ ص ۱۵۹-۱۶۱.

مطلب ششم : شوری در صلح حدیبیه:

در سال ششم هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم همراه با هزار و چهارصد تن از مسلمانان راه مکه را بقصد عمره کعبه شریفه در پیش گرفت. در نزدیکی مکه قریشیان سر راه مسلمانان را گرفتند و مانع ورود آن‌ها به مکه شدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرت عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنه را که نزد قریش از احترام به سزایی برخوردار بود برای مذاکره و گفت‌وگو با آن‌ها به مکه فرستاد، قریش عثمان (رضی الله تعالی عنه) را نزد خود نگه داشتند و میان مسلمانان چنین آوازه شد که آن‌ها حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه را به شهادت رسانده‌اند.^۱

با شنیدن این خبر، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم موضوع را با یارانش در میان گذاشت و از ایشان در مورد جنگ با قریش مشورت خواست، آن‌ها متفقاً آمادگی خود را برای جنگ با مشرکان ابزار داشتند و با رسول الله صلی الله علیه وسلم عهد بستند و بیعت کردند که این پیمان در تاریخ اسلام به نام (بیعت رضوان) معروف است؛ بیعتی که بنابر انعقاد آن، خداوند جل جلاله رضایت و خشنودیش را از یاران پیامبر و مسلمین ابراز داشته و آنان را مورد تحسین قرار داده است.^۲

مطلب هفتم : شوری در غزوه تبوک:

جنگ تبوک آخرین غزوه‌ای است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در طول رسالت و در آخرین سال‌های عمرش انجام داد. این جنگ در شمالی‌ترین نقطه حجاز، که مرز مشترک بین حجاز و روم شرقی محسوب می‌شد، اتفاق افتاد.^۳

هنگامی که اسلام رو به گسترش نهاد و پایه‌های خود را در مدینه مستحکم کرد، و آوازه آن در سراسر جهان پیچید، همسایگان کشور اسلامی، از جمله روم شرقی که همان شامات (فلسطین و سوریه) بود احساس خطر کردند و برای جلوگیری از نفوذ اسلام به کشورشان، که تاج و تخت و حکومت آنها را تهدید می‌کرد، به فکر حمله به مسلمانان افتادند. بدین منظور با چهل هزار نفر سرباز کاملاً مجهز و آماده به سمت حجاز حرکت کردند.^۴

این خبر به مسلمانان و شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم رسید. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را تشویق کرد تا به استقبال دشمن بروند، نه این که در مدینه بنشینند تا دشمن به

^۱ القول المبین فی سیره سید المرسلین ؛ محمد الطیب النجار الناشر : دار الندوة الجدیة بیروت - لبنان ج ۱ ص ۲۲۶.

^۲ : الشوری فریضة إسلامیة المؤلف: علی محمد محمد الصلّابی الناشر: دار ابن کثیر - سوریا ج ۱ ص ۳۵.

^۳ المستخرج من کتب الناس للتذکره والمستطرف من أحوال الرجال للمعرفة المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن إسحاق، ابن مندة العبدي الأصبهانی، أبو القاسم (المتوفی: ۴۷۰هـ) المحقق: أ. د. عامر حسن صبری التمیمی الناشر: وزارة العدل والشئون الإسلامیة البحرین إدارة الشئون الدینیة، ج ۱ ص ۳۹۹.

^۴ الرحیق المختوم، ج ۱ ص ۲۸۷.

آنها حمله کند. و این تاکتیک جنگی خوبی است؛ زیرا حالت دفاعی و انفعالی گرفتن درست نیست، بلکه در مقابل تهاجم دشمن، باید دست به تهاجم زد.

اتفاقاً زمان وقوع این جنگ زمان مناسبی نبود؛ زیرا از یک سو، گرمای سوزناک عربستان و از سوی دیگر، هنگام تابستان انبارهای غذایی سال گذشته مسلمانان به انتها رسیده و مواد غذایی تازه هم برداشت نشده بود؛ و از سوی سوم، فاصله مدینه تا تبوک فاصله بسیار زیادی بود که مسلمانها باید پیاده این مسیر را طی کنند، چون به هر ده نفر بیش از یک مرکب نمی رسید، بدین جهت باید به نوبت سوار شوند. به هر حال فرمان آماده باش صادر شد، ته مانده انبارهای غذایی جمع و جور شود، که حاصل آن جز مقداری خرما خشکیده و احیاناً گندیده و فاسد چیزی نبود. لشکر سی هزار نفری مسلمانان به فرماندهی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم) به سوی تبوک حرکت کرد. تشنگی و گرسنگی لشکریان اسلام را آزار می داد، پاهای عده ای از سربازان اسلام بر اثر پیاده روی آبله زده بود، ولی با تمام مشکلات به مسیر خود ادامه دادند. سپاهیان اسلام در مسیر راه و بازگشت، آن قدر مشکل داشتند که لشکر آنان بر اثر مشکلات و سختیها «جیش العسرة» (لشکر مشکلات) نام گرفت. هنگامی که رومیان مطلع شدند که لشکر سی هزار نفری مسلمانان راه طولانی مدینه تا تبوک را با کمترین امکانات و به صورت پیاده طی کرده، و با قلب مملو از عشق و ایمان به استقبال نبرد با دشمن خدا آمده است، تصمیم به عقب نشینی و بازگشت گرفتند. «قیصر» پادشاه شامات دستور عقب نشینی داد. مسلمانان وقتی به تبوک رسیدند متوجه فرار و عقب نشینی دشمن شدند و خدای را بر این موقفت شکر گفتند^۱.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد این که از همانجا بازگرداند و یا به تعقیب دشمن پردازند و در شامات با او درگیر شوند، با مسلمانان به مشورت پرداخت، نتیجه شوری این شد که از همانجا بازگردند؛ زیرا اسلام هنوز جوان بود و برای فتح و تسخیر کشورهای دیگر تجربه کافی نداشت و با این اوصاف اقدام به چنین کاری، خطر بزرگی برای نهال نوپای اسلام بود^۲.

^۱ الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله والثلاثة الخلفاء، المؤلف / أبو الربیع سلیمان بن موسی الکلاعی الأندلسی دار النشر / عالم الکتب -

بیروت - ۱۴۱۷هـ الطبعة: الأولى ج ۱ ص ۲۸۴.

^۲ الشوری فریضة إسلامیة ج ۱ ص ۳۸-۳۹.

فصل سوم

احکام و اشکال عملی شوری:

این فصل دارای شش مبحث میباشد:

مبحث اول: دلایل شوری از قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

و این مبحث دارای دو مطلب میباشد:

مطلب اول: دلایل شوری در قرآن کریم:

بدن شک الله جل جلاله از همه مهربانتر بالای بنده گان خویش است من جمله الله جل جلاله از مهربانی بزرگی که بالای بندگانش ارزانی نموده مجال شورا است که در شؤون حیات شان از نعمت شورا بندگانش را برخوردار ساخته ؛ انکه شوری یک امر ضروری در بین مسلمانان محسوب می گردد ،الله جل جلاله در چندین آیات قرآن کریم آیات یا به فعل امر یا فعل خبر یا به فعل مندوب در قرآن کریم یاد آور گردیده که چندی از آیات قرآن کریم را شاهد گرفته پیرامون حکم شورا به قدر تاوان به بحث می پردازیم .

خداوند متعال با آنکه علم مطلق و کامل دارد و نیازی به مشورت دیگران برای تکمیل معلومات خویش ندارد، مع ذلک بطور بلاکیف با فرشتگان در امر آفرینش انسان مشورت نموده و نظر آنها را در این زمینه جویا می شود، تا باشد این عمل نیکو و مبارک در میان نسل بشر، مروج و مورد عنایت قرار گیرد. الله جل جلاله چنین میفرماید :

{وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ} ^۱

ترجمه: و (بیاد بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: یقیناً من می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید. ^۲

به قول محمد متولی الشعراوی ^۳: الله جل جلاله از کیفیت خلقت انسان در ابتداء عالم بود لکن باز هم به ملک در مشورت پرداخت؛ الله جل جلاله فرمود: که انسان را در دنیا جاگزین می‌نمایم! انکه الله جل جلاله با ملک مشورت نمود؛ خود دلالت بر ارزش مشورت می‌نماید؛ تا انسانها نیز در زندگی شان در امر مشورت بپردازند.

بار دیگر در زمینه به موضوع مشورت الله جل جلاله چنین می‌فرماید:

^۱ البقرة: ۳۰.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۸.

^۳ محمد متولی الشعراوی سال ۱۹۱۱ در روستای دقادوس واقع در استان دقهلیه مصر متولد شد. وی در سن یازده سالگی حافظ قرآن بود. دروس زمانه خود را خواند و بعد از مسافرت به قاهره در سال ۱۹۳۷ وارد دانشگاه لغت عربی شد. شیخ شعراوی از علمای بزرگ دعوت اسلامی بود. وی خود را وقف اسلام کرده و بر تفسیر قرآن اهمیت بسیاری قائل بود و دیگران بر این مطلب متفق بودند که وی یگانه زمان خود بوده است در جریان انقلابی که در سال ۱۹۱۹م از دانشگاه الازهر آغاز شد و در آن زمان دانشگاه الازهر مصر، علیه نظامیان اشغالگر انگلیسی، نوشته هائی را منتشر می‌کرد؛ شیخ شعراوی نیز فعالیت‌های علیه اشغالگران انگلیسی داشت و در سال ۱۹۳۴ که وی رئیس اتحاد طلاب علوم دینی بود به جهت موضع گیری علیه اشغالگران انگلیسی زندانی شد. وی در سال ۱۹۴۰ از زندان آزاد شد و در سال ۱۹۴۳م شروع به تدریس علوم دینی در مدارس دینی مختلفی از جمله مدرسه دینی بطنطا، مدرسه دینی زرقازیق و مدرسه دینی اسکندریه؛ وی بعد از مدت طولانی در سال ۱۹۵۰م به عربستان منتقل شد تا دوره استادی در علوم شرعی را در دانشگاه ام القرى تکمیل کند. شعراوی با ایجاد شکاف بین جمال عبدالناصر رئیس مصر و پادشاه عربستان، در سال ۱۹۶۳م اجازه مسافرت دوباره به عربستان سعودی پیدا نکرد و به عنوان مدیر دفتر شیخ الازهر حسن مأمون فعالیت خود را ادامه داد و بعد از مدتی به عنوان رئیس بعثه الازهر به کشور الجزایر مسافرت کرد و حدود ۷ سال در الجزایر اقامت کرد و پس از بازگشت از الجزایر رئیس اوقاف در استان غربیه مصر منصوب شد و بعد از مدتی برای تدریس در دانشگاه ملک عبدالعزیز به عربستان مهاجرت کرد. سید ممدوح سالم رئیس وزرای مصر در سال ۱۹۷۶م شیخ شعراوی را به عنوان وزیر اوقاف و شئون الازهر منصوب کرد که وی تا دو سال یعنی تا سال ۱۹۷۸ فعالیت کرد. وی در سال ۱۹۸۷ عضو مجمع لغت عربی مصر شد. شیخ شعراوی عالمی پر تألیف بوده است که برخی از آنها عبارتند از: إنكار الشفاعة، الجهاد في الإسلام، حفاوة المسلمین بمیلاد خیر المرسلین، هذا هو الإسلام، وصايا الرسول، الصلاة وأركان الإسلام، الشورى والتشريع في الإسلام، الظلم والظالمون، الشعراوی بین السياسة والدين، مائه سؤال وجواب في الفقه الاسلامی (شبکه انترنت).

{وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ} ^۱

ترجمه: و آنان که اجابت نمودند امر پروردگار شان را و برپا داشتند نماز را و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند و از آنچه به آن‌ها روزی دادیم، نفقه می‌کنند ^۲.

به قول دوهبه بن مصطفی الزحیلی ^۳: مؤمنین کسانی هستند که هر کار می‌خواهند انجام دهند برای آن کار شوری تشکیل می‌دهند تا پیرامونش مشورت کنند. در این جمله اشاره به این است که مؤمنین اهل رشدند و کار انجام می‌دهند که در واقع باید انجام شود و در بدست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت کنند و به این منظور، به صاحبان عقل مراجعه نمایند. ^۴

به قول صاحب تفسیر روح البیان ^۵: در آیه فوق الله جل جلاله سه خصلت نیک انسان مسلمان را بیان داشته نماز خواندن و در امور دنیاوی که نص وجود نداشته باشد مشورت نمودن می‌باشد؛ چون نماز و زکات و مشورت سبب کامیابی دنیا و آخرت می‌باشد.

در تفسیر انوار القرآن چنین آمده است: و بهشتیان کسانی‌اند که ندای پروردگارشان را اجابت کردند، یعنی فرمان او را در آنچه که ایشان را بدان فرا خوانده، اجابت کرده و پذیرفته‌اند و از پیامبران خداوند اطاعت کرده‌اند و بهشتیان کسانی‌اند که نماز را برپا داشته‌اند، در اوقات آن‌ها با رعایت شروط و آداب و ارکان آن‌ها. دلیل اینکه خداوند جل جلاله نماز را به یادآوری مخصوص گردانید، این است که نماز برترین انواع عبادات است، زیرا نماز پیوند و رابطه‌ای است میان بنده و پروردگارش و از اوصاف بهشتیان این است که کارشان با یکدیگر از سر مشورت است، یعنی در هر کاری که بر ایشان رخ

۱ - سورة الشوری: ۳۸.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۹۸۶.

۳ وهبه زحیلی متولد ۱۹۳۲ (میلادی) در شهر عطیة در اطراف دمشق است. وهبه زحیلی رئیس گروه فقه مذاهب اسلامی دانشگاه دمشق است و موضوع بیشتر نوشته‌هایش به فقه و اصول فقه اختصاص دارد.

او تحصیلات خود را ابتدا در دانشگاه الشریعة در سال ۱۹۵۲ در دمشق به پایان رساند و پس از آن برای ادامه تحصیل راهی مصر شد. در سال ۱۹۵۶ با درجه دکترا در رشته الهیات اسلامی از دانشکده الشریعة دانشگاه الازهر فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۵۷ لیسانس رشته حقوق را از دانشگاه عین شمس کسب کرد.

آثاروی:

مهمترین اثر زحیلی تفسیر المنیر است که به زبان عربی نوشته شده و از تفاسیر مهم قرن معاصر به شمار می‌آید. این کتاب نخستین بار در سال ۱۴۱۱ ق (۱۹۹۱ میلادی) در دارالفکر دمشق در ۱۶ جلد در بیش از هزار صفحه به چاپ رسید. تألیف این تفسیر ۷ سال طول کشیده و به زبان‌های فارسی و ترکی ترجمه شده است. (شبکه انترنت)

۴ التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج المؤلف: دوهبه بن مصطفی الزحیلی الناشر: دار الفکر المعاصر - دمشق الطبعة: الثانية، ۱۴۱۸ هـ ج ۲۵ ص ۸۱.

۵ تفسیر روح البیان، تألیف: إسماعیل حقی بن مصطفی الإستانبولی الحنفی الخلوئی، به زبان عربی، تألیف اسماعیل حقی بروسوی (متوفی ۱۱۳۷ق)، از مفسرین حنفی اشعری است. بروسوی از مفسرین قرن‌های ۱۱ و ۱۲ق، است که گرایش عرفانی دارد، ولی آرای متصوفه و عرفا را چندان در تفسیر خود دخالت نمی‌دهد؛ هرچند از آن آرا و شعرهای شاعران فارسی‌زبان مثل مولوی، سعدی و حافظ زیاد استفاده می‌کند. بروسوی در سال ۱۱۱۷ق، از تألیف «تفسیر روح البیان» فراغت یافته است. این کتاب اولین بار در ۴ جلد، در سال ۱۲۵۵ق، در بولاق چاپ شد. هفتمین چاپ آن در سال ۱۴۰۵ق، توسط «دار إحياء التراث العربی» در بیروت در ۱۰ جلد رحلی انجام شد. همچنین دارالفکر بیروت همان را در ۱۰ جلد چاپ کرد که چاپ حاضر است. سرانجام دز سال ۱۱۲۷هـ) دنیایی فانی را وداع گفت. (شبکه انتر نیت)

نماید، در میان خویش رأی زنی و مشورت می‌کنند، پس در تصمیم‌گیری‌ها نه شتاب می‌ورزند و نه تکروری می‌کنند. لذا، برخی از آن‌ها بر برخی دیگر در هیچ کاری استبداد و خود رأیی نمی‌ورزند. باید دانست که حوزه مشاوره امور و شئون عامه است، مانند تعیین خلیفه، حاکم، تدویر شئون دولت و اداره امور آن، توظیف کارگزاران و والیان و احکام قضاء، همین طور این آیه شامل مشورت در امور خاصه نیز می‌شود.^۱

تفسیر احسن الکلام در رابطه با آیه ۳۸ سوره شوری و بالاخص در مورد کلمه (و امرهم شوری بینهم) چنین شرح و توضیح داده است: «در این اشاره است در اتفاق و اتحاد که سبب آن مشوره کردن است و با یکدیگر مشوره برای ساختن احکام نیست، بلکه برای پیش‌برد احکام است و این را شوری اسلامی گویند و هر چه شوری مغربی و جمهوریت است آن برای ساختن احکام می‌باشد و آن شرک است، در این سوره این صفت را از این جهت ذکر کرد که دعوی این سوره توحید دارالحکم بود پس برای جاری کردن آن شوری ضروریست بعد چون صفات گذشته به مشوره محتاج نیستند بلکه در اعمال بعدی به مشورت ضرورت است پس از این جهت این صفت را در بین ذکر کرد.»^۲

به قول محمد علی الصابونی^۳: و نماز را آن گونه که باید در اوقاتش ادامه می‌دارند و کارشان بر پایه مشورت استوار است و کارهای مهم دینی و دنیوی بعد از رأی زنی و مشورت انجام می‌دهند و از آنچه که خداوند برای آنان عطاء فرموده است در راه خدا برای مردمان اتفاق می‌کنند.^۴ در مورد مشروعیت شورا، قرآن کریم موضعی روشن دارد. در این سوره خداوند متعالاً شورا و مشوره را یکی از خصایص و خصایل نیکوی امت مسلمه شمرده است:

در جای دیگری از قرآن کریم، خداوند متعالاً به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دستور می‌دهد در کارها با یاران خویش مشوره نماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ٥﴾

ترجمه: «پس به (سبب) رحمت الهی است که تو با آنان نرم خو (و مهربان) شدی، و اگر تند خو و سخت دل بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه، و

۱ تفسیر انوار القرآن، ص ۴۱۳.

۲ الشیخ ابی زکریا عبدالسلام، الرستمی، تفسیر احسن الکلام. جلد پنجم، مترجم: صادق، پشاور: نشر فریدی، ۲۰۰۹، ص ۳۶۶.

۳ محمد علی صابونی: در سال ۱۹۳۰ در کشور سوریه چشم به جهان کوشید. یکی از علماء قرن جدید در مذهب سنت و جماعت می‌باشد. مولفات وی در حدود ۳۳ کتاب می‌رسد، که چند از آن را نام می‌بریم. صفوة التفاسیر، تفسیر الواضح الايسر، شرح ریاض الاصلحین.

۴ محمد علی، صابونی، صفوة التفاسیر. جلد سوم، مترجم، عبدالباری ابراهیمی، بیروت: نشر الافق، ۱۳۸۵، ص ۴۸۹.

۵ آل عمران: ۱۵۹.

در کارها، با آنان مشورت کن، و آنگاه که تصمیم گرفتی بر الله توکل کن، زیرا که الله توکل کنندگان را دوست می‌دارد.^۱

به قول فخر الدین الرازی : در این آیه مبارکه، کلمه "امر" به شکل "الامر" آمده است که معرف "ال" یا "الف" و "لام" از نگاه قواعد ادبی، عمومیت را می‌رساند، یعنی شورا مربوط به یک و یا چند مورد نمی‌گردد، بلکه در تمام مسایل که در مورد آن نص صریحی وجود نداشته و به سرنوشت و حیات مسلمین تعلق داشته باشد، مشورت کردن و نظرخواهی از اهل رأی در آن زمینه جواز دارد. زیرا، اتخاذ تصمیم درست و عادلانه، بالخصوص در مسایلی که به منافع و مصالح عموم مسلمانان تعلق داشته باشد، واجب است و دستیابی به حق و عدالت، بدون مشورت ممکن نیست.^۲

همچنان در سوره نمل الله جل جلاله از انبیاء قبل نیز پیرامون مشورت در بین آنها چنین خبر میدهد :

{أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَأْتُونِي مَسْلُومِينَ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأَوْلُو بِأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ .. }

ترجمه: بلقیس گفت: (ای وزرا و درباریان! من تا اکنون بدون مشورت شما تصمیمی نگرفته‌ام، رأی بدهید چه باید کرد؟ جواب دادند که ما ضعیف نیستیم و نیروی داریم که اگر لازم باشد مقاومت کنیم و در عین حال امر و اختیار با خودتان است هر تصمیمی بگیرید، اجرا خواهیم کرد.

به قول الشعراوی : اگر چه که الله جل جلاله به بلقیس قوت داده بود لکن بخاطر اهمیت شورا با افراد خویش مشورت نمود، چون مشوره در نظام یک امر ضروری بود. واگر نه می توانست تا بالای افرادش امر نماید. که الله الله جل جلاله به بندگان از داستان بلقیس خبر داد؛ وی نیز در کارهایش مشورت می نمود.^۳

جای دیگر الله جل جلا له از زمان موسی علیه السلام در باره مشوره چنین خبر می دهد :

{وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا لِمَدْيَنَةَ يَسْعَىٰ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ لِمَلَأَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَخْرَجَ إِلَيَّ لَكَ مِنْ لِنَصِيحِينَ }

ترجمه: «و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد (و) گفت: ای موسی! همانا بزرگان (و اشراف قوم) درباره تو مشورت می‌کنند؛ تا تو را بکشند، پس بی‌درنگ (از شهر) بیرون شو، بی‌تردید من از خیر خواهان تو هستم.

^۱ ترجمه جدولای قرآن کریم، ص ۱۳۸.

^۲ مفاتح الغیب (تفسیر الکبیر) ج ۹، ص ۴۰۵.

^۳ تفسیر الشعراوی، ج ۱۷، ص ۱۰۷۷۸.

طوریکه از آیه فوق بر می‌آید، فرعون با آنکه دعوای خدایی داشت و (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى) می‌گفت، با آن وجود باز هم به شورا و مشورت رو آورده و خود را بی‌نیاز از آن نمی‌دید. این امر نشان دهنده اهمیت و نیاز بشر به شورا است.

در سوره "طه" به صورت ضمنی به موضوع شورا اشاره شده است. آنجایی که حضرت موسی علیه السلام از خداوند می‌خواهد:

{وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي} ^۱

ترجمه: «و برای من (یاور و) وزیری از خاندانم قرار ده. برادرم هارون را. به (وسیله) او پشت مرا محکم کن. و او را در کار (رسالت) من شریک ساز.» ^۲

آیات فوق نشان می‌دهد که موسی علیه السلام با آنکه پیامبر خدا بود، از خداوند می‌خواهد هارون برادرش را همکار وی سازد تا با همکاری، هماهنگی و با تفاهم و مشوره با یکدیگر امور را به پیش ببرند.

همچنان در جای دیگری از قرآن کریم به مشورت میان زن و شوهر در امور مربوط به زندگی مشترکشان چنین تأکید شده است:

{وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} ^۳

ترجمه: «و مادران (باید) فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. (این دستور) برای کسی است که بخواهد دوران شیر خوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک آنان (= مادران) را بطور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس جز به اندازه توانایی‌اش مکلف نمی‌شود. نه مادر به خاطر فرزندش و نه پدر به سبب فرزندش باید زیان ببیند. و مانند همین (احکام) بر وارث (نیز) لازم است، پس اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند. (کودک را زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست، و اگر خواستید که برای فرزندان خود دایه‌ای بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه را که مقرر کرده‌اید، بطور شایسته بپردازید. و از الله بترسید، و بدانید که الله به آنچه انجام می‌دهید؛ بیناست.» ^۴

^۱ طه: ۲۹-۳۰.

^۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۶۲۰-۶۲۱.

^۳ البقرة: ۲۵.

^۴ ترجمه ج دولی قرآن کریم، ص ۷۳.

الله تبارک و تعالی در آیه متبرکه فوق، مشاورت و یا شوری میان زن و شوهر در رابطه به شیر دادن طفل امر کرده است و این کار آن‌ها را روا و پسندیده دانسته است که خود مبین این امر است که در امور زندگی و کارهای روزمره با هم‌دیگر مشوره، مشارکت و شوری کنند^۱.

به قول ابراهیم القطان^۲: خداوند جلّ جلاله پیامبرش را به این سه چیز: عفو، استغفار و مشوره به تدریج و به صورت بلیغ امر نموده است، مثلاً نخست به عفو و گذشت امر کرده تا دل‌های‌شان آرام بگیرد، سپس به استغفار مأمور ساخته است تا اصحاب کرام طرف عفو خداوند قرار گیرند و برای استشاره آماده و مستعد گردند، بعداً به مشوره با ایشان امر نموده است.

به همین گونه، در جای دیگری از قرآن کریم نیز به زن و شوهر سفارش شده تا بعد از مشورت با یکدیگر، در امور مربوط به فرزندان‌شان تصمیم بگیرند:^۳

{فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرَ تُمَّ فَسِتْرُ رَضِيعٍ لَهُ
أُخْرَى} ^۴

ترجمه: پس اگر کودکان شما را دادند، مزدشان را بدهید؛ و اگر یکدیگر به شایستگی مشورت کنید و اگر کارتان با هم (در این مورد) دشوار کشید زنی دیگر باید او را شیر دهد.^۵

مطلب دوم: دلایل شوری در سنت نبوی:

شوری در احادیث نبوی، چه احادیث قولی و چه سیرت عملی پیامبراهمیت فوق العاده و جایگاه ویژه‌ای دارد، در این زمینه امام ترمذی روایتی را از ابوهریره رضی الله عنه نقل کرده که بیانگر اهمیت و جایگاه شوری است: (ما رأیت أحداً قط كان أكثر مشورة لأصحابه من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم) . رواه أحمد والشافعي.^۶

ترجمه: هیچ یکی را ندیدم که مانند پیامبر صلی الله علیه وسلم با اصحاب و یاران خود بسیار مشورت کند.

حدیثی به روایت امام بخاری رحمه الله در رابطه به جایگاه شوری نقل شده است: "مَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَبَايِعُ هُوَ وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ تَغَرَّةً أَنْ يَقْتُلَا"^۷.

^۱ دور نمای جامعه اسلامی، یوسف قرضاوی، تهران: نشر احسان سال ۱۳۸۵ ج ۱، ص ۲۰۵.

^۲ ابراهیم بن یاسین القطان، در سال ۱۳۳۵ هجری ۱۹۱۶ میلادی در اردن در منطقه بنام عمان چشم به جهان کوشود. از جامعه اظهر شریف به درجه دوکتورا فارغ گردید. و در سال ۱۴۰۵ هجری ۱۹۸۹ میلادی، بع عمر ۶۸ سالگی و فات نمود. (شبکه انترنت)

^۳ تیسریر التفسیر، ج ۳، ص ۲۱۰ - ۲۱۲.

^۴ الطلاق: ۶.

^۵ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۱۲۶.

^۶ نیل الأوطار، ج ۷، ص ۲۲۶.

^۷ الجامع الصحیح المختصر، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ تحقیق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق ج ۳ ص ۲۵۰.

ترجمه: کسی با مردی بدون مشوره مسلمانان بیعت نماید، نباید از او ونه از شخصیکه با او بیعت شده اطاعت صورت گیرد، تا مبدا این کار موجب قتل آن هردو نگردد. هم چنان از سیرت عملی پیامبر استفاده می شود که او در مواردی که حکم خاصی از سوی خداوند نازل نمی شد، از قبیل مسایل جنگی و.. مشورت می کرد، وبه نظر اصحاب احترام داشته ورأی معقول ومنطقی آنان را مورد اجراء قرار می داد.

مشاوره پیامبر در مورد تعیین نقطه اردوگاه مسلمانان در میدان بدر، و پذیرفتن پیشنهاد حباب بن منذر و عملی کردن آن، و مشاوره وی با ابوبکر صدیق وعمر فاروق درباره اسیران بدر، وتمایش پیامبر صلی الله علیه وسلم به رأی ابوبکر و .. را می توان از مثال های این اصل اسلامی شمرد.

در جنگ احد در مورد ماندن در مدینه یا بیرون رفتن وجنگیدن در خارج مدینه با مسلمانان مشورت کرد، وترجیح دادند که در خارج از شهر با دشمن مقابله کنند، بدین منظور به بیرون شهر رفت، ودر غزه خندق پیامبر با یاران خود در چگونگی نبرد با سپاه احزاب مشاوره نمود، سلمان فارسی نظر داد که در اطراف مدینه خندق کنده شود، چون نظر او در این مورد سازنده ومنطقی بود، مورد قبول پیامبر واقع شد، وبدان عمل کرد^۱.

شوری یکی از سنت های فعلی و قولی رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده که در موارد مختلف سیاسی - اجتماعی و حتی در امور زنده گی و زندگانی شخصی به آن مبادرت ورزیده اند. چنانچه صحابی جلیل القدر حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه می گوید: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیش از هر کس دیگری با اصحاب خود به مشورت می پرداختند. هم چنان می فرماید: «هیچ کسی را ندیدم که بیشتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با اصحاب خود مشورت کند». بعضی از علماء گفته اند: (وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: "مَا رَأَيْتَ أَحَدًا قَطُّ كَانَ أَكْثَرَ مَشُورَةً لِأَصْحَابِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ")^۲

ترجمه: از ابی اُبی هُرَیْرَةَ رضی الله تعالی عنه روایت می کند که: هیچ کس با یاران خود زیاد مشوره کننده بیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نبوده است.

به قول امام بخاری: رسول گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم شوری را سبب هدایت به ثواب ترین و استوارترین راه دانسته افرموده: " مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ بَيْنَهُمْ إِلَّا هَدَاهُمُ اللَّهُ... " ^۳.

^۱ شرح مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ المؤلّف: عبد الکریم بن محمد بن عبد الکریم، أبو القاسم الرافعی القزوينی (المتوفی: ۶۲۳هـ) المحقق: أبو بکر وائل محمد بکر زهران الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية إدارة الشؤون الإسلامية، قطر الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م ج ۴ ص ۱۳۶.

^۲ معالم السنن، وهو شرح سنن أبي داود المؤلّف: أبو سليمان حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي المعروف بالخطابي (المتوفی: ۳۸۸هـ) الناشر: المطبعة العلمية - حلب الطبعة: الأولى ۱۳۵۱ هـ - ۱۹۳۲ م ج ۲ ص ۳۲۱.

^۳ فتح الباری شرح صحیح البخاری المؤلّف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی (قَوْلُهُ بَابُ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹ رقم کتبه وأوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي ج ۱۳ ص ۳۴۰.

ترجمه: هیچ قوم و جامعه‌ی به مشاوره نپرداخته مگر این که به استوارترین راه و ثواب‌ترین کار هدایت شده‌اند.

در مورد تأکید آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم به شوری و نظر خواهی، حضرت علی (رضی الله تعالی عنه) می‌گوید:

(وعن ابن عباس قال: قال علي: قلت: يا رسول الله أرأيت إن عرض لنا أمر لم ينزل فيه قرآن ولم تمض فيه سنة منك؟ قال: (تشاورا فيه الفقهاء و العابدین ولا تمضوا فيه برأى خاصة)^۱

ترجمه ابن عباس رضی الله تعالی عنه می‌فرماید: حضرت علی رضی الله تعالی عنه گفت که من به خدمت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم عرض کردم که اگر بعد از آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم معامله‌ی پیش آید که نه حکم قرآن در زمینه موجود باشد و نه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم چیزی را شنیده باشیم، چه باید کرد؟

آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) فرمود: «تشاورا فيه الفقهاء و العابدین ولا تمضوا فيه برأى خاصة». یعنی در این معامله با علمای دینی و اشخاص عابد مشوره کنید و تنها بر قضاوت شخصی فیصله مکنید

(عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه قال: سئل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عن العزم فی قوله تعالی:

{إِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ} قال: "مشاوره أهل الرأي ثم اتبعهم"^۲

ترجمه: هم‌چنان حضرت علی ابن ابی طالب (رضی الله تعالی عنه) از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت کرده است که شخصی از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پرسید که عزم چیست؟ حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) فرمودند: عزم عبارت از مشوره خواستن از صاحبان رأی و بعد از آن عمل کردن به آن با پیروی از آن است.

آن گونه که تاریخ صدر اسلام شاهد است، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مواردی که دستوری از جانب ذات کبریا جل جلاله، از طریق وحی صادر معین نمی‌گردید و در زمینه نصی وجود نمی‌داشت، با اهل رأی و صاحب‌نظران اصحاب کبار (رضی الله عنهم) به مشورت می‌پرداختند که جنبه‌ی تشویقی و تشریفاتی نداشته، بلکه در بسا از موارد به آن چه که به ثواب نزدیک‌تر بوده و اکثریت به آن موافق بوده‌اند، عمل نموده و حتی از رأی خویش صرف‌نظر نموده‌اند.^۳

^۱ المعجم الكبير - الطبرانی، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانی الناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳ تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی ج ۱۱ ص ۳۷۱.

^۲ الشوری فی الشریعة الإسلامیة، ج ۱ ص ۱۵۶.

^۳ اصول و اساسات نظام سیاسی از دیدگاه اسلام، شمس الدین محمدی، ص ۱۸۱.

چنانچه در مورد شوری به شیخین حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله تعالی عنهم) که در حکم معاونان آن حضرت صلی الله علیه وسلم بودند و بارها از ایشان در موارد مختلف مشورت خواسته‌اند، فرمودند: عَنِ ابْنِ عَنَمٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ " لِأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: لَوْ اجْتَمَعْتُمَا فِي مَشُورَةٍ مَا خَالَفْتُكُمَا." ^۱

ترجمه: از ابن عَنَمٍ روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر شما دو نفر در مشوره باهم متفق‌النظر بشوید، من با آن مخالفت نخواهم کرد.

بدون شک، رسول الله صلی الله علیه وسلم در بسیاری از امور مهم، با صاحب‌نظران اصحاب که دارای فهم و تجربه‌ی بیش‌تر بودند، اعم از مهاجرین و انصار مانند حضرت ابوبکر، عمر، عثمان، علی، زبیر بن عوام، عبدالرحمن بن عوف، سعد ابن عباد، زید بن حارثه، سعد بن معاذ، اسامه ابن زید (رضی الله تعالی عنهم اجمعین) و دیگر صحابی کرام مشورت نموده‌اند.

از آنچه تا اینجا تحریر گردید بوضاحت معلوم میشود که شوری در نظام حکومت اسلامی از اهمیت و مقام خاصی برخوردار است. علت آن به نظر ما درینست که شوری و مشورت بهترین راه شناخت رأی و نظر صواب در حل مشکلات میباشد. زیرا در جریان مشوره است که هر عضو شوری نظر خود را همراه با دلایل و توجیهاات آن بیان میکند و فوائد آنرا شرح میدهد. به این ترتیب آراء و نظریات مختلفی مطرح گردیده و هر کدام مورد مناقشه و مقارنه قرار میگیرد و طبیعی است که درین جریان رأی و نظری که قرین صواب است ظاهر می‌گردد.

همچنان در مشوره از آراء و تجارب دیگران که در جریان زنده گی پشت سرگذشته‌اند و بعد از مشکلات و قربانی‌های زیادی بدست آمده است، استفاده درست صورت می‌گیرد.

علاوه بر آن، مشاورت است که امام مسلمانان را از اجرای کارهایی باز میدارد که ضرر آن به تمام امت عاید می‌گردد. شاید خلیفه کارهایی را با حسن نیت انجام دهد در حالیکه در مورد اضرار احتمالی آن چیزی نمیداند و امکان دارد که اضرائی متوجه امت می‌گردد که تلافی آن در آینده کاملاً ناممکن باشد.

همچنان شوری به امت اسلامی میفهماند که صاحب اصلی قدرت و سلطه میباشد و رئیس دولت را تذکیر مینماید که در اجرای امور حکومتی وکیل و نماینده امت است و درک این دو نکته است که امام را از طغیان که از صفات ذاتی انسان است باز میدارد.

^۱ غایة المقصد فی زوائد المسند ، للحافظ علی بن أبی بکر بن سلیمان الهیثمی باب فی فضل ابی بکر الصدیق، ج ۲ ص ۲۰۸۴.

^۲ تاریخ الخلفاء تألیف: جلال الدین عبد الرحمن السیوط دراسة وتحقیق: حمدی الدمرداش الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز الطبعة الأولى: ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م ج ۱ ص ۸۰.

امام قرطبی^۱ در تفسیر خود اجماع را من حیث دلیل بروجوب شوری از ابن عطیه ذکر کرده می گوید: (قال ابن عطیة: والشوری من قواعد الشریعة وعزائم الاحکام، من لا یستشیر أهل العلم والدين فعزله واجب هذا ما لا خلاف فی) ^۲.

ترجمه: شوری از قواعد و عزائم احکام بوده و کسیکه با اهل علم و دین مشوره نمی کند عزلش واجب است. این خود حقیقتی است که هیچ اختلافی در آن وجود ندارد. دلایل بروجوب شوری از قرانکریم و احادیث نبوی و نظریات دانشمندان اسلامی وافر و زیاد است، چون که این رساله گنجایش بحث طولانی را ندارد، لذا با ذکر چند مثال فوق اکتفا نمودیم.

مبحث دوم : حکم شوری:

و این بحث دارای سه مطالب میباشد:

در مورد این که شورا الزامی است و یا اختیاری؛ اتفاق نظر وجود ندارد. علمای مسلمان اعم از متقدمین و معاصرین در مورد الزامی بودن و یا مستحب بودن (غیر الزامی بودن) شورا، نظریات متفاوتی ارائه نموده اند که به صورت عموم، می توان آن را به دو دسته بزرگ (دسته ای که شورا را واجب می دانند و دسته ای که شورا را غیر واجب یا مستحب می دانند) تقسیم نمود.^۳

مطلب اول : طرفداران وجوب شوری:

از جمله طرفداران نظریه وجوب شورا می توان از ، ابن عطیه ، ابوالاعلی مودودی، سید قطب، و عبدالکریم زیدان نام برد.

^۱ ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی اندلسی؛ مفسر و فقیه مالکی. از جمله علماء قرن هفتم هجری می باشد، که تاریخ تولد آن دقیق نیست اما گفته شده که در بین سالهای ۶۰۰-۶۱۰ هجری در قرطبه دیده به جهان گشود، ومدتی در آن سر زمین زندگی نمود، بعد از اینکه در سال ۶۳۳ بخاطری شوق علم به مصر سفر نمود و در همان جا باقی ماند، و در سال ۶۷۱ قمری وفات نمود . آثار وی، الجامع لا حکام القرآن، الاسنی فی شرح اسماء الله الحُسنى و صفاته.... (معجم المؤلفین ۸/۲۴۰)

^۲ الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاری الخزر جی شمس الدین القرطبی (المتوفی: ۶۷۱هـ) تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش الناشر: دار الکتب المصریة - القاهرة الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م ج ۴ ص ۲۴۹.

^۳ الشوری فریضة إسلامیة، ج ۱ ص ۱۳۸.

ابن عطیه در تفسیر خود با تاکید بر وجوب شورا می‌نویسد: «شورا از قواعد شریعت و ستون‌های محکم احکام اسلامی است. کسی که با اهل علم و دین مشورت نکند، عزلش واجب است. این چیزی است که احدی در آن اختلاف ندارد»^۱.

سید قطب در تفسیر خویش می‌نویسد: «همانگونه که امکان ندارد مسلمان مومن نماز را ترک کند، همچنان امکان ندارد که عمل به شورا را، مخصوصاً در امور مربوط به مصالح امت، ترک نماید»^۲.
به قول عبد الکریم یونس الخطیب^۳: شورا از جمله اعمال واجب و الزامی محسوب می‌گردد؛ چرا که همراه با ارکان دین در قرآن کریم یک جاه ذکر گردیده است، چون نماز برپاء نمودن وزکات پرداختن به اتفاق علماء واجب و ضروری است؛ به همین خاطر شورا نیز یک امر ضروری میباشد^۴.
همچنان عبدالکریم زیدان در کتاب خود (اصول دعوت) با استناد به قرآن و سنت و اقوال فقهاء و مفسرین، شورا را واجب و ترک آن را موجب برکناری رئیس دولت دانسته است. وی می‌نویسد: «زمانی که مشوره حق امت و وظیفه رئیس دولت باشد، تفریط و کوتاهی تا حد متروک قرار گرفتن آن (متروک قرار دادن آن) موجب برطرفی آن (رئیس دولت) می‌شود»^۵.

به قول عبد القادر عوده: شوری از جمله واجبات مبنی براین دو قول الله جل جلاله می‌باشد { وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ } . و قوله: { وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ } فرق نمی‌کند که شوری در امر نظام حکومت داری باشد یا اجتماعی لکن به شرطی که از اسلام عدول نه نماید^۶.
ابوالاعلی مودودی شوری را اصلی از اصول اساسی حکم‌روائی اسلام دانسته و می‌گوید: «پنجمین قاعده اساسی این حکومت چنین بود که سر راه کشور بتأسی از رضای مردم و مشوره آن‌ها باید مقرر شود و نظام این حکومت نیز از طریق مشوره باید پیش رود»^۷.

^۱ المحرر الوجيز، أبو محمد عبدالحق بن غالب بن عبد الرحمن ابن تمام بن عطية المحاربي مصدر الكتاب: موقع التفاسير ج ۶ ص ۴۸۳.
^۲ في ظلال القرآن، ج ۱، ص ۳۱۶۰.

^۳ خطیب، عبدالکریم محمود، متفکر و مفسر معاصر مصری. در ۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ در یکی از روستاهای استان سوهاج مصر متولد شد، (محمد خیر رمضان یوسف، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۱۷؛ الموسوعة المیسرة، ج ۲، ص ۱۲۸۹؛ قس رضوی، ۱۴۱۸ الف، ص ۷۳؛ همو، ۱۴۱۸ ب، قسم ۱، ص ۳۳۴؛ ایازی، ص ۳۲۳ که این تاریخ را به خطا ۱۹۲۰ آورده‌اند). خطیب آموزش خود را با حفظ قرآن در مکتب آغاز کرد و پس از آن به مدرسه رفت و تا مقطع دیپلم را در محل تولد خود ماند. وی در ۱۳۰۷ ش/۱۹۲۸ به عنوان معلم ابتدایی مشغول به کار شد. چند سال بعد حمایت مالی (بورس) دارالعلوم را به دست آورد و در ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ در مقطع کاردانی از این مرکز فارغ‌التحصیل شد (محمد خیر رمضان یوسف، همانجا). در ۱۳۲۵ ش/۱۹۴۶ علی عبدالرازق، وزیر اوقاف وقت مصر، خطیب را به سمت معاون پارلمانی و مدیر روابط عمومی وزارت اوقاف منصوب کرد، سر انجام خطیب در ۱۳۶۴ ش/۱۹۸۵ وفات نمود، از خطیب بالغ بر پنجاه عنوان کتاب در موضوعات مختلف برجای مانده‌است، که چند آن را نام ببریم، از جمله تفسیر القرآن للقرآن، اعجاز القرآن، القصص القرآنی (بیروت ۱۹۷۵)؛ المسیح فی التورات والانجیل و القرآن (قاهره ۱۳۸۵)؛ القضاء و القدر بین الفلسفة و الدین؛ المهدی المنتظر و من ینتظرونه (قاهره ۱۹۸۰)؛ و نشأة التصوف؛ علی بن ابی طالب بقیة النبوة و خاتم الخلفاء (بیروت ۱۹۷۵)؛ (شبکه انترنت)

^۴ التفسیر القرآنی للقرآن المؤلف: عبد الکریم یونس الخطیب (المتوفی: بعد ۱۳۹۰ هـ) الناشر: دار الفكر العربي - القاهرة ج ۱۳ ص ۶۸.

^۵ زیدان عبد الکریم اصول الدعوة الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: التاسعة ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م ج ۱ ص ۶۲.

^۶ المال والحکم فی الإسلام المؤلف: عبد القادر عوده (المتوفی: ۱۳۷۳ هـ) الناشر: المختار الإسلامي للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة الطبعة: الخامسة، ۱۳۹۷ هـ - ۱۹۷۷ م ج ۱ ص ۸۵.

^۷ خلافت و ملوکیت، ابوالاعلی، المودودی، ج ۱ ص ۷۳.

به قول محمد الصَّلَّابِي: شورا در اسلام از جمله واجبات است که به نص سریع و به صیغه امر ذکر گردیده است.^۱

به قول محمد علی الصابونی: صراحت آیات قرآنی این امر را ثابت می سازد که نتایج شوری الزامی است. چنانچه از شوری در آیه (۱۵۹ سوره عمران) به صیغه امر تذکر رفته و در آیه (۳۷ سوره شوری) هر چند از آن به گونه اخبار تذکر رفته است، اما بیان آن به گونه ای است که امر را می رساند، بناءً شوری واجب می باشد. زمانی که شوری واجب باشد، التزام و عمل به نتایج آن نیز واجب است زیرا وجوب شوری به اعتبار مزایا و مصالحی است که در نتایج آن وجود دارد و اگر نتایج شوری را الزامی ندانیم، حکمتی که در تشریح شوری وجود دارد، ضایع می گردد.^۲

به قول محمد عزت: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با وجود این که از عظمت و منزلت رفیعی برخوردار بودند، با یاران خویش به مشورت پرداخته و به نتایج شوری خود را ملزم دانسته و به آن عمل نموده اند. چنانچه نمونه های آن را می توان در غزوه بدر، احد، احزاب (خندق)، ... و سایر موارد مشاهده کرد.^۳

به قول امام سیوطی: همچنان خلفای راشدین (رضی الله عنهم) با پیروی از پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وسلم) در امور مشورت نموده و به نتایج آن خود را ملزم دانسته اند.^۴

هم چنان رأی حاصل از شوری و یا نتایج که از شوری به دست می آید، در حقیقت فشرده و خلاصه مشترکی از تجربیات، تفکرات و تخصص اعضای شوری بوده و بیانگر عصاره پندارها و عقول آن ها می باشد، بناءً رأی آن ها به صواب و حقیقت نزدیکتر است و در صورتی که چنین رأیی الزام آور باشد، می تواند از وقوع اشتباه و خطاء تا حد زیادی جلوگیری نماید، در حالی که در رأی انفرادی (زامدار)، این مزیت وجود نخواهد داشت و یا نمی تواند وجود داشته باشد.

دین مقدس اسلام ظلم و استبداد را ممنوع قرار داده و مبارزه با این فساد و وسایل آن را واجب شرعی می داند. از آنجائیکه یگانه راه برای جلوگیری از استبداد و مطلقیت زمامداران، ملزم ساختن آن ها به نتایج و فیصله های شوری است، بناءً التزام به نتایج شوری امر واجب و ضروری می باشد. بدون شک قدرت فریبنده است و اگر با عوامل و منافع دیگر توأم شود، حکومت را به سوی استبداد و مطلقیت سوق می دهد ولی وجود شوری و التزام به نتایج آن، از گرایش به سوی انحراف و استبداد کاسته و حتی از آن جلوگیری می نماید.

^۱ الشوری فریضة إسلامیة، ج ۱ ص ۱۳۷.

^۲ صفوة التفاسیر، ج ۳ ص ۱۳۳-۱۳۵.

^۳ التفسیر الحدیث [مرتب حسب ترتیب النزول] المؤلف: دروزه محمد عزت الناشر: دار إحياء الكتب العربیة - القاهرة الطبعة: ۱۳۸۳ هـ ج ۳ ص ۴۷۱-۴۷۲.

^۴ تاریخ الخلفاء تألیف: جلال الدین عبد الرحمن السیوطی دراسة وتحقیق: حمدي الدمرداش الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز الطبعة الأولى: ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م ج ۱ ص ۲۰۶-۲۰۷.

خلافت عمومی از آن امت بوده و مشارکت عمومی از مظاهر و مصادیق بارز جانشینی امت می باشد. مشارکت عمومی در اتخاذ تصامیم و تعیین سرنوشت عمومی زمانی می تواند عملی گردد که مشارکت امت به صورت مستقیم (مراجعه به آرای عمومی) و یا غیر مستقیم (از طریق نمایندگان و مجالس منتخب) تأمین گردد و نتایج آرای آن ها الزام بار آورده و لازم الاجراً باشد.

شوری زمانی می تواند یک عمل با ارزش و مفید باشد که نتایج آن ایجاد الزام نماید. در صورتی که نتایج شوری الزام آور نباشد، عملی است بیهوده و چیزی جز تضييع وقت نخواهد بود.

همچنان توجیه غیر الزامی بودن شوری با اتکاء بر این که "چون شوری باعث خشنودی، دلگرمی و رضایت امت می شود، به همین سبب به پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده شده است که با یاران خویش مشورت نماید و گرنه هیچ الزامی در نتایج آن وجود ندارد"، معقول نیست. زیرا رضایت و خشنودی زمانی به میان می آید که به رأی اهل شوری که بعد از تلاش زیادی حاصل گردیده است، عمل صورت گیرد نه به آرای غیر آن.

در صورتی که نتایج شوری الزامی نباشد، اهل شوری (امت و نخبگان امت) به این اعتقاد که آراء و نظریات آن ها ارزش و اهمیت ندارد و به آن عمل نمی شود، بر اساس قاعده
"لا رأی لمن لا یطاع"^۱

از اظهار رأی و نظر در امور مختلف سیاسی- اجتماعی پرهیز نموده و به تصامیم حکومت تسلیم خواهند شد، که این امر باعث بی میلی، انزوا طلبی، منفی گرایی و عدم تحرک امت شده و آنان را از اظهار نظر و دخالت در شئون عمومی دلسرد می سازد.

در مورد التزام به نتایج شوری، مطلب دیگری که روی آن اختلاف نظر وجود دارد این است که: در صورت بروز اختلاف نظر میان اعضای شوری و این که در موضوع واحد، دو یا چند رأی مختلف وجود داشته باشد، به کدام رأی عمل شود و کدام رأی راجح است؟

طرفداران غیر الزامی بودن نتایج شوری معتقد هستند که در این حالت، زعیم مسلمین آزاد است که از میان آرای موجود، آنچه را مناسب و قریب به صواب می بیند، انتخاب و به آن عمل نماید، اما طرفداران الزامی بودن شوری از رأی (تصمیم) اکثریت پشتیبانی نموده و عمل به آن را الزامی دانسته اند.^۲

با توجه به آیات قرآنی، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم، سنت خلفای راشدین، روش اصحاب کرام (رضی الله تعالی عنهم) و بالآخره ضرورت و نیازمندی جامعه اسلامی بالخصوص در عرصه سیاسی، ایجاب می نماید شورا را واجب و الزامی بدانیم تا از یک طرف نقش امت مسلمه در امور سیاسی و

^۱ نیست رأی (نظر) از کسی (از سوی کسی) که از آن اطاعت نشود.

^۲ الشوری فریضة إسلامیة ج ۱ ص ۱۴۳.

تصمیم‌گیری‌های کشوری نادیده گرفته نشود؛ و از سوی دیگر، از آن می‌توان به عنوان تضمینی برای جلوگیری از استبداد و مطلق‌العنانی زمامداران استفاده نمود.

آنگونه که تاریخ اسلام گواه است، اعتقاد به عدم الزامی بودن شورا، یکی از عواملی بوده که راه را برای ظهور نظام‌ها و رژیم‌های مطلق‌العنان و مستبد بعد از خلفای راشدین باز نموده است. البته نباید چنین تصور شود که منظور ما (نویسنده) از وجوب شورا، واجب بودن آن در همه امور اجتماعی و شئون عمومی بدون قید و شرط است. بلکه منظور ما از وجوب شورا، الزامی بودن شورا در موارد و اموری است که شورا و مشورت در آن زمینه ضروری و مفید است؛ و شورا یگانه و یا بهترین شیوه برای دریافت راه حل و رسیدن به مصلحت مطلوب می‌باشد. اعتقاد به وجوب شورا در همه امور و بدون قید و شرط، ممکن است مشکلاتی (معضلاتی) مانند تأخیر در تصمیم‌گیری، اختلال در اجراءات، بی‌نظمی و غیره را بار آورد که برای جلوگیری از آن، امت مسلمه باید با وضع قوانین و مقررات، شرایط، حدود و موارد آن (شورا) را تعیین نمایند^۱.

مطلب دوم: طرفداران مستحب شوری:

اما از جمله طرفداران مستحب بودن (غیر الزامی بودن) شورا، می‌توان از قاضی حسین المهدوی أبو بکر الجصاص، عبد الملک، مشهور به امام الحرمین هم چنان قاضی حسین بن محمد المهدوی می‌فرماید: اگرچه که ظاهر این آیه دلالت بر وجوب دارد، لکن تطبیقات عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت بر وجوب نه بلکی بر ندب را افاده می‌نماید. چون مشورت در کارهای صورت می‌گرفت که ضرورت نص در آن نبود؛ به این خاطر حکم شورا را مندوب می‌گوید^۲.

از جمله نظریه، صاحب تفسیر روح البیان: است که شورا را مشروع، اما غیر الزامی می‌داند. وی می‌نویسد: «شورا مشروع است ولی الزامی نیست. شورا فقط برای کسب بصیرت بیشتر تشریح پیروان این شده نه برای التزام یا بر طبق آن رأی دادن لکن به قید آنکه اگر در مسایل ضروری پیش می‌گردد پس شوری نمودن پیرامون یک مسأله امر ضروری است^۳.

به قول فخر الدین الرازی: شوری یک امر مندوب است چون الله جل جلاله به انسان شعور نصیب نموده تا از شعور خویش نظر به این آیه کاربگرد. {فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ} پس دلالت این آیه مجال

^۱ الإسلام وأوضاعنا السياسية المؤلف: عبد القادر عودة (المتوفى: ۱۳۷۳هـ) الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان عام النشر: ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م ج ۱ ص ۱۹۳-۱۹۵.

^۲ الشوری فی الشریعة الإسلامیة ج ۱ ص ۲۲۸.

^۳ تفسیر روح البیان، ج ۸ ص ۳۳۱.

میدهد بر اجتهاد بر قید این مسأله که در آن نصوص شرعی نیامده باشد. بناء شورا را در کار های دنیایوی یک امر مباح میدانند.^۱

به قول أبو الحسن: این که خداوند جل جلاله خطاب به پیغمبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است که "و شاورهم فی الامر" یعنی "در امور با ایشان مشورت نما" و دستور داده است که با مسلمین در امور مشورت بکن، تنها بدین منظور بوده که از یک طرف با کسب رضایت آن ها، دوستی و مؤدت ایشان به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم جلب شود و از طرف دیگر این امر باعث خشنودی آن ها گردیده؛ شخصیت، ارزش و روحیه آن ها را بالا ببرد.^۲

و هم دچنان در صلح حدیبیه^۳ (صلح با قریش) آن حضرت صلی الله علیه وسلم به رأی اصحاب وقعی نگذاشته است که این خود مبین این امر است که زعیم مسلمانان ملزم به قبول نتیجه شوری نبوده و مختار است که بر وفق مشورت و رأی اکثریت عمل نماید و یا این که نظر به لزوم دید خویش، رأیی را به منصفه اجراء گذارد.

پس با مراجعه به تواریخ اسلامی این امر ثابت می گردد که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم، پیمان صلح حدیبیه را بر اساس وحی (حکم) الهی انعقاد نموده اند و زمانی که حکم الهی موجود باشد، محلی برای شوری نبوده و شوری جواز ندارد. چنانچه آن حضرت صلی الله علیه وسلم زمانی که نا رضایتی اصحاب و رأی آن ها را در زمینه دانستند، فرمودند: "من بنده و فرستاده خدا (جل جلاله) هستم، از فرمانش (عقد پیمان) سرپیچی نمی کنم و الله جل جلاله نیز مرا تباه نخواهد کرد."

وهم چنان تقسیم اراضی مفتوحه عراق توسط امیر المومنین حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) در میان اهالی همان مناطق با وجود این که اکثریت اهل شوری طرفدار توزیع آن میان مجاهدین و رزمندگان جنگ بودند، دلیل واضحی بر عدم الزامی بودن نتایج شوری بر امیر مسلمانان است.^۴

به قول عبد الملک: در مورد زمین های عراق آن گونه که در مباحث قبلی متذکر گردیدیم، در اول هر چند که اکثریت اهل شوری طرفدار تقسیم آن اراضی میان مجاهدین بودند، اما بعداً بنا بر

^۱ الإسلام وأوضاعنا السیاسیه، ج ۱ ص ۱۹۴.

^۲ (تفسیر الماوردی) النکت والعیون موافق للمطبوع المؤلف: أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب الماوردی البصری دار النشر: دار الکتب العلمیه - بیروت / لبنان ج ۵ ص ۱۹۳.

^۳ صلحی که میان رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) و نمایندگان قریش در سال ششم هجرت صورت گرفت، در تاریخ اسلام به نام صلح حدیبیه مسمی است. شرایط مندرج در پیمان این صلح را مسلمانان مخالف شأن خود دانسته و از قبول آن عار داشتند. بالخصوص این شرط را که در آن آمده بود: (هر کس از قریش به مسلمانان برود، مسلمین باید وی را دوباره تسلیم قریش سازند اما کسی که از مسلمانان به قریشیان برود، قریشیان وی را به مسلمین تسلیم نمی کنند)، مسلمانان یک طرفه و مایه ننگ می دانستند، اما آنگونه که بعداً معلوم گردید، در این صلح حکمت بزرگ (فتح مکه) نهفته بود.

^۴ تاریخ الخلفاء، ج ۱ ص ۸۸.

دلایل مقنعی که توسط خلیفه ثانی عمر فاروق رضی الله عنه ارائه گردید، از رأی خویش منصرف گردیده و به رأی حضرت عمر رضی الله عنه برگشتند^۱.

مطلب سوم : قول راجح

از آنکه علماء کرام با دلایل که پیشکش می نمایند اختلاف نظر دارند لکن قول راجح نزد اکثر علماء حکم شوری را واجب میدانند^۲.

مبحث سوم : اهل شوری و صفات آنها:

این جا به این موضوع می پردازیم که چه کسانی صلاحیت سهم گرفتن در مجلس شوری را دارند، آیا تمام مردم می توانند عضو مجلس شوری شوند؟ و آیا لازم است با تمام افراد که موضوع به نحوه به آنها ارتباط می گیرد مشوره شود یا اینکه از بین مردم تعداد محدود به عنوان نماینده گان مردم انتخاب و به عضویت مجلس شوری در می آیند؟

از سنت و سیرت عملی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) چنین دانسته می شود که براساس شرایط و اوضاع به یکی از سه روش ذیل عمل می نمود،
الف: گاهی با تمام مسلمانان مشوره می کردند،
ب: زمانی با مسلمانان که موضوع به آنها ارتباط می گرفت ،
ج: گاهی بانمایندگان مردم مشوره می کرد،
هر سه طریقه سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است.

به قول وهبه زهیلی : در زمان خلفای راشدین خلیفه بنابر مصلحت و در نظر گرفتن توانای های لازم اهل شوری تعیین می گردید . در عصر حاضر ممکن است بین حاکم و سران اقوام و قبایل درباره قواعد انتخاب اعضای شوری، اتفاق صورت گیرد مثلاً برحسب وظایف قانونی یا حسب ضوابط دیگری که بر اشخاص متخصص و دارای خبره گی و معرفت منطبق گردد، انتخاب شوند^۳.

به قول ابن کثیر: شوری امانت است بزرگ، ایجاب می کند کسی را که اهل برای آن باشد برای انجام این وظیفه بزرگ انتخاب نمایم. تا بتواند به صورت بهتری از آن کار بدر آرد. مشاور لازم است مورد اعتماد مردم بوده و آن شخص مورد احترام دیده شود تا آراء و نظریات او مورد قبول مردم قرار

^۱ الغیائی غیاث الأمم فی التیاه الظلم المؤلف: عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن محمد الجوبینی، أبو المعالی، ركن الدین، الملقب بامام الحرمین (المتوفی: ۴۷۸هـ) المحقق: عبد العظیم الدیب الناشر: مكتبة إمام الحرمین الطبعة: الثانية، ۱۴۰۱هـ ج ۱ ص ۱۴۵.

^۲ الشوری فریضة السلام، ج ۱ ص ۸۹.

^۳ التفسیر المنیر ، وهبة الزحیلی ، ج ۴ ص ۱۴۱.

گیرد به این معنی لازم است شخصی که برای مشاوره انتخاب می‌گردد دارای دو شرط دیده شود تا وی را بتواند از اهل شوری دانست. اول باید عالم باشد، دوم اینکه مورد قبول مردم دیده شود.^۱

به قول عبد الکریم زیدان: در روشنی این سوابق می‌توان گفت که اهل مشوره با اعتبار موضوع مشورت متعدد و مختلف است و مشوره نیازمند معرفت و حسن رأی و لطافت ادراک می‌باشد و رئیس دولت از اهل تخصص و معرفت مشوره می‌گیرد.^۲

با این رابطه امام قرطبی در تفسیر خود گفته: متولیان امور باید از علماء در مواردی که نمی‌دانند و در امور دین با مشکلی بر می‌خورند و از افسران لشکر در امور حربی و معرکه و از مردم با خبر و آگاه در باره مصالح آن‌ها و از نویسندگان معروف محیط، وزیران و کارگران در رابطه به مصالح کشور و آبادی آن طالب مشوره شود وی به صحبت خود ادامه داده می‌گوید: (علماء گفته‌اند که صفت مستشار (مشاور) اگر مربوط به احکام شرعی باشد باید عالم و مرد با دیانت باشد و صفت مشاور در امور دنیا عبارت از این است که مرد عاقل و با تجربه باشد)^۳.

این حتمی نیست که دائماً از مردم‌های بزرگ و کلان سال رأی طلب کرده شود بلکه از کوچک هم رأی گرفتن درست است به عبارت دیگر برای مشوره اهلیت را دیده می‌شود برابر است که بزرگ باشد یا کوچک بسا اتفاق می‌افتد که رأی شخص کوچک و خورد سال بزرگ می‌باشد و بزرگ از لحاظ عقل و تجربه خورد می‌باشد در موقع متعدد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) از یاران کرام مشوره گرفتند، مسلمانان از پیامبر کرده بزرگ و عاقل وجود نداشت. در صلح حدیبیه وقتیکه بین مسلمان‌ها و بین کافران صلح به عمل آمد فیصله برین شد که فعلاً پیامبر اکرم با یارانش به مدینه باز گردند سال آینده آمده فریضه حج را اداء کنند در حالت داخل مکه شوند که شمشیرها در نیام باشد و بیش‌تر از سه روز اقامت نکنند. بعد از طی معاهده پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) مسلمان‌ها را حکم داد که از حرام حلال شوید، سرهایتان را حلق نمایید جانوران قربانی را ذبح کنید.^۴ مسلمان‌ها بسیار محزون و مایوس شده بودند که بعد از قریب شدن به خانه خدا مارا دشمنان دین از عبادت خدا منع می‌کنند باید که علیه این‌ها حمله صورت بگیرد بضرر شمشیر در مکه داخل شده خانه خدا را زیارت کنیم از این خاطر بر مسلمان‌ها غلبه حال بود. هیچ کسی به حل احرام آماده نشد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) بار دیگر حکم داد باز هم کسی آمده نشد. پیشوای دو جهان کوه استقامت به خیمه مبارک تشریف برده از زوجه ام المؤمنین حضرت ام سلمه مشوره طلب فرمود که چه کند؟ بر کار مسلمان‌ها اظهار افسوس نمود که از حکم من تبیعت نمی‌کند در آن وقت حضرت ام سلمه رضی اله تعالی عنها مشوره داد که

۱ تفسیر ابن کثیر، ج ۲ ص ۱۵۰- ۱۵۱.

۲ نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۳۲- ۱۳۳.

۳ تفسیر القرطبی، ج ۱۶ ص ۳۷- ۳۸.

۴ التعلیق علی الدرۃ المضيئة فی السیره النبویة للمقدسی المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسی ج ۶ ص ۹.

یا رسول الله خیر هست این پروانه‌های حق در حالت یأس قرار دارند دل شکسته شدند شما از سرعت کار نگیرید بلکه خودتان به حضور مسلمان‌ها ابتداء حلق نمائید قبل از همه خود ذبح کنید آنگاه از خیمه بیرون تشریف آورده سر مبارک را حلق نمود به ذبح پرداخت آن بود که یاران راستین همه یک‌بار به حل احرام شروع کردند^۱.

در رابطه به اجماع علما نظریاتی متفاوتی دارند، برخی به این عقیده هستند که در اجماع باید تنها علمای امت سهم بگیرند نه عام امت مسلم، بعضیها را عقیده براین است که اتفاق رای آن عده از علما و دانشمندان که در محضر خلیفه هستند، برای اجماع کافی است، عده هم معتقداند که خلیفه می‌تواند از علمای که در دست‌رس‌اش هستند در مورد مسئله‌ای که در قرآن و سنت نص صریح در مورد آن موجود نیست فتوا بگیرد. اما اجماع این علما مانع از این نمی‌شود که در فرصت‌های دیگر عین مسئله را از عده دانشمندان که در حینی طرح مسئله حاضر نبوده‌اند، پرسید. اینان در تأیید نظر خویش به روش خلفای راشدین تمسک می‌نمایند که پس رای زنی در مورد مسئله‌ای با عالمان صحابه با آنکه برای نظر آنان عمل می‌نمودند، اما باب مشورت با دیگران را که در نقاط دیگری سرزمین‌های اسلامی پراکنده بودند، مسدود نمی‌دانستند. بصورت واضح‌تر می‌توان گفت که اجماع به اتفاق رأی و نظر آن عده افراد و اشخاص گفته می‌شود که در مسئله‌ای که از آن‌ها سوال گردیده است، متخصص و خبره باشند. حال اگر این مسئله، مسئله دینی باشد، ضرورت رای زنی با علمای دین مطرح است و اگر مسئله اقتصادی، سیاسی یا نظامی باشد، باید با متخصصین این عرصه‌ها مشورت صورت بگیرد در کلیت می‌توان اذهان نمود که اجماع، رای زنی با متخصصین و کارشناسان است. خلیفه یا اولوالامر مسئولیت دارد در مشکلات که نمی‌تواند راه حل آن‌ها را در کتاب یا سنت بیابد با اهل علم و دانش مشورت کند و در هر نظر که آن‌ها اتفاق نمودند مطابق به آن عمل نماید، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (ما رأه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن)^۲.

ترجمه: هر چه را مسلمانان نیکو بینند، نزد خداوند نیکو است

سوال که این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا اجماع تنها در امور شرعی باید صورت بگیرد یا می‌تواند مشمول سایر موضوعات نیز گردد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت از آن جاییکه در اسلام شریعت بر همه مسایل زندگی تسلط دارد، در همه مسئله چه شخصی یا جمعی، سیاسی یا غیر سیاسی که در

^۱ شرح السیر الکبیر المؤلف: محمد بن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمة السرخسی (المتوفی: ۴۸۳هـ) الناشر: الشركة الشرقیة للإعلانات الطبعة: بدون طبعة تاریخ النشر: ۱۹۷۱م ج ۱ ص ۲۵۳ - ۲۵۵.

^۲ موطأ الإمام مالک المؤلف: مالک بن أنس أبو عبدالله الأصبیحی الناشر: دار القلم - دمشق الطبعة: الأولى ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۱ م تحقیق: د. تقی الدین الندوی أستاذ الحدیث الشریف بجامعة الإمارات العربیة المتحدة، ج ۱ ص ۳۵۵.

قرآن و سنت راهی حل آن پیش‌بینی نشده باشد، اجماع نه تنها جایز شمرده می‌شود بلکه لازم و ضروری نیز است.^۱

آنچه در سیرت مطهر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مشاهده می‌رسد و از روشی که در مشورت اختیار نموده بودند معلوم می‌شود، اینست که در اموری که مستقیماً برای تمام افراد جامعه مهم بوده و رأی تمام آنها ضروری پنداشته شده است، با جمهور مسلمانان مشورت نموده اند، چنانچه در واقعه احد چنین مشورت صورت گرفت. ایشان تمام مسلمانان را مخاطب قرار داده و فرمود: درین مورد به من مشورت دهید.^۲

همچنان در مورد غنایم هوازن می‌خواستند که با تمام کسانی که در جنگ شریک بودن به مشورت نشسته و رأی آنها را بدانند. در روایات صحیح آمده است که بعد از آنکه پیامبر گرامی اسلام نظر خود را در مورد غنایم و اسیران هوازن ابراز داشتند از حاضرین نظر خواهی کردند. آنها به یک صدا گفتند: یا رسول الله ما به نظر شما راضی هستیم و فیصله را به شما گذاشتیم. اما رسول الله «صلی‌الله‌علیه‌وسلم» فرمودند: درین جمع بزرگ ما ندانستیم که کدام شما راضی هستید و چه کسانی راضی نیستند. اکنون شما بروید و نماینده گان تانرا امر کنید تا نظر هر یک شما را گرفته و به ما برساند تا از نظر هر فرد شما به درستی اطلاع حاصل نماییم.

بعد از آن زید بن ثابت از تمام انصار پرسید که آیا رأی رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) پذیرفته و اسیران را دوباره به ایشان می‌سپارید؟ آنها به اتفاق هم گفتند که به این امر رضایت دارند و هیچکسی از آنها اختلاف نورزید.^۳

این واقعه نشان می‌دهد که اهل شوری تمام کسانی اند که موضوع مورد مشوره مستقیماً به آنها تعلق داشته و مربوط به تمام امت نمی‌شود. اما رسول الله «صلی‌الله‌علیه‌وسلم» در مواردی با بعضی از اصحاب شان مشورت مینمودند چنانچه در مورد اسیران بدر با عده از اصحاب شان مشورت کردند که آیا آنها را در مقابل فدیة آزاد سازد یا خیر؟ پس دلالت میکند به مشورت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم.^۴ همچنین در جنگ خندق در مورد مصالحه با قبیله غطفان با سعد بن معاذ و سعد بن عباد (که بزرگان انصار بودند) مشورت نمودند. درین واقعه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به این نظر بود که با قبیله غطفان صلح نموده و آنها را از جنگ با مسلمانان منصرف سازد و در مقابل انصراف آنها از جنگ

۱ انتخابات از دیدگاه اسلام، ص ۲۱ - ۲۲.

۲ السياسة الشرعية فی الشئون الدستورية والخارجية والمالية المؤلف: عبد الوهاب خلاف (المتوفى: ۱۳۷۵هـ) الناشر: دار القلم الطبعة: ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۸م ج ۱ ص ۸۹.

۳ السيرة النبوية والدعوة فی العهد المدني ، أحمد غلوش الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع الطبعة: الأولى ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۴م ج ۱ ، ص ۳۵۴.

۴ الإسلام والدستور المؤلف: توفيق بن عبد العزيز السديري الناشر: وكالة المطبوعات والبحث العلمي وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵هـ عدد الصفحات: ۲۴۱ ج ۱ ص ۱۳۵ .

یک ثلث از خرمای مدینه را به آنها بدهد. سعد بن معاذ گفت: یا رسول الله اگر این نظر از سوی الله وحی شده باشد، مطابق آن عمل کن ولی اگر از سوی الله متعال نازل نشده است و خواسته شما چنین است باز هم ما سخن شما را میشنویم و اطاعت میکنیم اما اگر یک رأی و نظر است و ما حق نظر دادن داریم، پس سوگند به الله که جز شمشیر برایشان چیز دیگری نمیدهیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم این نظر شان را با نهایت خشنودی و رضایت پذیرفته و از نظر خود منصرف شدند.^۱

این سوابق موجود در سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نشان میدهد که گاهی اهل شوری تمام مسلمانان بوده اند و اینگونه مشورت زمانی صورت گرفته است که موضوع مورد مشورت به تمام آنها تعلق داشته است مانند واقعه هوازن و در بعضی اوقات اهل شوری بزرگان و رهبران قبیله ها بودن اند، چنانچه در واقعه صلح با غطفان با دو تن از سرداران انصار مشورت نمودند و در بعضی موارد با افرادی از اهل رأی و خبره مشوره صورت گرفته است چنانچه در مورد اسیران بدر صورت گرفت.

در روشنایی این سوابق ثابت در سیرت النبی صلی الله علیه وسلم میتوان گفت که؛ اهل مشوره و کسانیکه رئیس دولت اسلامی باید با آنها مشورت نماید، نظر به موضع قابل مشورت، متفاوت میباشد و هر مسأله ضرورت به نوع خاص مشورت و مشاورین داشته آگاهی و فهم خاصی را ضرورت دارد. بنابراین رئیس دولت اسلامی مطابق ضرورت با اهل رأی در تخصص های مختلف مشورت مینماید.^۲

امام قرطبی با اشاره به این موضوع مینویسد: «بر عهده داران امور مسلمین واجب است که در مسایل شرعی و مشکلات که در فهم احکام شرعی پیش می آید با علماء و مجتهدین مشورت نماید و در امور متعلق به جنگ و صلح با فرماندهان سپاه به مشورت بپردازد و در مسایل مربوط به مصالح عامه با افراد سرشناس و دانشمند مشورت کند و در مسایل مربوط به اداره کشور و بازسازی آن از وزراء و متخصصین مشورت بخواهد.^۳

انیکه با چه کسی مشورت صورت گیرد ان شاء الله پیرامون آن از دید گاه اسلام بحث می نمایم .

مبحث چهارم : شروط انتخاب اعضای شوری:

این مبحث دارای هفت مطالب میباشد :

افراد که به حیث عضو شوری از دید گاه اسلام تعیین می گردند، دارای شروطی مختلف هستند که اسلام برایشان تعیین کرده است . آن شروط قرارذیل است:

^۱ الشوری فریضة إسلامیة، ج ۱ ص ۳۰ .

^۲ دین ودلت، ج ۱ ص ۲۷۶ .

^۳ الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج ۴ ص ۲۴۸ .

مطلب اول : اسلام:

در اسلام هر شخص نمی تواند عضویت شوری اسلامی را کسب نماید، بلکه عضو این شوری باید دارای صفات ویژه‌ای باشد که او را صالح برای این کار بکند، و در رأس آن صفات، مسلمان بودن است. حضور و شرکت کافر، گرچند تبعه کشور اسلامی بوده باشد در مجلس شوری نه تنها با روح اسلام، بلکه با نصوص شرعی منافات دارد. زیرا امانت داری و خیر خواه بودن مشاور از شرایط اساسی شوری است، و قرآن کریم کافران را دشمن اسلام و دشمن خدا معرفی کرده می گوید:

همان گونه که آیه ۱۱۹ سوره آل عمران گماشتن کفار را در کارهای مهم از جمله مشاور، و رازدار گرفتن آن‌ها را حرام قرار داده است الله جل جلاله در قرآن کریم چنین میفرماید :

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَهُ مِنْ دُونِكُمْ }^۱.

ترجمه: ای مؤمنان کافران و بیگانه گان را محرم اسرار خود قرار ندهید^۲.

جای دیگر الله جل جلاله میفرماید :

{ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ }^۳.

ترجمه: مؤمنان برادریکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید باشد که مشمول رحمت او شوید^۴.

. تعمق و تأمل در مجالس شوری پیامبر و خلفای راشدین نیز نشان می دهد که هیچ گاه هیچ کفاری در مجالس شوری آن‌ها عضویت نداشته است. بلکه اسلام قانونی به عنوان عهد و ذمه دارد که تمام مصالح اقلیت کفار در آن در نظر گرفته شده است. از احادیث قولی و فعلی پیامبر و عملکرد خلفای راشدین علاوه بر مسلمان بودن مشاور شرایط دیگری از قبیل: هوشمندی، تجربه، پرهیزگاری، علم، امانت داری و خیر خواه بودن مشاور اسلامی نیز دانسته می شود.^۵

دین مقدس اسلام هر نوع مداخله و دست داشتن کفار را در امور مسلمین منع نموده و به آن‌ها اجازه نمی دهد تسلط خویش را بر مسلمانان قایم سازند. چنانچه الله جل جلاله می فرماید:

۱ سوره النساء: ۱۴۱.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۳۸.

۳ سوره الحجرات، آیه، ۱۰.

۴ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۰۳۵.

۵ نظام سیاسی اسلام ج ۱ ص ۸۷.

{وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا}¹

ترجمه: "و هرگز نگردانیده است الله برای کفار بالای مسلمین راهی را."²

به حکم این آئین الهی (اسلام) مسلمانان پیشرو هستند نه پیرو و این مسلمانان هستند که با

اعتصام به حبل الله و کمک الهی، باید سرنوشت نه تنها خود بلکه تمام بشریت را رقم بزنند:

{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ}¹

ترجمه: " شما بهترین امتی هستید که بر انگیزته شده اید برای مردم. امر می کنید به کار پسندیده و

منع می کند از بدی و به خدا ایمان دارید."³

از قول: (إذا استشار أحدكم أخاه و من استشار أخاه...⁴) و نیز لزوم شرط ایمان در مشاور دانسته

می شود؛ چون منظور از اخوت در این احادیث اخوت اسلامی است، و از دیدگاه اسلام، کافر را نمی توان

برادر مسلمانان خواند.

قابل ذکر است که برخی از اقلیت های دینی در سرزمین های اسلامی زندگی داشته و دین مقدس

اسلام برای این اقلیت ها به عنوان اهل ذمه، حقوق و مکلفیت هایی را در نظر گرفته است. در صورتی

که این اقلیت های دینی نماینده و یا نمایندگان در مجلس شوری نداشته باشند (با توجه به در

نظر داشت شرط مسلمان بودن برای اعضای شوری)، چگونه می توان از حقوق آن ها حمایت نمود و از

اتلاف آن جلوگیری کرد؟

در پاسخ به این مسأله، علما و اندیشمندان عالم اسلام اختلاف نظر نشان داده و آرا و نظریات

مختلفی را ارائه نموده اند. بعضی از آن ها شرط اسلام و مسلمان بودن را برای اعضای شوری لازمی

دانسته و با استناد بر اصل "مسلمان بودن اعضای شوری" معتقد هستند که این اقلیت های دینی حق

ندارند نماینده و یا نمایندگان در مجلس شوری اسلامی داشته باشند اما دولت اسلامی مکلف است از

حقوق آن ها حمایت نموده و رضایت خاطر آن ها را از طریق بکار گیری شیوه های دیگر مانند پرسش

از احوال و اوضاع زندگی آن ها و این که آیا از عملکرد دولت و یا اجرای قوانین راضی هستند یا خیر

و... بدست آورد. همچنان این علما استدلال می نمایند، در صورتی که شریعت الهی و احکام دین

مقدس اسلام به گونه درست آن تطبیق شود، چون این دین، آئین رحمت و عدالت است، بناءً

هیچگاهی حقوق افراد ساکن در سرزمین های اسلامی و بالخصوص اقلیت های دینی دیگر پامال نشده

¹ سوره النساء: ۱۱۸ .

² ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۹۴.

۱ سوره آل عمران: ۱۱۰.

³ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۳۸.

⁴ الشوری فریضة اسلامیة، ج ۱ ص ۳۴۲.

و نادیده گرفته نمی شود، لهذا ضرورت به حضور نمایندگان این اقلیت ها در مجلس شوری احساس نمی شود.^۱

اما به قول عبد القادر عوده ؛ برای حمایت از حقوق اقلیت های دینی و این که آنها از مزایای انفاذ شریعت الهی به وجه احسن برخوردار گردند، باید در چهارچوب قانون و تحت شرایط معین، به آن ها حق داده شود یک و یا چند نماینده خویش را صرفاً برای ابراز نظر در موضوعات مربوط به اقلیت های دینی، نه سایر موارد، به گونه ناظر بفرستند تا از یک طرف عدالت اسلامی به وجه احسن آن تطبیق گردد و از جانب دیگر حقوق این اقلیت ها پامال نشده و رضایت شان جلب شود.^۲

با آن که هر دو نظریه موجه و قابل احترام است، اما بهتر است در اجرای آن ها اوضاع و حالات و همچنان تعداد (کمیت) جمعیت این اقلیت ها در نظر گرفته شود و با در نظر داشت آن تصمیم گرفته شود که کدام نظریه قابل اجرا است و باید اجرا شود. در صورتی که تعداد جمعیت اقلیت های مذکور کم باشد و به سادگی بتوان جویای اوضاع و احوال آن ها شد، بهتر است نظریه اول اجرا و تطبیق گردد، زیرا نیازی به حضور نمایندگان آن ها در مجلس شوری احساس نمی شود، اما در صورتی که تعداد جمعیت آن ها زیاد بوده و ضرورت به حضور نماینده و یا نماینده های آن ها (البته نه به عنوان عضو) در مجلس برای دادن گزارش از اوضاع و حالات شان و یا هم اظهار نظر در امور مربوط به خودشان احساس شود، نظریه دوم را با تأکید بر "عضو نبودن"، "مؤقت بودن" و "ناظر بودن" نماینده یا نمایندگان اقلیت های مذکور، ترجیح می دهیم.

تعمق و تأمل در مجالس شوری پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین نیز نشان میدهد که هیچ گاه هیچ کفاری در مجالس شوری آنها عضویت نداشته است.^۳

پس اسلام قانونی به عنوان "عهد" و "ذمه" دارد که تمام مصالح اقلیت کفار در آن در نظر گرفته شده است. از احادیث قولی و فعلی پیامبر صلی الله علیه وسلم و عملکرد خلفای راشدین علاوه بر مسلمان بودن مشاور شرایط دیگری از قبیل: هوشمندی، تجربه، پرهیزگاری، علم، امانت داری و خیرخواه بودن مشاور اسلامی نیز دانسته میشود.^۴

مطلب دوم : بالغ و عاقل:

^۱ مذكراتی السیاسیة (السلطان عبد الحمید الثانی) المؤلف: عبد الحمید (الثانی) بن عبد المجید (الأول) (المتوفی: ۱۳۳۶هـ) الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت الطبعة: الخامسة، ۱۴۰۶ ج ۱ ص ۱۶۵.

^۲ الإسلام وأوضاعنا السیاسیة، ج ۱ ص ۲۴۳.

^۳ مجموعة الوثائق السیاسیة للعهد النبوی والخلافة الراشدة المؤلف: محمد حمید الله الحیدر آبادی الهندی (المتوفی: ۱۴۲۴هـ) الناشر: دار النفائس - بیروت الطبعة: السادسة - ۱۴۰۷ ج ۱ ص ۴۳۵ - ۴۳۸.

^۴ المنهج المسلوک فی سیاسة الملوک المؤلف: عبد الرحمن بن نصر بن عبد الله، أبو النجیب، جلال الدین العدوی الشیزری الشافعی (المتوفی: نحو ۵۹۰هـ) المحقق: علی عبد الله الموسی الناشر: مكتبة المنار - الزرقاء - ج ۱ ص ۴۸۴.

با وجود آن که مشاور مسلمان باشد علماء کرام شرط دیگر را نیز وضع نموده که عبارت است بالغ بودن و عاقل بودن میباشد؛ که به چنین به بحث می پردازیم:

اعضای مجلس شوری باید عاقل و بالغ باشند زیرا شرط تکلیف از نظر دین مقدس اسلام، بلوغ و عقل است و اشخاص صغیر، فاقد العقل و یا ناقص العقل حق اتخاذ تصمیم و تعیین سرنوشت خویش را ندارند و به نیابت از ایشان ولی، وصی و یا قیم امور شان را پیش برده و در موضوعات مربوط به آن ها تصمیم می گیرند. پس اشخاصی که حتی در مورد سرنوشت خودشان تصمیم گرفته نمی توانند، چگونه در مورد سرنوشت دیگران تصمیم گرفته و از آن ها نمایندگی نمایند؟

به قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: "إِذَا تَوَسَّدَ الْأَمْرَ غَيْرُ أَهْلِهِ، فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ"^۱

از آنجائیکه مجلس شوری محل اتخاذ تصمیم بزرگ و فیصله های سرنوشت ساز برای امت است، بناءً اعضای آن باید عاقل و بالغ بوده و از میان نخبگان جامعه انتخاب گردند. عضویت یافتن صغیر و مجنون در مجلس شوری زیان آور بوده و باعث تباهی و بربادی جامعه و دولت اسلامی می شود.^۲

مطلب سوم: امانت داری:

شخص مشاور باید "امین" بوده باشد، تاحق امانت را رعایت کرده، آنچه را خیر و صلاح تشخیص میدهد، ارائه نماید، دلیل این شرط حدیث آتی است:

(عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ»، قُلْنَا: لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: «لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ، وَلِرَسُولِهِ، وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَلِعَامَّتِهِمْ»^۳.)

ترجمه: از ابن عمر رضی الله تعالی عنه روایت است: که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: نصیحت و خیر اندیشی اصل و اساس دین است. گفتیم: برای که باید نصیحت نمود؟ فرمود: برای الله، کتاب وی، پیامبر وی و برای همه مسلمانان.

وهم چنان روایت امام بخاری - که قبلاً گذشت - در مورد شرط قرار دادن امانت داری، علم و تخصص مشاور صراحت دارد: (وَكَانَتِ الْأُمَّةُ بَعْدَ النَّبِيِّ يَسْتَشِيرُونَ الْأَمَنَاءَ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ فِي الْأُمُورِ الْمُبَاحَةِ لِيَأْخُذُوا بِأَسْهَلِهَا فَإِذَا وَضَحَ الْكِتَابُ أَوْ السُّنَّةُ لَمْ يَتَعَدَوْهُ إِلَى غَيْرِهِ)^۴.

^۱ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۱۴، ۳۴۳.

^۲ الأحكام السلطانية المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: ۴۵۰هـ) الناشر: دار الحديث - القاهرة ج ۱ ص ۲۲.

^۳ مكارم الأخلاق للطبراني (مطبوع مع مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا) المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ۳۶۰هـ) كتب هوامشه: أحمد شمس الدين الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹ م ج ۱ ص ۳۳۵. والحديث في المسلم برقم: ۵۵.

^۴ - صحيح البخاري، ج ۱ باب وأمرهم شوري بينهم، حديث ۶۸۵۵.

ترجمه: خلفا و زمامداران مسلمانان پس از پیامبر با علما و دانشمندان معتمد در مورد مسایلی که حکم شرعی در آن وجود نمی داشت، مشورت می کردند، تا آنچه سهل و آسان و به مصالح جامعه می بود، بگیرند، و عملی کنند، در صورتیکه حکم آن از کتاب و یا سنت دانسته می شد، در تلاش حکم آن از طریق شوری نمی شدند و از آن حکم تجاوز نمی کردند.

مطلب چهارم: علم و بصیرت:

منظور از شرط گذاشتن "علم" برای اعضای مجلس شوری، درجه اجتهاد و یا این که عضو مجلس شوری باید عالم و متخصص در علوم اسلامی و یا غیر آن باشد، بلکه داشتن آن اندازه از علم شرط است که بتواند حق را از باطل تفکیک نماید، و به گونه‌ی درست اظهار نظر نموده و تصمیم بگیرد، دوستان اسلام و مسلمین را از دشمنان دین اسلام تفکیک نموده، و مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص داده و برای تحقق آن تلاش نماید؛ هکذا بتواند قانون و فیصله‌ی را که موافق دین اسلام است از قوانین و فیصله‌های مخالف آن تفکیک نماید، و آگاهی از مسایل و اوضاع داخلی و بین‌المللی بالخصوص در بخش سیاسی داشته باشد.^۱

اعضای مجلس شوری باید افراد هوشمند و دانشمند بوده باشند، نه افراد جاهل، در این مورد خداوند متعال می فرماید:

{وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ} ^۲.

ترجمه: وهنگامی که خبری یا کاری که موجب ترسیدن و نه ترسیدن است به آنان میرسد، آنرا در بین مردم پخش و شایع می کنند اگر این گونه افراد سخن گفتن در این باره را به پیامبر صلی اله علیه وسلم واگذارند.^۳ اگر آنها چنین سخنان را به پیغمبر و فرماندهان خود واگذار می کردند و خبرها را تنها به مسئولان امر گزارش می دادند و تنها کسانی که اهل حل و عقد هستند از آن خبر می شدند، آنچه که می بایست و لازم بود از این خبر استفاده و درک می کردند و این امر به نفع مسلمانان تمام می شد.

^۱ الخلافة، المؤلف: محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفۃ القلمونی الحسینی (المتوفی: ۱۳۵۴ھ) المحقق: بدون الناشر: الزهراء للاعلام العربی - مصر / القاهرة ج ۱ ص ۲۳.

^۲ سورة النساء، آية: ۸۳.

^۳ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۷۶.

این آیه مؤمنان را ارشاد می فرماید تا درمسایل مهم به مسؤولین و سران عالم و کاردان مملکت مراجعه نمایند و مشورت و تصمیم گیری را حق علما و صاحب نظران می داند؛ بنابراین علما و دانشمندان و اهل بصیرتی که آشنائی به امور دارند به مشورت سزاوارترند:

{ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ }^۱.

ترجمه: بگو آیا یکسانند کسانی که دانا و اهل علم اند با کسانی که نادان و جاهل اند؟ برابر اند^۲. یکی از شرایط اساسی برای عضویت در مجلس شورای اسلامی، برخورداری از علم و دانش است. طوری که قبلاً نیز متذکر شدیم، مجلس شورای محلی است که در آن قوانین تصویب شده و تصامیم مهم مربوط به شئون مختلفه جامعه اسلامی اتخاذ می گردد، پس عضو مجلس که به نمایندگی از امت عضویت مجلس شورای را بدست می آورد، باید دارای علمیت باشد.^۳ به طور کل باید گفت که حد اکثر تلاش صورت گیرد تا نخبگان علمی به مجلس راه یافته و عضویت آن را بدست آورند، تا فرمان الهی مبنی بر سپردن امانت برای اهل آن تحقق یابد. چنانچه که الله جل جلاله میفرماید:

{ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

{^۴. ترجمه: یعنی (هر آئینه خدا امر می کند شما را که بدهید امانت ها را به صاحبان آن و اگر حکم کردید در میان مردم، پس حکم نمایید به عدالت و راستی^۵.

مطلب پنجم: آزاد بودن و خرد مندی:

اعضای مجلس شورای اسلامی باید آزاد بوده و از جمله بردگان و غلامان نباشند، زیرا غلامان و بردگان بر نفس خود ولایت ندارند و اشخاصی که بر نفس خویش ولایت نداشته باشند، نمی توانند بر امور دیگران ولایت داشته باشند. همچنان غلام به مالک خویش تعلق داشته، باید خدمت بدار خود را نموده و در تمام عمر به خدمت وی مشغول باشد. این چنین شخصی نمی تواند بر علاوه این مسئولیت (خدمت شبانه روزی به بدار)، مسئولیت نمایندگی از امت را به عهده گرفته و آن را به وجه احسن ایفا نماید. بالفرض اگر غلامی عضویت مجلس شورای را به اجازه بدار خود احراز نماید، آیا وی می تواند مستقلانه تصمیم بگیرد؟

بدون شک پاسخ منفی است، زیرا غلام تابع امر بدار خود بوده و همان نظری را می دهد که به نفع بدارش باشد و همان تصمیمی را می گیرد که بدارش برایش می گوید؛ که این امر باعث می شود

۱ سورة الزمر، آیه ۹.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۹۳۵.

۳ الشوری فریضة إسلامیة، ج ۱ ص ۱۶۵.

۴ سورة النساء: ۵۸.

۵ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۶۸.

تا منافع و مصالح اسلام و جامعه اسلامی فدای خواست ها و منافع افراد معین گردیده و این عده افراد بتوانند به وسیله غلامان شان، آزادگان (امت اسلامی) را به اسارت بکشند.

قابل ذکر است که عضویت غلامان عصری! و مدرن! در مجلس شوری اسلامی خطرناکتر و مصیبت بارتر از غلامان دوره برده داری (قدیم) بوده و دولت اسلامی باید از عضویت این نوع برده ها در مجلس شوری اسلامی، که جای آزادگان و نخبگان است، جلوگیری نماید. در رابطه به شرایط لازم برای اعضای شوری، همچنان شایان ذکر است که اعضای این مجلس باید حریص، ترسو و بخیل نبوده، بلکه از قناعت، شجاعت و سعه صدر برخوردار باشند. چنانچه در عهدنامه حضرت علی (رضی الله عنه) خطاب به مالک آمده است:

(وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يَضْعُفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ)^۱

ترجمه: بخیل را در مشورت خود داخل مکن زیرا تو را از نیکی و بخشش باز می دارد و به تو وعده فقر و ناداری می دهد و نه ترسو را چون تو را از اقدام در کارها سست می گرداند و نه حریص و آزمند را که شدت حرص و آز را با ستم، زیبا جلوه می دهد همانا بخل و ترس و حرص غرائز گوناگونی هستند که قدر جامع آن ها بدگمانی به خداوند متعال (جل جلاله) است.

ازسیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین بخصوص نحوه انتخاب اعضای شوری نخبگان، شوری عالی و شوری شش نفری غرض تعیین خلیفه بعدی از جانب عمر واز دلایلی که در بالا ارایه گردید، بخوبی استفاده می شود که افراد جاهل، احمق و ترسو نمی توانند، اعضای شوری به ویژه در کارهای مهم بوده باشند؛ زیرا مشاور احمق، حقایق را در نظر انسان دگرگون می سازد گرچند نیت خیراندیشی را هم داشته باشد. و مشاور ترسو مانع از اقدام به موقع و قاطعیت در امور می گردد.^۱

مطلب ششم: عدالت:

اعضای مجلس شوری باید عادل بوده و بر عدل و قسط استوار و پابند باشند. در هنگام اظهار رأی و نظر، مصالح امت را در نظر داشته و به خاطر منافع شخصی، خانوادگی، خویشاوندی و قومی و ...، عدالت و انصاف را زیر پا ننموده و نادیده نگیرند. چنانچه الله جل جلاله می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَاهِدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ} ^۲

^۱ الشوری فی الشریعة الإسلامیة، ج ۱ ص ۱۱۹.

^۲ اصول اساسات نظام سیاسی اسلام از دیدگاه اسلام، ص ۳۰۲.

^۳ سورة النساء: ۱۳۵.

ترجمه: " ای کسانی که ایمان آورده اید، پابند باشید به عدالت و اظهار کننده عدالت (حق) باشید برای خدا اگر چه به ضرر خود تان باشد یا پدر و مادر و یا خویشاوندان تان^۱."

چون تصامیم و فیصله های مجلس شوری به سرنوشت امت مسلمه تعلق داشته و بر جامعه اسلامی اثر گذار است، بناءً اعضای شوری باید از گناهان کبیره و هرنوع تعصب، عقده و انحراف که مانع از اجرای عدالت می گردد مبری باشند تا قوانین عادلانه وضع، و تصامیم و فیصله های خود را بر اساس عدالت و انصاف اتخاذ نمایند.

مراد از عدالت قایم بودن شخص به فرایض و واجبات واجتناب کننده از کبایر و اصرار به صغایر نداشته باشد.

مطلب هفتم : ساکن بودن در دار اسلام:

کسیکه اهل مجلس شوری است باید در دار اسلام سکونت داشته باشد زیرا در صورت عدم سکونت در دار اسلام باعث نفی ولایت میشود چنانچه الله سبحانه تعالی میفرماید:

{إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَصَرُّوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا} ^۲

ترجمه: کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت (دوستی و تعهدی) در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند!^۳

(عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا بعث أميراً على سرية أو جيش؛ أوصاه بتقوى الله في خاصة نفسه، وبمن معه من المسلمين خيراً، وقال: " إذا لقيت عدوك من المشركين؛ فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال - أو خلال -، فأيتها أجابوك إليها؛ فاقبل منهم، وكف عنهم: ادعهم إلى الإسلام؛ فإن أجابوك؛ فاقبل منهم، وكف عنهم. ثم ادعهم إلى التحول من دارهم إلى دار المهاجرين، وأعلمهم أنهم إن فعلوا ذلك؛ أن لهم ما للمهاجرين، وأن عليهم ما على المهاجرين، فإن أبوا، واختاروا دارهم؛ فأعلمهم أنهم يكونون كأعراب المسلمين، يجري عليهم حكم الله الذي يجري على المؤمنين، ولا يكون لهم في الفئ والغنيمه، نصيب؛ إلا أن يجاهدوا مع المسلمين. فإن هم أبوا؛ فادعهم إلى إعطاء الجزية، فإن أجابوا؛ فاقبل منهم وكف عنهم. فإن أبوا؛ فاستعن بالله تعالى عليهم وقتلهم) ^۴.

^۱ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۹۳.

^۲ سورة الانفال: ۷۲.

^۳ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۳۶۶.

^۴ سنن ابی داوود، ج ۷ ص ۳۶۷ رقم- ۲۳۵۱ - قال شيخ البانی هذا حديث، صحيح .

ترجمه: سلیمان بن بریده از پدرش روایت کرده که گفت پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتیکه کسی را منحیث امیر لشکر و یا سریه میفرستاد وی را به ترس از خدا در نفس خود و به کسانیکه همرايش میباشند توصیه خیر مینمود و برایش میگفت وقتیکه با دشمن رو برو شدى به سه چیز آنها را دعوت کن و هر پیشنهاد تورا که پذیرفتند از آنها قبول کن و از جنگ با آنها اجتناب نما در قدم نخست آنها را به اسلام دعوت نما اگر پذیرفتند از جنگ با آنها منصرف شو و آنها را دعوت نما که به دار اسلام هجرت نمایند و برایشان بفهمان اگر هجرت کنند آن حقوق و امتیازیکه برای مهاجرین است برای آنها خواهد بود و اگر از هجرت ابا ورزیدند برایشان بفهمان که آنها مانند سایر اعراب مسلمین اند و حکم الله مانند سایر مسلمین بالای آنها تطبیق میشود اما در فی و غنیمت برای آنها حصه و نصیبی نیست مگر اینکه همراه مسلمین به جهاد روند و اگر از پذیرش اسلام امتناع ورزیدند به دادن جزیه آنها را دعوت کن. اگر پذیرفتند از آنها قبول کن و از جنگ با آنها اجتناب نما و اگر از پرداخت جزیه ابا ورزیدند از الله جل جلاله طلب کمک نما و با آنها به جهاد بپرداز.

مبحث پنجم : حل اختلاف شروط شوری:

این مبحث دارای هفت مطالب میباشد :

مطلب اول : بروز اختلاف بین رئیس دولت و اهل شوری:

اگر در مواردی بین رئیس دولت اسلامی و مجلس شوری اختلاف رأی پدید آمده و به اتفاق نرسند، درین صورت راه حل این مشکل چگونه خواهد بود؟
در جواب باید عرض کرد که قبل از هر امر دیگر، راه حل همانست که قرآن کریم ارائه نموده است و میفرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا}!

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله (با پیروی از قرآن) و از رسول الله (محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به الله (با عرضه‌ی به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که الله قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به الله و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است.^۱

به قول امام الطبری: پس چنانچه قرآن کریم تصریح نموده و مفسرین بر آن اتفاق دارند، باید موضوع مورد منازعه و اختلاف به کتاب الله و سنت رسول الله رجعت داده شود.^۲

۱ - سورة النساء: ۵۹.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۶۹.

۳. تفسیر الطبری، ج ۵، ص ۷۸.

اگر حکم آن صراحتاً در کتاب الله و یا سنت رسول الله وجود داشت، پیروی از آن واجب بوده و هیچ کسی حق سرکشی از آنرا ندارد و از هیچ مرجعی در مخالفت با آن اطاعت صورت نمیگیرد. اما اگر حکم مذکور صراحتاً در کتاب الله و سنت نبوی وجود نداشت، به همان رأی و نظری عمل صورت میگیرد که مطابقت و نزدیکی بیشتری به کتاب الله و سنت رسول الله دارد.^۱

مطلب دوم : پذیرفتن رأی رئیس دولت:

اگر با وجود رأی‌زنی و مناقشه باز هم نظری مورد تأیید قرار نگرفت و نظری که شباهت بیشتری به احکام وارده در قرآن و سنت دارد، بدست نیامد و اختلاف بین اهل شوری و رئیس دولت باقی ماند، درین حالت چگونه باید عمل صورت گیرد؟
بهرتر آنست که موضوع به رئیس دولت محول گردد و به او اختیار داده شود که اگر میخواست به نظر اکثریت عمل نماید و اگر میخواست به رأی اقلیت مجلس و اگر میخواست به نظر و رأی خود عمل نماید.^۲

شاید این سخن در ابتدای امر خیلی عجیب و غیر مقبول جلوه نماید، زیرا عمل کردن به رأی اکثریت امریست که اذهان مردم تا سرحد اعتقاد به آن الفت گرفته است و مردم فکر میکنند که عمل کردن به رأی اکثریت ملزم و حتمی بوده و هر نوع خروج از آن علامه استبداد بوده و منجر به تکروری و استبداد رأی از سوی رئیس دولت می‌گردد و سایر سخنانی ازین قبیل.
ولی باید بیاد داشته باشیم که سخن حق در هر صورتی باید قابل قبول بوده و از آن پیروی صورت گیرد. حجت و دلیل سخنی که گفتیم در نکات ذیل خلاص میشود.

اول : { وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ }^۳.

ترجمه: با آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که (پس از شوری و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر الله توکل کن.^۴
امام قرطبی در تفسیر این آیت میفرماید: «الله پیامبرش را امر نموده است که چون قصد انجام کاری را داشت باید بر الله توکل کند نه به مشاورت دیگران»^۵.

۱. السیاسة الشرعية، لابن تیمیة، ص ۲۵۷.

۲. دین و دولت ج ۱ ص ۳۷۵.

۳. سوز: آل عمران: ۱۵۹.

۴. ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۳۸.

۵. تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۲۵۷.

دوم : در تاریخ اسلامی میبینیم که ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه در مورد فرستادن لشکر اسامه بسوی شام و جنگ با مرتدین بر نظر خود پافشاری نموده و بلاخره مطابق آن عمل نمود.^۱ مختصراً داستان لشکر اسامه رضی الله تعالی عنه چنین بود که: رسول الله صلی الله علیه وسلم او را به فرماندهی لشکری برگزیدند که در آن لشکر بزرگان و قهرمانان صحابه عضویت داشتند و او را امر نمود که به طرف فلسطین حرکت کند. لشکر مسلمانان آماده گی کامل خود را گرفته و بیرون از مدینه قرارگاه گرفتند. اما قبل از آنکه از آنجا حرکت کنند رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمود، و ابوبکر رضی الله تعالی عنه بعد از بیعت مسلمانان بحیث خلیفه تعیین گردید، درین زمان که عده زیادی از قبایل عربی مرتد شده بودند، رأی و نظر عمر رضی الله تعالی عنه و جماعتی از اهل رأی این بود که اسامه به مدینه برگشته و در جنگ علیه مرتدین سهیم شود اما ابوبکر رضی الله تعالی عنه این نظر را نپذیرفته و گفتند که اگر بدانم که در عدم موجودیت آنها درندگان مدینه پاهایم را کش کرده و بخورند، هرگز آنها را باز نمی گردانم و درفشی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم بسته است را هرگز باز نمیکنم.^۲ ایشان برین نظر خود استوار مانده و مطابق آن عمل نمودند.

اما قضیه جنگ با مرتدین چنین بود که بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم یک تعداد از قبایل عربی کلاماً مرتد شدند و تعداد دیگری با آنکه به الله و رسول او ایمان داشتند، از ادای زکات به خلیفه مسلمانان ابا و رزیده و هیئتی را به مدینه فرستادند که تا خلیفه را درین مورد قانع سازند. ابوبکر رضی الله عنه این نظر شان را مردود دانسته و فرمودند: سوگند به الله که اگر ریسمان کوچک پایبند شتر را که به رسول الله صلی الله علیه وسلم میدادند، به من ندهند در مقابل شان اعلان جهاد میکنم.^۳

ایشان برین نظر خود باقی مانده و علی الرغم اینکه رأی و نظر اکثر صحابه برین بود که درین شرایط با آنها نرمش و گذشت بهتر است و باید قبل از آنها با مرتدین مقابله صورت گیرد، زیرا مسلمانان در حالت ضعف قرار داشته و شعله های ارتداد از هر طرف زبانه میکشید و روز تا روز در صفوف مرتدین افزایش صورت میگرفت. اما ابوبکر صدیق رضی الله عنه بر نظر خود که الله متعال در سینه اش برای آن باز کرده بود، ثابت باقی مانده و بدون کمترین نرمش و سستی در راه حق، جنگ با مرتدین و منکرین زکات را اعلان نمود.^۴

^۱ تاریخ الخلفاء ج ۱ ص ۱۰۸.

^۲ الطنطاوی، علی، ابوبکر صدیق، تاریخ الخلفاء، ص ۱۶۲.

^۳ تاریخ الخلفاء المؤلف: عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: ۹۱۱هـ) المحقق: حمدی الدرمداش الناشر: مکتبه نزار مصطفی الباز الطبعة: الطبعة الأولى: ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م ج ۱ ص ۱۹.

^۴ السیاسة الشریعة ج ۱ ص ۱۶۳.

درین دو واقعه میبینیم که ابوبکر رضی الله تعالی عنه برأی و نظر خود عمل نموده و از قبول رأی اکثریت خود داری نمود.

سوم: رئیس دولت از تمام کارکردهای خود مسئول است، بنابراین ملزم ساختن او به قبول رأی دیگران که به آن قانع نمیباشد، دور از انصاف به نظر میرسد. زیرا هر انسانی از همان کارهای خود مسئول است که به اختیار و اراده خود انجام میدهد، نه اینکه رأی و نظر دیگران را در حالی نافذ کند که بر صحت آن قانع نیست و در آخر کار از نتایج و پیامدهای آن مورد بازپرس قرار گیرد، در حالیکه اجرای آن امور بروی تحمیل شده باشد.

چهارم: صحت و خطای رأی و نظر از ذات خود نظر ناشی میشود نه از کثرت و یا قلت ابراز کننده گان آن.

پنجم: کثرت در ذات خود دلیل قاطعی بر صواب بودن رأی بوده نمیتواند، همچنانکه اقلیت بودن دلیل قاطعی بر خطا بودن آن نمیباشد زیرا ممکن است که اکثریت در رأی و نظر خود به خطا بروند. قرآنکریم با اشاره به این حقیقت میفرماید:

{وَأِنْ تَطَعُوا كَثْرًا مِنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ} ^۱

ترجمه: اگر از بیشتر مردم پیروی کنی، تو را از راه الله دور می‌سازند. چرا که آنان جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند و آنان جز به دروغ و گزاف سخن نمی‌گویند ^۲.

{قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} ^۳

ترجمه: (ای پیغمبر! به مردم) بگو: ناپاک و پاک (و حرام و حلال) مساوی نیستند، هر چند که فراوانی ناپاک (و حرام) شما را به شگفت اندازد. پس ای خردمندان! (با امتثال اوامر و اجتناب نواهی یزدان) خویشتن را از (خشم) الله برحذر دارید تا این که رستگار شوید ^۴.

ششم: در حالت جنگ و دفاع که خطرناکترین حالت بر امت میباشد، مشاهده میکنیم که امر هجوم و دفاع به فرمانده لشکر سپرده میشود و اوست که بعد از مشورت با همکارانش، مطابق پلانی که دارد حرکت میکند و هیچگاهی ملزم به اخذ رأی دیگران نمیباشد، اگرچه با دیگران مشورت مینماید. معنای سخن اینست که انسان فطرتاً درک میکند که در وقت اختلاف مشاورین با رئیس دولت باید

۱ سورة الأنعام: ۱۱۶.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۲۷۵.

۳ سورة المائدة: ۱۰۰.

۴ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۲۳۸.

موضوع به رئیس دولت و رأی او گذاشته شود. لذا این راه حل را در وقت جنگ انتخاب میکنند. در حالیکه خطای فرمانده ممکن است که هلاکت تمام لشکر و حتی به نابودی تمام امت منجر شود، اما باز هم همین راه حل را برگزیده و بهترین راه حل در صورت اختلاف مشاورین با رئیس دولت میدانند.^۱

مطلب سوم : اعتراضات و جواب آنها:

نظری را که ارائه داشته و آنرا بهترین راه میدانیم، از سوی عده مورد اعتراض قرار گرفته است که مهمترین این اعتراضات در نکات ذیل خلاصه می‌گردد.

اول : رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در واقعه احد به رأی و نظر اکثریت عمل نمودند اگر چه جناب ایشان مایل به باقی ماندن در مدینه بودند.

در جواب این اعتراض باید گفت که؛ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بخاطری به آن رأی عمل کردند که خود ایشان نیز به همان نظر رسیدند نه بخاطر اینکه رأی اکثریت ملزم میباشد و سخنی که ما گفتیم در مورد ملزم ساختن امیر به عمل کردن به رأی اکثریت میباشد.

دوم : اگر رئیس دولت ملزم به اخذ رأی اکثریت نباشد، پس فائده مشوره در چیست؟

جواب اینست که فایده مشوره در ظاهر شدن رأی و نظر صواب و درست است و از رئیس دولت انتظار می‌رود که مطابق آن عمل نماید. اما اگر به آن عمل نکرد، به این معناست که او بر صحت و صواب بودن آن قانع نشده است، نه اینکه میخواهد عناد ورزیده و مستبد الرأی باشد.

سوم : الله متعال به مشورت امر نموده است و این امر متضمن پذیرفتن رأی و نظر اهل شوری میباشد. در جواب میتوان گفت که؛ مشاورت، امر کاملاً جدا از تنفیذ است و الله متعال به مشاورت امر نموده است و با اجرای مشورت این دستور الهی عملی می‌گردد. اما تنفیذ رأی دیگران، امریست که حکم جداگانه دارد و مادامیکه مسأله مورد بحث از امور اجتهادی است، گرفتن تصمیم در انجام آن به رئیس دولت گذاشته شده است.^۲

مطلب چهارم : حق افراد در اظهار رأی:

مشورت کردن رئیس دولت با اهل حل و عقد به این معنا نیست که سایر افراد جامعه حق اظهار رأی و نظر شانرا را ندارند.

^۱ الشوری فی السلام، ج ۱ ص ۳۲۴.

^۲ نظام سیاسی اسلام، ج ۱ ص ۱۲۳.

واقعیت اینست که تمام افراد امت اسلامی حق دارند که رأی و نظر خود را ابراز داشته و چیزی را که به مصلحت جامعه میدانند و یا از اله منکری را در آن مشاهده میکنند باید به صراحت و جرئت اظهار نمایند. این حق از مسئولیتی نشئت میکند که هر فرد مسلمان در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر به عهده دارد، بلکه دین اسلام امر به معروف و نهی از منکر را یکی از صفات اساسی مؤمنان قرار داده است. چنانچه که الله متعال میفرماید:

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ}¹.

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از پکار بد باز می‌دارند.²

و رسول الله میفرماید: (مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ)³.

ترجمه: کسی از شما اگر کار بدی را ببیند باید آنرا با دست منع کند و اگر نمیتوانست، با زبان منع کند و اگر نمیتوانست با قلب در پی تغییر آن باشد و این ضعیفترین ایمان است.

به قول امام السیوطی: آشکار است که ادای این فریضه مستلزم اینست که فرد باید حق اظهار رأی را داشته باشد و معروفی را که میدانند به آن امر نماید و از منکری که مشاهده میکند باید از آن نهی کند. دادن این حق به افراد تکمیل کننده شوری بوده و در مساعدت و موافقت کامل با اهدافی میباشد که شوری در پی آن است.⁴

همچنان خلیفه را در شناخت راه صواب و اجتناب از خطاء معاونت میکند. زیرا ممکن است که اعضای شوری مسایلی را ندانند، اما افرادی در بین امت از آن آگاهی داشته و تخصصی در آن داشته باشند. بنابراین برای خلیفه و سایر عهده داران امور مسلمانان در سطوح مختلف، جایز نیست که این حق را نادیده گرفته و بی اهمیت بدانند. همچنان افراد جامعه اسلامی نیز اهمیت آنرا حفاظت نموده و به هیچ صورتی از آن تنازل نکنند و باید بدانند که این حقی است که شریعت برایشان داده است تا مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به صورت درست اداء نمایند. به همین علت است که مسئولین صالح و عادل افراد امت را بر آزادی بیان و اظهار رأی تربیت نموده و آنها را ترغیب نموده اند که این صفت را همیشه از آن خود سازند و ترک آنرا بزرگترین عیب دانسته اند، چنانچه مردی به عمر رضی الله تعالی

۱ سورة التوبة: ۷۱.

۲ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۳۸۹.

۳ المسند المستخرج علی صحیح الإمام مسلم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی (المتوفی: ۴۳۰هـ) المحقق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل الشافعی الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م ج ۱ ص ۱۳۶.

۴ تفسیر الجلالین المؤلف: جلال الدین محمد بن أحمد المحلی (المتوفی: ۸۶۴هـ) و جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی (المتوفی: ۹۱۱هـ) الناشر: دار الحدیث - القاهرة ج ۱ ص ۸۱.

عنه گفت: ای عمر از الله متعال بترس! ایشان فرمودند: این سخن را همیشه بگویند! و هیچ خیری در ما نخواهد بود اگر آنرا نشنویم.^۱

و ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه در اولین خطبه خویش فرمودند: اگر نیکی کردم مرا معاونت نمائید و اگر از راه راست انحراف کردم مرا راست گردانید:

مطلب پنجم : حدود آزادی اظهار رأی:

اما حق افراد در آزادی بیان و اظهار رأی در مورد عملکرهای خلیفه و سایر کارگزاران کاملاً آزاد و مطلق نمیباشد بلکه حدود و ضوابطی دارد که باید مطابق آن حرکت کنند.

اول : اینکه مقصد و هدف نظر دهنده، تقدیم نصیحت مخلصانه به خلیفه باشد.

چنانچه که پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: (عن تمیم الداری ان النبی صلی الله علیه وسلم قال الدّین النصیحه قلنا لمن قال لله و لکتابه و لرسوله و لأئمة المسلمین و عامتهم)^۲.

ترجمه: از تمیم الداری رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: دین خیرخواهی و نصیحت است، گفتیم: خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمودند: برای الله، برای کتاب او و رسول او و برای ائمه مسلمین و عموم ایشان.

بنابر این فرد جایز نیست که رأی خود را به قصد بدنام سازی امام و بزرگنمایی خطاهای او و اهانت کردن به مقام خلافت و سایر مقاصد باطلی اظهار نماید که نه رضای الله متعال در آن متصور است و نه خیری به منصوص میرساند و نه مصلحت امت در آن نهفته است.

دوم : رأی و نظری را که ارائه میکنند باید براساس علم و دانش باشد. پس حق ندارد که در امور اجتهادی بر امام انتقاد کرده و به اهانت و تنقیص او اقدام کند. زیرا رأی و نظر او در امور اجتهادی هیچ اولویتی بر اجتهاد امام ندارد.

سوم : برای هیچ فردی مجاز نیست که زیر پرده آزادی رأی به فتنه انگیزی و ایجاد آشوب پرداخته و با کسانی که با رأی او مخالف اند به جنگ برخیزد مادامیکه مسأله اجتهادی بوده و رأی هر کسی احتمال خطاء و صواب را بصورت یکسان دارد.^۳

مطلب ششم : برگزاری شوری در عصر کنونی:

^۱ تاریخ الإسلام المؤلف : شمس الدین ، الذهبی ، ج ۱ ص ۱۱۳ .

^۲ المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (المتوفی: ۲۶۱هـ) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت ج ۱ ص ۷۴ .

^۳ السیاسة الشرعیة فی الشئون الدستورية والخارجية والمالية المؤلف: عبد الوهاب خلاف (المتوفی: ۱۳۷۵هـ) الناشر: دار القلم الطبعة: ۱۴۰۸ هـ- ۱۹۸۸م ج ۱ ص ۳۵-۳۷ .

در توضیحاتی که در مطالب قبلی ارائه گردید نمونه هایی از سنت نبوی و تاریخ اسلامی در مورد گونه های مختلف برگزاری شوری تقدیم کردیم. از مجموع این سوابق معلوم میشود که شریعت اسلامی کیفیت خاصی را برای ایجاد مجالس مشورتی تعیین نکرده است. پس معلوم میشود که تنظیم و برگزاری شوری به امت اسلامی تفویض گردیده است تا به نحویکه ظروف و شرایط اجازه میدهد و مقاصد اصلی شوری برآورده گردیده و شناخت نظریات امت را ممکن میسازد، آنرا برگزار نمایند که این نکته یکی از بهترین حسنات شریعت اسلامی و نشاندهنده آینده نگری اسلام میباشد^۱.

بنابر این در عصر کنونی بهتر آنست که امت اسلامی اهل شوری را از کسانی انتخاب نمایند که اهل حل و عقد باشند و رئیس دولت با آنها مشورت نماید.

البته این حق باید برای رئیس دولت محفوظ باشد که او در مسایل اختصاصی با متخصصین دیگری غیر از آنها مشورت نماید. همچنان رئیس دولت بتواند که در مسایل مهم و حیاتی از طریق همه پرسی رأی تمام افراد امت را بدست آورد و باید تمام مسایلی که به شوری مربوط می گردد در روشنایی شریعت اسلامی و مبادی اسلام، نظام مفصلی وضع گردد^۲.

علاوه بر آن، آزادی بیان برای افراد امت باید در حدود شریعت اسلامی تعیین گردیده و به هیچ کسی اجازه داده نشود که زیرنام بیان به تبلیغات خصمانه، طعن و دشنام دهی، افتراء، تهمت و گمراه سازی اقدام نماید. زیرا تمام این کارها فساد است و هیچ کسی در دین اسلام حق ندارد که با سوء استفاده از آزادی بیان به اشاعه فساد بپردازد. واقعیت اینست که وضع قوانین، ایجاد ارگانهای مراقبت کننده و تعیین حدود آزادی به هیچ صورت در راستای تنظیم شوری و نظر خواهی کفایت نمیکند بلکه آنچه بیشترین فائده را میرساند، اینست که در کنار این قوانین و ارگانها مفاهیم اخلاق اسلامی نیز در بین مسلمانان عام گردیده و افراد امت اسلامی مطابق عقیده سالم اسلامی، خوف از الله متعال در آشکار و نهان و رعایت اخلاق نیکوی اسلام تربیت گردد. درینصورت است که هر شخصی پابند حدود شریعت گردیده، مسئولیت خود را به وجه احسن انجام میدهد و چه در انتخاب اعضای مجلس شوری و چه در اظهار رأی در مجلس و چه در اظهار رأی بحیث فردی از امت اسلامی همان راهی را برمیگزیند که به مصلحت اسلام و امت اسلامی باشد^۳.

مطلب هفتم: عزل اعضای شوری:

^۱ دین و دولت، ج ۱ ص ۸۷.

^۲ مرجع سابق، ج ۱ ص ۲۳۲.

^۳ العدالة الاجتماعية في ضوء الفكر الإسلامي المعاصر اطروحة أعدت لنيل درجة الدكتوراه في الدراسات الإسلامية إعداد الدكتور: محمد

أحمد عبد الغني ۱۴۲۴هـ / ۲۰۰۴م ج ۵ ص ۳۵-۳۷

به قول عبد الکریم زیدان : در صورت از دست دادن صفاتی که در اعضای شوری الزامی باشد خلیفه میتواند اعضای شوری را برکنار نماید. و صفات اعضای شوری مسلمان بودن، عاقل بودن، بالغ بودن و عالم بودن در موردی است که در مورد آن مشوره صورت میگیرد و نکته مهم دیگر اینکه روش ها و شرایط مشوره دادن را که در صفحات بالا از آنها یادآور شدیم رعایت نماید. در صورت عدم رعایت آن از جانب خلیفه برکنار می گردد^۱.

مبحث ششم : اشکال عملی شوری :

و این مبحث دارای دو مطلب میباشد :

مطلب اول: شکل سیاسی و دنیوی :

همان طوری که اسلام شوری را چنان یک اصل عمومی بیان نموده که مسلمانان در پرتو آن امور اهتمامی خویش را انجام دهند، همینگونه اسلام برای ما همان قواعد اساسی ای را هم بیان نموده که دارومدار این اصل و حدود آن و چگونگی تطبیق شوری بر آن استوار می باشد و این قواعد اساسی را اسلام خود تعیین نموده و به نظریات و رأی حاکمان و امت نگذاشته است، البته علاوه بر این قواعد، قواعد دیگری خصوصاً آن قواعدی را که با زمان، مکان و تحولات اجتماعی تغییر می پذیرد، به رأی و نظر حاکمان و امت وا گذاشته است که این قواعد اساسی مبنی بر اصل شوری است حکم آن اصل است که تبدیل و تعدیل را نمی پذیرد، زیرا که این قواعد با تقاضای همان دو آیتی است که اصل شوری را ثابت می کند و یا چنان قواعدی است که از مقتضیات نصوص دیگری می باشد^۲.

به قول زمخشری^۳: این حکم بستگی به موضوعی دارد که در مورد آن وحی نازل نشده باشد برابر است که آن جنگی باشد یا غیر جنگی^۴.

۱. اصول دعوت، عبد القادر، عوده، ص ۲۵۷-۲۶۷.

۲. السیاسة و الادارة، لی عبدالباقی، الحقانی، مترجم: مولانا محمد مهدی حقانی، ج ۱، ص ۴۸۵.

۳. جارالله زمخشری در سال ۴۶۷ هـ ق در قریه زمخشر از روستاهای خوارزم چشم به جهان گشود. در کودکی بر اثر سرما یک پای او را بریدند و با عصا راه می رفت. «ابونصر اصفهانی» و «علی بن مظفر نیشابوری» از استادان وی بودند. زمخشری در فقه، پیرو مذهب حنفی و در اصول و کلام، معتزلی مذهب بود. به سبب اقامت دو ساله اش در خانه خدا و مجاورت مسجدالحرام به لقب جارالله (همسایه خدا) شهرت یافت و تفسیر کشف را در این ایام نگاشت. وی در بسیاری از علوم زمانه همچون علم دین، تفسیر، اشتقاق، نحو، ادب، حدیث و بیان صاحب نظر و دارای تألیفات گرانمایی است. وی پس از بازگشت از مکه در سال ۵۳۸ هـ ق در جرجانیه وفات نمود. (وفیات الاعیان ۱۰۷/۲)

۴. تفسیر الکشاف المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، جارالله الزمخشری، ج ۱ ص ۳۴۱.

به قول امام الطبری^۱: مشوره در امور دینی و دنیوی ممکن است که در مورد آن وحی نازل نشده باشد، چنانچه نگاشته است: (إنه فی کل أمر لیس فیہ نص، قال سفیان بن عیینة فی قوله تعالیٰ "وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ": هو للمؤمنین إن یتشاور فیمالم یأتیهم عن النبی صلی الله علیه وسلم فیہ اثر).^۲

به قول عبد الباقي: این حکم در مسأله‌ی است که در مورد آن نص وارد نشده باشد؛ اعم از این که امور دینی باشد یا دنیوی، جنگی باشد غیر جنگی، و هم چنان حکم مشوره به رسول الله صلی الله علیه وسلم با مؤمنان در امری است که از نبی کریم صلی الله علیه وسلم در مورد آن حدیث ثابت نباشد.^۳

پس از نظر و تحقیق در مواردی که نبی کریم صلی الله علیه وسلم با صحابه مشوره نمودند چنین نتیجه بدست می‌آید که این مشوره‌ها صرف به امور جنگی منحصر نبوده اگرچه اکثر حالات و موضوعاتی که نبی کریم صلی الله علیه وسلم به مشوره پرداختند حالات و موضوعات جنگی بود لیکن این حالات صرفاً حالات جنگی نبود بلکه شامل مسایل دنیوی نیز می‌شد که به مردم در آینده دارای اهمیت و عظمت بود، همچنان این مشوره‌ها شامل مسایل شرعی اجتهادی می‌شد که در مورد آن نص موجود نبود یا پس از اجتهاد در مورد آن نص وارد شده بود که دلالت بر ترک آن اجتهاد یا اصلاح و تعدیل آن می‌نمود.

مطلب دوم: شوری در قضاء:

قاضی در وظیفه قضاوت اش به همکارانی احتیاج دارد که او را در پیشبرد کارهای قضایی همکاری نمایند، و این گروه عبارت اند از وظیفه داران و استخدام شدگان در دایره قضاء. چنانکه قاضی به کسانی از اهل علم و دانش ضرورت دارد تا در مورد قضایای وارده بر او و احکام شرعی مناسب هر یک از آنها با آنان مشوره نماید، پس این گروه همکاران چه کسانی اند؟ این است آنچه در فقرات آینده بیان خواهیم کرد در حالیکه به بیان اهل مشوره از علماء بحث را آغاز می‌نماییم.^۴

^۱ تفسیر طبری یا جامع البیان عن تاویل القرآن، تفسیری از قرآن محمد بن جریر طبری، محدث، فقیه، مفسر و مورخ سده سوم قمری است. طبری در نوجوانی، علوم مختلفی را از علمای عراق و شام و مصر آموخت و بعد در بغداد ساکن شد و تا زمان وفاتش نیز آن جا بود. طبری در علوم بسیاری تبحر پیدا کرد و حافظ و عارف به قرآن و معانی و احکام شد. اطلاعات او راجع به صحابه و تابعان و زمان‌های بعد از آن، زیاد و در مسائل راجع به ایام و اخبار مردم، آگاهی کامل داشت. از همین رو، کتابی بنام «تاریخ طبری» را نگاشت. سپس کتاب تفسیر قرآن «جامع البیان عن تاویل القرآن» را نگاشت که به تفسیر طبری شهرت پیدا کرد. طبری سنی مذهب بود ولی برخی او را شیعه می‌دانند (یکی از دلایل انتساب به هردو فرقه «میانه روی و انصاف» وی در بیان تاریخی موارد است). وی در سال ۳۱۰ هجری شمسی در سن ۸۶ سالگی در بغداد از دنیا رفت. (معجم المؤلفین ۱۴۷/۹)

^۲ جامع البیان فی تأویل القرآن المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبری (المتوفی: ۳۱۰هـ) المحقق: أحمد محمد شاکر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م ج ۷ ص ۳۴۰.

^۳ -، السیاسة و الادارة، ج ۱ ص. ۸۴۶.

^۴ -، نظام قضاء در شریعت اسلام، از عبد الکریم زیدان، مترجم: غوث الدین مستمند غوری، ج ۱ ص ۴۷.

زیرا ممکن است قاضی در موضوع یا حکمی که قبلاً صادر یا اینکه بعداً صادر می نماید اشتباه نموده یا چیزیکه برای حکم خود بحیث مستند و دلیل قراردادده است دلیل نباشد. بنابراین دانشمندان می توانند برای قاضی آگاهی و معلومات دقیق داده و از اشتباه وی جلوگیری نمایند. چون انسان خالی از سهو و خطا نیست باید قاضی یک منبه داشته باشد. چنانچه شیخ جوهری میگوید: اشخاصیکه برای مشورت در مجلس قاضی حاضر می شوند لازم نیست که مجتهد باشند بلکه همان اندازه که دارای نظر و ذکاوت باشند تا بتوانند توجهات بیشتری به قاضی بدهند کفایت^۱.

قاضی گروهی از اهل علم و فضیلت را بخود اختصاص دهد تا در قضایای که به او عرضه میگردد و در آنچه که از احکام شرعی مناسب و شایسته آن هاست با آنان مشاوره نماید.

این مشاوره از طرف قاضی گرچه عالم هم باشد یک امر مطلوب و مورد نیاز است. خلفای راشدین ر ضوان الله تعالی علیهم اجمعین و قضات آنان بر همین راه و روش رفته اند، قاضی مدینه منوره سعید بن ابراهیم رضسی الله تعالی عنه در میان قاسم و سالم می نشست و آنان از فقهای مدینه منوره بودند، با آن دو مشاوره می نمود. غرض از این مشاوره آگاه ساختن قاضی از چیزهای است که به دعوی تعلق دارد و یا در حکم مؤثر است که بسا شاید به آنها ملتفت نشده و یا آنها را فراموش کرده با بیان رأی مناسب شان در حکم.

و شرط کرده اند که مشاورین باید از اهل اجتهاد و عدالت باشند تا به حکم شرعی قضیه رهنمایی کرده بتوانند. علمای حنفی گفته اند: گرچه مستحب است که قاضی علماء را با خود یکجا در مجلس قضاء بنشانند ولی در اثنای محکمه در میان طرفهای دعوی با آنان مشاوره نکند^۲.

و برخی از فقهای مالکی گفته اند: برای قاضی شایسته نیست که در جلسه قضایی او کسی دیگری با او باشد که او را از رسیدگی به دعوی و محاکمه مصروف سازد گرچه از اهل علم و فقه هم باشند، زیرا حضور این گروه در جلسه قضایی قاضی را به حصر و اهتمام و رسیدگی به آنان و ادار می سازد نه اهتمام به دعوی و طرفهای دعوی، ولی چون محاکمه پایان یافت و جلسه اختتام پذیرفت او را رواست تا با آنان مشاوره کند، اما بعد از اعلان پایان محاکمه پس شایسته است که با آنان در مجلس دعوی و وسایل اثبات آن و صدور حکم مناسب آن مشاوره نماید و این رأی است که ما آن را ترجیح میدهیم، ولی با آن هم ترجیح میدهم نشستن آنان را در جایگاهی از مجلس قضاء بطوری که حضور آنان ذهن قاضی را مشغول نکند - و او را از گوش دادن به طرف های دعوی و شنیدن دلایل آنان مصروف نسازد،

۱ - الفقه الإسلامی وأدلته الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبویة وتخریجها المؤلف: أ.د. وهبة الزحيلي أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامی وأصوله بجامعة دمشق - کلیة الشريعة الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق ج ۶، ص ۴۱۳ - ۴۱۹.

۲۲ لسان الحکام فی معرفه الأحکام المؤلف: أحمد بن محمد بن محمد، أبو الولید، لسان الدین ابن الشحنة الثقفي الحلبي (المتوفى: ۸۸۲هـ) الناشر: البابی الحلبي - القاهرة الطبعة: الثانية، ۱۳۹۳ - ۱۹۷۳ ج ۱ ص ۲۲۴.

یا بسبب حضور آنان قاضی در تنگنا قرار نگیرد. زیرا حضور مشاورین در جایگاه مخصوص از مجلس قضاء به آنان امکان میدهد تا به تفصیل دعوی آگاهی حاصل نمایند، و بتوانند قاضی را طی مشاوره خویش به آنچه که مستحق آگاهی دهی و مناسب حال است آگاهی دهند.^۱

۱ - عبدالکریم، زیدان، نظام قضاء در شریعت اسلام، مترجم: غوث الدین مستمند غوری، ص ۴۷.

فصل چهارم

فواید شوری

مبحث اول: فواید شخصی شوری:

این مبحث دارای نه مطالب میباشد:

مطلب اول: نجات از لغزش و اشتباه:

وقتی صحبت از احکامی مانند شوری، رهبری، بیت المال، امر به معروف و نهی از منکر و... به میان می‌آید، ذهن ما متوجه نظام حکومتی متعارفی می‌شود که در داخل مرزهای یک مملکت فعالیت دارد؛ یا به سخن دیگر بیشتر مسلمانان فکر می‌کنند که مخاطب چنین احکامی گرداننده گان حکومت‌های اند که زمام امور کشش‌صو‌رهای اسلامی را به دست دارند؛ ولی از دید شریعت الهی نظام اسلامی به برنامه‌های گفته می‌شود که همه اجتماعات مسلمانان از خانواده گرفته تا حکومت جهانی اسلام (خلافت) را در برمی‌گیرد. احکام مربوط به نظام اسلامی در داخل اجتماعات کوچک نیز قابل تطبیق بوده و آثار مطلوب خود را دارد.^۱

نباء از دیدگاه اسلام در این فصل از فواید شوری بحث می‌نمایم تا خواننده محترم از فواید شوری به دین اسلام آگاهی کامل یابد. چون پیامبر صلی الله علیه وسلم همه مسلمانان را به وس و توانش مسول ساخته. پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می‌فرماید:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ: (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ). قَالَ: وَحَسِبْتُ أَنْ قَدْ قَالَ: وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي مَالِ أَبِيهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)^۲.

ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هر کدام از شما مسئول است، و از هر یک از شما، در مورد زیر دستانش سؤال خواهد شد. رهبر جامعه،

۱- شورا و آثار اجتماعی آن، امین الله، معتصم، ص ۹۱.

۲ الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ ج ۲ ص ۵.

مسئول رعیت می باشد. مرد، مسئول خانواده و زیر دستانش می باشد. زن در خانه شوهر، مسئول زیر دستان خود است. خدمتگذار، مسئول است و از او در مورد اموال صاحبش و مسئولیت های دیگرش، سؤال خواهد شد. راوی می گوید: به گمانم آنحضرت صلی الله علیه وسلم این جمله را نیز افزود که «مرد هم مسئول مال پدر خود می باشد. و همه شما مسئول هستید و از شما در مورد مسئولیت تان، سؤال خواهد شد .

پس معلوم میگردد که هریک از شما سرپرستید و مسئولیت زیر دستان خود را به عهده دارید. وقتی ما از آثار اجتماعی شوری بحث می کنیم، منظور ما این است که تمام مسلمانان مکلف اند شوری را به حیث یک حکم اسلامی مربوط به خود بپذیرند و در ساحة فعالیت خود آن را عملی کنند. چون اول : عمل به شوری عبادت است و هر مسلمانی که در یکی از موقعیت های برتر اجتماعی قرار می گیرد و مسئولیت مجموعه ای را به عهده دارد، مکلف به پای بندی به این عبادت می باشد. دوم : التزام به شوری کارها را تا حد زیادی به صواب نزدیک کرده عیوب و اشکالات آن را بر طرف می کنند.^۱

عمده تاً تأکید دین مقدس اسلام به شوری و این که آنرا اصلی از اصول اساسی در دولت اسلامی قلمداد نموده است، بدان جهت است که شوری و نظرخواهی دارای اهمیت و فواید حیاتی بوده و از مزایای ارزشمندی برخوردار است که اینک در فصل چهارم به فواید شخصی و اجتماعی شوری به طور مفصل به بررسی آن می پردازیم:

شوری زمینه ساز جلوه حق و حقیقت، ورشد استعدادها است؛ زیرا مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می دهند و صاحب نظران آنها به مشورت می نشینند، کمتر گرفتار لغزش می شوند. به عکس افرادی که: گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی نیاز از افکار دیگران می دانند، هر چند از نظر فکری فوق العاده باشند، غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی می شوند، و استبداد رأی، شخصیت را در توده مردم می کشد، و افکار را متوقف می سازد، و استعدادهای آماده را نابود می کند، و به این ترتیب بزرگترین سرمایه های انسانی یک ملت از دست می رود.^۲

۱-شورا و آثار اجتماعی آن، ص ۹۳.

۲ اصول و اساسات نظام سیاسی از دیدگاه اسلام، شمس الدین، محمدی، کابل: انتشارات تمدن شرق، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸.

مطلب دوم: پاسداری از منزلت فکری افراد و احساس مسئولیت در برابر جامعه:

اصل شوری درح حقیقت پاسداری از منزلت فکری افراد، وحق طبیعی جامعه در اداره امور و مبارزه با استبداد و خود کامگی است.

در صورت تطبیق قانون شوری اسلامی، هر فردی از افراد جامعه خود را عنصر مؤثر جامعه پنداشته و در برابر آن احساس مسؤولیت می نماید، و حمایت آن را وجیبه دینی و اجتماعی خود می داند.^۱

مطلب سوم: تشخیص افراد مخلص و دریافت رأی صواب و مفید:

یکی دیگر از فواید مشورت این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آن ها را باخود درک خواهد کرد، و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می کن.

شوری و مشورت باعث دریافت رأی صواب و معقول میشود زیرا در اثر شوری و رایزنی، آراء و نظریات متعدد و مختلفی از طرف اهل شوری (مستشاران) ارائه گردیده و افکار و عقول مختلف در پهلوی هم قرار می گیرد که تمام این نظریات و آراء، کامل و عاری از نقص نبوده بلکه هریک از آنها مزایا و نواقص خود را می داشته باشد و این شوری است که سبب می شود تا بعد از بحث و تبادل نظر، از میان همه نظریات، رأی دارای بیشترین مزیت و صواب و یا نزدیک به صواب، دریافت گردد.^۲

مطلب چهارم: فراهم ساختن رضایت و پذیرش همگانی:

شوری و مشورت باعث خشنودی مستشاران (اعضای شوری) و افراد جامعه گردیده و رضایت خاطر آنها را فراهم می سازد زیرا شوری و مشورت با امت و یا نمایندگان شان، در حقیقت ارج گذاشتن، اعتماد نمودن و اهمیت دادن به آراء و نظریات امت مسلمه بوده و باعث می گردد تا آنها خود را عضو جامعه و دولت اسلامی دانسته، دولت و حکومت را متعلق به خود بدانند و بدین ترتیب به تصامیم و برنامه های دولت که مبتنی بر شوری و رایزنی است، رضایت نشان دهند.^۳

به همین گونه، شوری و نظرخواهی زمینه پذیرش تصامیم، برنامه ها و احکام سلطانیه را در جامعه فراهم نموده و باعث می شود مردم بیشتر و بهتر و با رضایت خاطر، به قوانین و مقررات عمل نمایند. در میان گذاشتن مسائل و مشکلات با مردم - دست کم - این فایده را دارد که پس از اتخاذ تصمیم، موافقان می گویند: این رأی خود ماست؛ ماییم که تصمیم میگیریم و مخالفان می گویند: به هر حال

۱ الشوری فریضة إسلامیة ج ۱ ص ۱۲۳ - ۱۳۳.

۲ شوری در اسلام، ذبیح الله، ساعی، کابل: انتشارات سعید، ۱۳۸۹، ص ۳.

۳ اصول و اساسات نظام سیاسی از دیدگاه اسلام، شمس الدین، محمدی، ص ۱۷۹.

تصمیم گیری مستبدانه نیست، بلکه بسیاری از افراد جامعه با این قانون (تصمیم) موافقت و خواهند گفت ما نیز اگر چه مخالف آنیم، در عمل موافقت می کنیم تا جامعه دچار هرج و مرج نشود.^۱ قابل ذکر است که شوری و نظر خواهی حتی از مخالفان و در میان نهادن موضوعات متعلق به سرنوشت آنها با ایشان، سبب جلب رضایت و کاهش مخالفت آنها گردیده و حتی ممکن باعث شود از مخالفت دست برداشته و در قطار دوستان و حامیان قرار گیرند.^۲

مطلب پنجم : تأمین همکاری و مشارکت عمومی:

مشارکت و همکاری عمومی تأمین نمی گردد مگر به وسیله شوری و مشورت. زیرا شوری یگانه راه برای احقاق حقوق سیاسی امت مسلمه که همانا اشتراک در اتخاذ تصمیم و مسایل مربوط به دولت و شئون عمومی است، می باشد. از سوی دیگر، شوری باعث می شود تا مردم در تطبیق و تعمیم تصمیم، راهبرد ها و برنامه های مربوط به امور عمومی با دولت مساعدت و همکاری نمایند که این تشریک مساعی و همکاری در حقیقت، نتیجه اهمیت دادن و ارج گذاشتن دولت به آراء و نظریات مردم (امت) می باشد.^۳

مطلب ششم : جلوگیری از انحراف و استبداد:

انسان قدرت و توانایی با دلربایی و فریبندگی که دارد، بسا اوقات باعث می شود تا حکومت را به سوی استبداد و مطلقیت سوق داده و سبب آن گردد که رئیس دولت به جای اتباع از شریعت و تلاش برای گسترش عدالت، به پیروی از خواهشات نفسانی، ظلم و ستم پیشه نموده و از راه حق منحرف شود زیرا بی نیازی باعث عصیان و سرکشی شده {كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي} ^۴. ترجمه : قطعاً (اغلب) انسانها سرکشی و تمرد می آغازند .

که استبداد را بار می آورد ولی وجود شوری و نهادهای شوری از انحراف و استبداد جلوگیری و یا حد اقل از میزان آن می کاهد ^۵.

مطلب هفتم : رهایی از ملامتی و پشیمانی:

اتخاذ تصمیم بر اساس شوری و مشورت باعث می گردد تا مسئولیت میان رئیس دولت و اهل شوری (مردم و یا نمایندگان شان) تقسیم شده و در صورتی که نتایج مثبت را بار نیاورد و یا هم تصمیم اتخاذ شده نادرست باشد، ملامتی تنها متوجه یک شخص بالخصوص رئیس دولت نشده و کمتر

۱ حقوق و سیاست در قرآن کریم ص ۳۱۱.

۲ - اصول و اساسات نظام سیاسی از دیدگاه اسلام، ص ۱۷۹.

۳ شوری در اسلام، ص ۴.

۴ - سورة العلق: ۶.

۵ شوری در اسلام، ص ۵.

مسئولیت و ملامتی به وی راجع می شود زیرا او تصمیم خویش را پس از مشورت با اهل رأی اتخاذ نموده است، در حالیکه اگر رئیس دولت بدون مراجعه به شوری تصمیم اتخاذ نموده و نتیجه آن منفی باشد، مورد انتقاد و ملامتی مردم و امت اسلامی قرار می گیرد. همچنان شوری باعث می شود تا رئیس دولت از پشیمانی رهایی یافته و از عملکرد خویش نادم نشود چنانچه اگر رئیس دولت تصمیمی را بدون مشورت و رایزنی اتخاذ نموده و نتیجه مطلوب را بدست نیاورد، درینصورت پشیمان می شود که چرا مشورت نکردم و یا مشورت مردم و اهل رأی را نپذیرفتم؛ در حالیکه اتخاذ تصمیم براساس شوری و رایزنی از این ندامت جلوگیری می نماید^۱.

مطلب هشتم: ایجاد تحرك و شگوفایی استعداد ها:

شوری تحرك و فعالیت را در جامعه ایجاد و سرعت بخشیده و بدینترتیب باعث می شود تا استعداد ها شگوفا شود زیرا شوری این اعتقاد را برای افراد جامعه بوجود می آورد که آراء و نظریات آنها اهمیت داشته و به آن ارج گذاشته می شود. ایجاد این چنین باور و عقیده در جامعه، هرنوع بی میلی و انزوا طلبی را از بین برده و تحرك و جوش و خروش را در میان مردم ایجاد می کند. از آنجایی که این امر (دادن اجازه اظهار نظر و دخالت در شئون عمومی به مردم و بدینترتیب ایجاد تحرك در جامعه) باعث می گردد مردم و بالخصوص اهل شوری در پی آن شوند تا بهترین و منطقی ترین نظر را ارائه و تلاش نمایند راه ها و روش های مناسبی را برای حل معضلات و مسایل سیاسی، اجتماعی و... دریافت نمایند،^۲ میتوان گفت، شوری تأثیر مهمی در عرصه رشد و شگوفایی استعداد ها در جامعه داشته و به وسیله آن زمینه تبارز استعداد ها مساعد می گردد.

و بالأخره، شوری و نظر خواهی فرمان الهی، سنت نبوی و خلفای راشدین، صفت مؤمنین و اصلی از اصول اساسی دولت اسلامی بوده؛ اجراً و پابندی به آن، در حقیقت اطاعت و اجرای فرمان الهی، پیروی سنت نبوی و خلفای راشدین است که این پیروی و اطاعت، باعث رحمت و برکت شده و سعادت دنیوی و اخروی را نصیب مسلمین خواهد ساخت.^۳

مطلب نهم : نتایج عالی و درخشان :

به همه حال، شوری زمانی نتایج عالی و درخشان را ببار می آورد که به یک سلسله اوصاف و شرایط، متصف و مشروط باشد. برخی از این اوصاف و شرایط بطور خلاصه عبارت اند از:

۱ الشوری فی الشریعة الإسلامیة، ج ۱ ص ۲۵۶.

۲ اصول و اساسات نظام سیاسی از دیدگاه اسلام، ص ۱۸۰.

۳، شوری در اسلام، ص ۶.

الف: شوری با اهل آن صورت گیرد: برای اینکه نتایج شوری مفید و مثمر ثمر واقع شود، باید با اهل رأی و نظر مشورت صورت گرفته و از ایشان نظرخواهی شود. اهل شوری از نظر دین مقدس اسلام باید دارای اوصاف و شرایطی باشند که بعداً آنرا تذکر خواهیم داد. در این مبحث به همین حد اکتفاء می کنیم که: شوری باید با اهل آن و نباید با اشخاص و افراد نا اهل (جاهل، ظالم، حسود، مغرض، بخیل، جبون و...) صورت گیرد زیرا شوری با ایشان نه تنها نتایج مثبت را بار نمی آورد، بلکه نتایج منفی، مضر و زیان آور را به بار خواهد آورد.

ب: مساوات میان اهل شوری و آراء شان رعایت شود: رعایت مساوات میان اهل شوری و در نظرداشت تساوی میان آرای آنها باعث دلگرمی اهل شوری شده، اخوت و محبت را میان آنها بوجود آورده، کینه و بدبینی را از بین برده و بدینترتیب راه را برای رسیدن به نتیجه مطلوب (رأی صواب و یا قرین به صواب) هموار می سازد.

ج: شوری در موضوعی صورت گیرد که قابلیت شوری را داشته باشد: شوری در مواردی صورت گیرد که شوری در زمینه جواز داشته و حکم صریح و واضح شرعی در مورد وجود نداشته باشد (این موضوع را بعداً بطور مفصل تذکر خواهیم داد). در مواردیکه حکم شرع واضح باشد در آن موارد مشورت بکار نیست الا نحوه تطبیق آن در زمان تطبیق آن، مکان اش و در طریق آن^۱.

برای ثمر بخشی و مؤثریت هرچه بیشتر شوری، شروط دیگری همچون: دادن آزادی به اهل شوری در ظاهر ساختن رأی، اداره شوری به نحو درست، رعایت آداب و نزاکت های تدویر شوری و ... نیز از اهمیت خاصی برخوردار اند.

مبحث دوم : فواید اجتماعی شورای :

این مبحث دارای پنج مطالب میباشد :

مطلب اول : شناخت رأی و نظر صحیح از طریق شوری:

وقتی که سیستمی مانند انتخابات یا رأی گیری را نگاه می کنیم، می بینیم که در نظر اسلام نوعی گواهی و شهادت دادن به صلاحیت کاندیدای مورد نظر است به همین خاطر کسانی که رأی می دهند باید از «عدالت و حسن سلوک و سیره» برخوردار باشند، زیرا خداوند متعال می فرماید: {وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ} ۲.

۱ شوری در اسلام، ص ۷.

۲ الطلاق: ۲.

ترجمه: اهل عدالت را از میان خود به شهادت بگیرید.^۱

اما می توان با توجه به اوضاع و احوال در مورد شرائط و اوصاف عدالت زیاد سخت نگرفت، و به همه هموطنان - به غیر از کسانی که به خاطر اثبات جرم های مخل به شخصیت و کرامت انسان در دادگاه صالح محکوم شده باشند - مجال و فرصت انتخاب و شهادت داده شود. کسی که به آدم نا لایق و ناصالحی رأی می دهد، در واقع اقدام به شهادت دروغ و غیر واقعی نموده و قرآن آن را هم ردیف شرک قرار داده است و می فرماید:

{فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ}^۲.

ترجمه: از (پرستش) پلیدی ها یعنی بت ها دوری کنید، و از سخن دروغ و افتراء پرهیز نماید.^۳
به قول یوسف قرضاوی^۴: کسی که تنها به خاطر خویشاوندی - بدون برخورداری از اهلیت و صلاحیت - یا به خاطر منافع شخصی به کاندیدای رأی می دهد، بر خلاف فرمان خداوند عمل کرده است. زیرا خداوند متعال می فرماید: {و اقیموا الشهاده لله} «تنها به خاطر خدا گواهی بدهید»^۵.
سوالی پیدا می شود که رأی دهی یک حق است یا مکلفیت؟ چگونه باید از این حق استفاده کرد و اهمیت آن در چه است؟ پاسخ به این سوال ها ساده نیست و نظریات متفاوت در این باره وجود دارد. از لحاظ حقوقی هیچ حق بدون مکلفیت وجود ندارد یا به عبارت دیگر حق و مکلفیت لازم و ملزوم یکدیگر اند. از جانب دیگر، حقوق و مکلفیت های اتباع در قوانین پیش بینی و تسجیل می گردد اما در

^۱ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۱۱۲۴.

^۲ - سورة الحج: ۳۰.

^۳ ترجمه جدولی قرآن کریم، ص ۶۷۹.

^۴ دکتر یوسف عبدالله قرضاوی در سال ۱۹۲۶ در یکی از روستاهای حومه ی محله ی الکبرای استان غربی مصر، در خانواده ای متدین به دنیا آمد، دو سال بیشتر نداشت که پدرش از دنیا رفت و عمویش سرپرستی او را بر عهده گرفت. در سن پنج سالگی به منظور حفظ قرآن کریم به مکتب خانه اش فرستادند و در سن هفت سالگی برای تحصیلات جدید وارد دبستان شد. پیش از آن که به سن ده سالگی برسد حافظ کل قرآن کریم شد. وی در نوجوانی تحت تأثیر مکتب اخوان المسلمین و شخصیت های بارز آن قرار گرفت. بزرگترین شخصیتی که در زندگی فکری و روحی تحت تأثیر او قرار می گرفت، امام حسن البنا بود. وی در کنار همه ی این اشتغالات علمی و اداری، هیچ گاه از مسایل اجتماعی نیز بر کنار نبوده و از همان سنین نوجوانی که به دبستان می رفت، با قلب و اعصاب و عقل و زبان و نظم و نثر خویش در صحنه ی فعالیت های اجتماعی حضور داشت و با سرودن قصیده های شیوا و ایراد خطابه های مؤثر، دانشجویان را به تظاهرات بر علیه ستم دیکتاتوری تشویق می کرد. قرضاوی مسؤل انجمن دانشجویان نهضت اسلامی در دانشکده ی اصول دین و سایر دانشکده های دانشگاه الأزهر بود و در نبرد کانال سوئز بر علیه استعمار انگلیس در کادر فرماندهی اکیپهای دانشجویی الأزهر عضویت داشت. او در سال ۱۹۴۹ در روزگار حکومت فاروق زندانی شد. همچنین در دوران حکومت جمال عبدالناصر در سال های ۱۹۵۴ و ۱۹۶۲ به زندان رفت وقتی که در سال ۱۹۶۵ آزاد شد حکومت نظامی وقت او را از ارتباط گرفتن با مردم از طریق سخنرانی و تدریس ممنوع گردانید و ابزار دیگری به جز قلم برای او باقی نماند. ناگزیر افکار خود را در قالب سلسله مقالات و کتاب ها و رساله ها در اختیار مردم گذاشت. نخستین نوشته او، یک نمایشنامه ی منظوم به نام یوسف صدیق بود که به تقلید از نمایشنامه های لیلی و مجنون و کلئوپاترای احمد شوقی نگاشته، در آن هنگام دانش آموز اول متوسطه بود. دکتر قرضاوی را همه ی مردم به عنوان خطیب، نویسنده و دانشمند می شناسند اما کمتر کسی او را به عنوان شاعر می شناسد در حالی که وی زندگی را از نوجوانی با شعر آغاز کرده و در بین دوستان و همدوره هایش به عنوان قرضاوی شاعر معروف است. ولی او اینک شاعری و شعر را ترک گفته و یکسره به نویسندگی در موضوعات گوناگون اسلامی روی آورده است. (شبکه انترنت)

عمل ما با مواردی بر می خوریم که در قوانین حق بدون آن که مکلفیت تثبیت شود، پیش بینی گردیده است که این حالت به ابهام موضوع می افزاید. اینکه حق رأی تنها حق است و یا اینکه مکلفیت هم در بر دارد سوالیست که نمی توان به آن پاسخ کامل و مطلق داد و پاسخ به آن در کشورهای مختلف متفاوت می باشد.

در اکثر کشورهای جهان، رأی دهی یک حق است که تمام اتباع کشور از آن بر خوردار بوده و در استفاده از این حق آزاد می باشند. ولی در تعداد بسیار کم از کشورهای جهان، بطور مثال آسترلیا و بلجیم رأی نه تنها یک حق بلکه یک مکلفیت هم می باشد. اما در افغانستان رأی دادن تنها حق است و یا مکلفیت، بالای چگونگی استفاده از این حق توسط رأی دهنده گان و اهمیت تأثیر مستقیم دارد^۱. به قول فخر الدین الرازی : پیامبر(صلی الله علیه وسلم) با وجود اینکه از نظر عقلی کامل ترین انسان بود، ولی علوم مخلوقات لایتناهی نست، وبعید هم نیست که بخاطر یک انسان از ابعاد وجوانب مصالح چیزی خطور کند که به ذهن پیامبر نیامده است، که بخصوص در کار های دنیا که خود پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمودند «شما به کار های دنیوی خود آگاه ترید و من به مسایل اخروی شما» در نتیجه تبادل آرا مختلف و غربال شدن نظرات پیرامون یک قضیه ای بخصوص، رای ونظر صحیح و درست بدست می آید^۲.

به قول دکتور عبدالکریم زیدان: مشوره راهی است برای شناختن رای صواب، چون هر یک از اعضای شوری رای خود را ابراز نموده دلایل آنرا میگویند وتوجه دیگران را به مفاد آن معطوف میکنند، ودر امتداد این آرا ومقارنه میان آنها ومناقشه آن، غالباً راهی صواب آشکار می گردد^۳.

همچنین از طریق مشاوره است که بدون تلاش وكوشش زیاد از مهارت دیگران و تجارب که طی سالهای طولانی وبا صرف مال و وقت فراوان کسب نموده اند استفاده میشود ؛ از طریق مشاوره است که ولی امر مسلمانان از اقدام در مسایل که به ضرر امت اسلامی است و شخص او متوجه آن ضرر نمی باشد وبعد از وقوع ضرر راهی برای اصلاح وجود ندارد ونیت نیک اوضر را بر طرف نمی کند، در امان می ماند^۴.

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «ما ندم من استشار ولاخاب من استخار» کسی که مشوره کند پشیمان نخواهد شد وكسی که استخاره کند خوار نخواهد گردید^۵.

۱ انتخابات ودولتداری، عبدالصبور، رحمانی، کابل: کمیسیون مستقل انتخابات، افغانستان، ۱۳۸۷، ص ۳۵.

۲ مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری (المتوفی: ۶۰۶هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت الطبعة: الثالثة - ۱۴۲۰ هـ ج ۹ ص ۴۰۵ - ۴۰۶.

۳ أصول الدعوة الدكتور عبد الکریم زیدان ج ۱ ص ۲۴۱.

۴ شورا و آثار اجتماعی آن، ص ۹۴.

۵الروض الدانی (المعجم الصغیر) المؤلف: سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ۳۶۰هـ)

المحقق: محمد شکور محمود الحاج أمير الناشر: المكتب الإسلامي، دار عمار - بیروت، عمان الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ - ج ۲ ص ۱۷۵.

در نظام دموکراسی هر شهروند مرد باشد یا زن، عالم باشد یا جاهل، متقی و پرهیز گار باشد و یا فاجیر و فاسیق و صالح باشد یا فاسد حق دارد در انتخابات شرکت نموده و به هر که بخواهد رای بدهد و در این امر همه اقشار جامعه حق مساوی دارند، این نظام به اساس نظریه حکومت مردمی پیریزی شده یعنی این حق مردم است که بر دولت حاکم باشند و یا به هر که خواستند رای دهند و هر شخصی در این نظام حق دارد در حکومت شریک باشد و فرقی نمی کند عالم باشد یا جاهل صالح باشد یا فاسد، مرد باشد یا زن و یا هر که می خواهد باشد مهم اینکه در حکومت در حق رای همه مساوی و برابر اند و اگر امروز گروهی از مسلمانان نظریه مساوات به عالم و جاهل و صالح و فاسد را رد کنند آیا نظام دموکراسی رای آنها را می پذیرد؟ طبعاً نخیر! زیرا این عمل آنها مخالف با اصول و اساسات دموکراسی قلمداد می گردد بر این اساس در نظام دموکراسی هر فردی حق دارد هر چه می خواهد بگوید و هر چه می خواهد تعبیر کند بدون هیچ ضوابط و حدودی، زیرا در این نظام کسی حق ندارد به دیگری بگوید که آنچه تو می گوی و ادعا می کنی باطل است، زیرا معیاری برای تشخیص حق و باطل وجود ندارد. از این جاست که بطلان عقاید کسانیکه معتقد به نظریه دموکراسی اسلامی و یا اجرای برخی از نظرات آن در جوامع اسلامی اند، هویدا می گردد. زیرا بدون اعتقاد به اساسات و اصول دموکراسی که بطلان آن از دیدگاه اسلام ثابت میشود، اجرای بعضی از قوانین آن در جوامع اسلامی وهم و خیال است و کسانیکه این شعار را در کشور های اسلامی سر میدهند یا فریب خورده اند و یا می خواهند ملت خود را فریب دهند.^۱

رای دهنده باید بداند کسی که خودش را باری احرار پست و مقام کاندیدا میکند، در حقیقت مدعی است که گویی وی نسبت به دیگران برای بدست آوردن چوکی مورد نظر مستحق تراست و رای دهنده که برای او رای میدهد، در واقع به این ادعای وی مهر تأیید میگذارد و شهادت میدهد که او واقعاً سزوار است و شایستگی احرار آن مقام را دارد.

در اینجا اگر کاندیدا و انتخاب شونده شخص لایق و مسلمان باشد، رای دهنده باریختن رای خود به صندوق وی در حقیقت شهادت صادقانه داده و مسئولیت خویش را به نوح احسن ادا کرده است و اگر خدای ناخواسته کاندیدا فرد خوب و صالح نباشد، رای دهنده با رای دادن به وی در واقع شهادت دروغ داده است؛ چیزیکه از نظر اسلام مردود است و مسئولیت اخروی دارد، و قرآن کریم این گونه گواهی را، گواهی زور خوانده و مبادرت به آن را حرام قطعی دانسته است.^۲

مطلب دوم: بوجود آمدن اطمینان قلبی:

۱ دموکراسی اسلامی حقیقت یا خیال، کابل: ابوسعید، انصاری، انتشارات مستقبل، افغانستان، ۱۳۸۸، ص ۱۹ - ۲۲.
۲ انتخابات پارلمانی و پارلمان آینده افغانستان، سیدناصر، تقدسی، کابل: انتشارات رسالت، ۱۳۸۴، ص ۳۳ - ۳۴.

هیچ انسانی نمیتواند ادعا کند که تصمیم گیری های او عواقب بد و نتایج ناگواری در پی نخواهد داشت، به همین خاطر شخص که به تنهای تصمیم میگیرد، تا وقتی ظاهر شدنی نتیجه تصمیم گیری های خود مضطرب است و می ترست که اگر نتیجه مطلوب بدست نیاید، هدف ملامت دیگران قرار میگیرد. اما در صورتی که کارها را با مشوره سر و سامان داده باشد، به این دلیل که تمام سعی و تلاش انسانی خود را نموده است و در پاسخ دهی به عواقب ناگوار تنها نست، با قلب مطمئن منتظر نتایج می ماند و اگر احیاناً نتیجه مطلوب بدست نیامد، کسی او را ملامت کرده نمی تواند.

به قول ابویعلی المودودی^۱ : کسی که از خدا میترسد و احساس بازخواست آخرت در او وجود دارد، سعی می کند تمام افراد که در مسئله با او شریک اند و یا نماینده گان مورد اعتماد شان را در رای دهی و مشوره دادن شریک نماید تا بتواند در حد امکان تصمیم درست و عادلانه اتخاذ نماید و در آن صورت اگر ندانسته اشتباهی رخ دهد مسئولیت آن به عهده یک نفر نداشت.^۲

به قول محمد بن جریر : نزدیک ترین اقوال به صواب این است که گفته شود: خداوند عزوجل نبی خود را امر به مشوره میدارد تا بایاران خود به مشوره بی پردازد و این امر سبب تألف آنها گردد و دشمنان خود را بهتر بشناسند زیرا تا آن وقت بصیرت کامل در مورد اسلام دست نداده بود و از فتنه شیطان در امن دیده نمی شدند و ری هم رفته درس باشد برای امت او در باقی امور که بعد از وی رخ میدهد تا در همه مشکلات و پیش آمدها، از رسول الله صلی الله علیه و سلم پیروی کنند و همان طوریکه در حیات رسول خدا صلی الله علیه و سلم با هم مشوره می نمودند از مشوره پیروی کنند و میدانند که رسول الله صلی الله علیه و سلم با وجود آنکه از وحی والهام مستفید بودند به مشوره می پرداختند لذا ضروری است تا امت ایشان برای راه یابی و وصول به صواب به مشوره بی پردازند نه آنکه هوا و هوس خود را قدر نهند در این صورت خداوند جل جلاله آنها را برای درک حقایق مؤفق می گرداند که (حسن) نیز همین نظر را پذیرفته اند که مشوره برای آن بوده تا سنتی باشد برای آینده گان.^۳

اسلام انسان مسلمان را به صورتی تربیت و توجیه می نماید که، در امور مهمی که در آن آراء و نظرات و دیدگاههای متفاوتی وجود دارد و میان اقدام و عدم اقدام تردید داشته باشد، برای دستیابی به درست ترین تصمیم در دو جهت به مشوره بپردازد:

^۱ ابو الاعلی المودودی در سال ۱۹۰۳ در ۲۵ دسامبر در قاره هند دیده به جهان گشود از جمله علماء معاصر به حساب می رود وی از جمله استادان داکتر ذاکر نایک محسوب میگردد، وی یکی از علماء برجسته مقارینه الدیان سماوی بود، در هند پاکستان و امریکاء زندگی نموده بود، تالیفات وی اکثراً به زبان آورد میباشد. سر انجام وی در سال ۱۳۹۹، ۲۲ دسامبر وفات نمود (ابوالاعلی المودودی فکرة ودعوتہ ص ۶. ۲ خلافت و ملوکیت ابو الاعلی المودودی، ص ۳۴۲. ۳ جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۷، ص ۳۴۰.

اول جهت خدای: به وسیله استخاره با خداوند متعال. بدین ترتیب که پس از خواندن دو رکعت نماز در دعای از خداوند می خواهد که او را به آنچه خیر دین و دنیا و معاش و معادش در آن قرار دارد، راهنمای فرماید.

دوم جهت بشری: که عبارت از مشورت با کسانی که به آگاهی و تخصص و دلسوزی و صداقت آنها اطمینان داشته باشد. بدین صورت است که مشورت با خالق و مخلوق محقق می گردد. یکی از نکات آثار فکری ماندگار مسلمانان این است که: هر کس که استخاره کند نا امید نمی شود و هر کسی که مشورت می نماید پشیمان نمی گردد.^۱

مطلب سوم: جلوگیری از استبداد و خود رأیی:

حب رأی یکی از امراض درونی انسانها است، و اگر قواعدی برای مهار کردن آن در نظر گرفته نشود، غالباً به استبداد رأی منتهی می گردد؛ وقتی یک نفر رأی خود را نسبت به آراء دیگران بهتر بداند، و از تقوای قوی برخوردار نباشد، سعی می کند به هر وسیله بی ممکن رأی خود را به اجرا در آورد. چون تقوا مسأله قلبی است و انسانها وسیله بی در دست ندارند که بتوانند در قلب کسی نفوذ کرده میزان تقوای او را بسنجند، و این هم درست نیست که در کارهای جمعی اصل را بر حسن ظن گذاشته سر نوشت جمعی به دست یک نفر سپرده شود تا طبق دلخواه خود در مورد آنها تصمیم گیری کند، بناءً شوری بهترین وسیله بی است که جمع را از متضرر شدن از استبداد یک نفر ضمانت می کند. که مشکلات عظیمی از این ناحیه گریبان گیر امت اسلامی شده است و فرصت های بزرگی را امت اسلامی به خاطر خودکامه گی انسانهای مستبد از دست داده است و خونهای پاک که به خاطر خود رأیی و استبداد انسانهای فرصت طلب به زمین ریخته است! جهان اسلام شاهد صحنه های وحشتناکی از این پدیده شوم است که امت اسلامی را از کاخ عزت به کوخ ذلت نشانده است. اگر شوری به معنای واقعی کلمه اجرا شود، برای هیچ مستبدي فرصت خود خواهی و خود رأیی میسر نمی گردد. دوکتور زیدان می نویسد: اصل مشوره امت را متوجه می سازد که سلطه اصلی به دست او است و رئیس دولت را متوجه می کند که از طرف امت وکیل شده تا فیصله های آن را به اجرا در آورد، و این چیز انسان را از طغیان و سرکشی که از صفات اوست باز می دارد.^۲

سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم حکام و فرمانروایان ستمکار را به شدت مورد تهاجم قرار داده است. ستمکارانی که با بهره گیری از قدرت و قلدری مردم را سرکوب می نمایند، آنها را که هر گاه چیزی را بگویند کسی را یارای انتقاد از آنان نیست، ستمکارانی که روزی به سان پروانه های ناتوان دسته دسته در ظلمات ظلم خود گرفتار می گردند.

۱ دورنمای جامعه اسلامی، یوسف، قرضاوی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۵، ص ۲۰۲ - ۲۰۳.
۲ شورا و آثار اجتماعی آن، ص ۹۶ - ۹۷.

همچنین آن‌های را که در رکاب طواغیت به راه می‌افتند، و برای آنان اسپند دود می‌کنند را نیز مورد نفرین و سرزنش قرار داده است. و مردمی را که آنچنان هراس در میان آنان گسترش یافته، که جرأت آن را ندارند در برابر ستمکار لب به سخن بگشایند، مورد سرزنش قرار می‌دهد.^۱

ما به این حقیقت معتقدیم آنانی که خلاف حق رو آورده‌اند، برای همیشه فرمانروا نیستند در یکی از آیات مبارکه سوره هود مطلبی را به این مفهوم می‌خوانیم «آنانی در آنچه نعمت داده شده بودند ستم کردند در حالیکه ایشان در این رویه خود گنهکار بودند خداوند آنها را در برابر این کفران نعمت مورد عذاب قرار داد باید بدانید که پروردگار تو قریه‌ها و مجامع را که در آن مصلحین باشند و مردم را به صلح بخوانند به ظلم هلاک نمی‌کند.» ولی باید دانست آنانی که تحت عنوان نماینده گان دروغین، دین خود و حقوق مردم را در برابر متاع دنیا گذاشتند و حق مردم را در راه فسق و فجور بکار انداختند بدانند که خداوند می‌فرماید: «و چون خواهیم که هلاک گردانیم قریه (و مردمی) را امر می‌کنیم بطاعت نیاز و نعمت سیرشدگانرا پس نافرمانی می‌کنند در آن پس ثابت می‌شود برای حکم پس هلاک می‌گردانیم آنرا هلاک گردانی، این بود مطالبی که توجه شما را به آن معطوف می‌داشتیم تا در وقت رأی دهی رأی دهنده گان مسئولیت خود را در برابر کسانی که می‌خواهند به آنها رأی دهند متوجه باشند.^۲

مطلب چهارم: توضیح مسئولیت بر عهده همه افراد:

کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد؛ زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد، و اگر احیاناً مواجه باشکست گردد، زبان اعتراض و ملامت و شماتت مردم براو بسته است، زیرا کسی به نتیجه کار خودش اعتراض نمی‌کند، نه تنها اعتراض نخواهد کرد بلکه دلسوزی و غمخواری نیز می‌کند.^۳

مطلب پنجم: پیوند قلبها و اخوت میان مسلمانان:

وقتی مردم ببینند که مسئولین امور، مسایل مربوط به آنها را با مشوره خودشان سرو سامان می‌دهند، نسبت به رهبران خود حسن ظن پیدا کرده و محبت آنها در دل شان عمیق تر می‌گردد، و همچنان آن عده از اعضای شوری که فیصله یا تصمیم نهائی بر خلاف رأی شان صورت گرفته، هر چند ممکن است در جریان شوری با قوت بر آراء خود اصرار نمایند، بعد از ختم شوری احساس راحتی می‌

۱ فقه سیاسی، یوسف قرضاوی، ص ۱۷۱.

۲ شورا و انتخابات از دیدگاه اسلام، عبدالاحد، عشرتی، ص ۹ - ۱۰.

۳ الشوری فی الشریعة الإسلامیة، ج ۱ ص ۲۵۶.

کنند، و برادران خود را دوست می دارند، بر عکس وقتی ببینند یک فرد مستبد زمام کارهای شان را به دست گرفته و آنچه لازم بداند عملی می کند، و اعتنای به رأی و نظر آنها ندارد، کینه او را در دل می گیرند و همین کینه سر سلسله انحرافات چون (غیبت، تجسس، تهمت، توطئه و...) می گردد که غالباً تمدن ها را سراسییبی سوق داده است.

ابن کثیر می نویسد: پیامبر صلی الله علیه وسلم در کارها با اصحاب خود مشوره می کرد تا قلبهای شان خوشحال شده، نشاط و تحرک شان زیاد تر گردد. یکی از علل عمده گسترش سریع اسلام در مکه و سپس در مدینه و اطراف آن، و انسجام صف اسلامی اول، همین روحیه شوری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین بود به همین خداوند متعال در سوره آل عمران، بعد از بیان چند صفت ذاتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم که باعث ایجاد محبت میان او و یارانش و انسجام صف مسلمانان گردیده به پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور می دهد که با آنها مشوره کن.^۱

خلاصه بحث

یکی از زیر بناهای ریشه دار، متین و استوار کاخ زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و اخلاقی امت اسلام و جود شوری، ضرورت به شوری، بر گزاری شوری، درک ارزشهای شوری و نتیجه گیری مثبت و مطلوب از شوری است.

شوری، مشاوره و مشوره از نگاه باب لغت از مصادر فعل "شاور" و به معنای اخذ، استخراج، عرضه داشتن، کنکاش، گفتگو، بحث و مذاکره جمعی بوده و هم نام نشست و مجلس نماینده گان ملت می باشد که به منظور گفت و شنید در باره امور مملکت داری و پایه گذاری قوانین دولتی تشکیل می گردد.

۱ شورا و آثار اجتماعی آن، ص ۹۸ - ۹۹.

و در اصطلاح: در یافتن و دانستن رأی و نظر اهل خبره است که وسیله آن به حل مسایل مهم ملی از طریق نزدیکی رسیدگی می شود. همانسان که دین اسلام، دین وسط است و امت اسلام را امت وسط می خوانند، و روی آوردها و نظر به ارزشهای معنوی و فراگیرش بر گزیده ترین ادیان سماوی معرفی شده. بناءً در برابر همبستگی و زندگی باهمی ایشان، دساتیر و اساساتی را وضع کرده که وسیله آنها از حدود و ثغور اتحاد، یگانگی و حیات اجتماعی شان عاملانه پاسبانی می کند که از آنجمله همین طرح شوری، تفاهم و مشوره است.

شوری حق است و حقیقت دارد، خداوند متعال برای پیامبرش صلی الله علیه وسلم می فرماید: { وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ } یعنی و با یارانش مشوره کن. پیامبر صلی الله علیه وسلم در تمام امورات کاری شان، و در همه روشهای حکومتداری شان از اصحاب مشوره می گرفتند، و در تمام غزوات با یارانش شوری می کردند، هم از خورد سالان و بزرگان و هم از زنها مشوره اخذ می کردند. مبدأ شوری از مهم ترین ساختارهای نظام حکم در اسلام بوده که قرآن و سنت بر آن تأکید می ورزند و هم چنان فقهاء بر آن اتفاق نظر دارند، شوری حق امت و وجیبه خلیفه است و کوتاهی خلیفه در این مورد باعث عزل او می شود.

اولین شوری که بعد از رحلت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صورت گرفت، مسأله انتخاب و جانشین آن حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بود، که اصحاب بزرگوار شان در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و ابوبکر رضی الله تعالی عنه را به خلافت انتخاب نمودند و بعد از آن واقعه در تمام دوران خلافت راشده که سی سال را در بر گرفت خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم) در تمام امور با مسلمانان مشوره می کردند که ذیلاً به مواردی از آن اشاره می شود:

امام بخاری می گوید: ائمه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم با علمای امین، در امور مباح مشوره می کردند تا آسان ترین آن را انتخاب نمایند، اما وقتی حکم مسأله از کتاب و سنت واضح می گردید به غیر این دو اعتنایی نمی نمودند و در این کار به رسول الله صلی الله علیه وسلم اقتدا می کردند.

بییهی به سند صحیح از میمون بن مهران روایت کرده که ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه وقتی با مسأله مواجه می شد اول آن را در کتاب خدا می دید و اگر می بود مطابق آن فیصله می کرد، اگر نمی بود در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیدا کرده به اساس آن موضوع را حل می کرد و اگر در آنجا هم پیدا نمی شد از بزرگان اصحاب می پرسید که در این مورد از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی شنویده اید، باز هم اگر کسی جواب نمی داد، از مردم مشوره می گرفت. و همچنان حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در امورات کاری شان از کتاب خدا و سنت پیامبرش

پیروی کرده و از مردم مشوره می خواست، حضرت عثمان غنی رضی الله عنه تمام کارهایش روی شوری استوار بود، حضرت علی کرم الله وجهه نیز مردم را از مشوره دور نمی ساخت.

روی هم رفته نیز در زمان خلفای راشدین انتخابات و رأی گیری شکل شفاف و راستین را به خود داشت، شوری از حل و عقد گرفته می شد، از مردمان پرهیز گار و متقی، عدالت پیشه و امانت دار شوری اخذ می شد و ملت یک شخص عادل و اجتماعی را حاکم خود انتخاب می کردند شخصی که به مردم دلسوز و مهربان باشد، برای مردم خدمت کند و از دین و معتقدات شان پاسبانی کند و از سر زمین شان دفاع کند و مردم اش مشوره طلب بکند، انتخاب میکردند.

شوری حق مهاجرین و انصار می باشد، هر گاه آنها در انتخاب فردی باهم توافق نمودند و او را امام خواندند، این امر مورد رضا و خشنودی خدا است.

اما با گذشت زمان و شکل گیری های روشهای غربی ملت های مسلمان با انتخابات های نمایشی، رأی گیری های ساخته گی و شوری های افرادی رو برو شدند. و زیر دست حاکم های مستبد، ظالم و خود سر قرار گرفتند، خون های مردم ری زانده شد، خانه و مال مردم به تاراج برده شد، شخصیت ها و حقوق مردم زیر پا شد و در یک تاریکی که خلاصی از آن مشکل است کشانده شدند.

فکر می کنم که از زمانه های بسیار دور و فراموش شده تا اکنون از احیای حقوق خود طوریکه اسلام اقتضاء می کند و حقوق بشر می خواهد چیزی نداشته ایم که برای تسلی هم دیگر بشماریم و این همه از آن است که ما از دساتیر دینی خود فاصله گرفته ایم و این خود فراموشی بین حیات امروزی و جهان پر افتخار دیروزی ماست که گودال عمیقی را به میان آورده است تا دسته اسلام حقوق دیگران را نا دیده انگارند، اما آنچه ثابت بوده اینست که جهان انسانیت از طغیان مادیت و مفاسد آن به ستوه آمده اند. و ما عقیده داریم که مفاسد نمی تواند برای جوامع انسانی دستور زندگی باشد.

پس از این همه فلاکت باری ها در کشورهای اسلامی روش حکومت مردم سالاری بوجود آمد. و شیوه انتخابات عمومیت یافت و مردم همه خود را در پروسه انتخابت سهیم ساختند، طرز حکومت جمهوری را به میان آوردند.

انتخابات ریاست جمهوری به منظور احراز مقام ریاست جمهوری افغانستان در هر پنج سال یک مرتبه راه اندازی می گردد. مطابق به احکام قانون اساسی و قانون انتخابات، هر افغانی که واجد شرایط شناخته شود، خود را کاندید ریاست جمهوری کرده می تواند. یک کاندید باید بیش از پنجاه فیصد آرای قانونی را کسب نماید تا برنده محسوب گردد. هر گاه چنین واقع نشود، پس دو کاندید که بیشترین آراء را بدست آورده اند در دور دوم انتخابات اشتراک می نمایند. در انتخابات ریاست جمهوری تمام کشور یک حوزی می باشد.

پس از سالهای بحرانی و بی ثباتی در افغانستان، مردم فرصت می یابند، تا انتخابات شوری ملی شان را در ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۴ هـ ش با وجود همه کمی ها و کاستی های که در آن محتمل است به عنوان نخستین تجربه مردم سالاری بر گزار نمودند، واقعاً یک گام رو به پیش است اما نشانه ها و علایمی وجود دارد که شاید این روند مهم تاریخی و سر نوشت ساز، در اثر دخالت برخی از نهاد ها و حلقه ها، و در نتیجه سطح پائین سواد و فرهنگ مردم، به انحراف کشانده شود و آرزوهای بلند مردم از این فرایند در پیش رو، همچنان تحقق نیافته بماند.

جلوگیری از انحراف مسیر انتخابات و به همین ترتیب بر گزاری منصفانه آن، مستلزم یک سلسله آگاهی های است که باید در پیوند به اهمیت شوری ملی، وظایف و صلاحیت های آن و ... برای مردم پیشکش گردد.

و همچنان در ولایت ها نیز انتخابات ها بر گزار می گردد. که تحت نام شوری ولایتی همه مردم اشتراک می کنند و وکیل منتخب خود رأی می دهند و انتخاب می کنند انتخابات شوریهایی ولایتی در هر چهار سال یک مرتبه بر گزار می گردد.

اما قابل ذکر است که چه کسانی اهلیت شوری را دارا هستند. از سنت و سیرت عملی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) چنین دانسته می شود که بر اساس شرایط و اوضاع به یکی از روش ذیل عمل می نمودند، گاهی با تمام مسلمانان مشوره می کردند، زمانی با مسلمانانی که موضوع به آنها ارتباط می گرفت و احیاناً با نماینده گان مردم مشوره می کردند و هر سه طریقه سنت پیامبر است. بناً می توان گفت که اهل شوری نسبت به شرایط و اوضاع و قضیه که قرار است مورد بحث و کنکاش قرار گیرد به سه دسته تقسیم می شوند:

الف- تمام مسلمانان: در مواردی که موضوع به همه مسلمانان یک منطقه مربوط شود و امکان گرفتن رأی همه گان موجود باشد و موضوع هم تخصصی نباشد، تمام مسلمانان می توانند به عنوان اعضای شوری به ابراز رأی بپردازند.

ب- افرادی که موضوع به آنها مربوط است: در صورتی که یک موضوع به مجموعی از مسلمانان مربوط باشد، لزومی ندارد که افراد بیرون از آن مجموعه به شوری خواسته شوند.

ج- اهل شوری یا اهل حل و عقد: در صورتی اجتماع مسلمانان و یا تمام افرادی که موضوع به آنها مربوط است ممکن نباشد، و یا موضوع اختصاصی باشد، با ید نماینده های با صلاحیت مردم و یا متخصصان در موضوع به شوری دعوت شوند.

در اینجا تذکر این نکته لازم است که منظور از اهل شوری که قرار است شرایط انتخاب شان گفته شود، شوری در قانون گذاری است، که اعضای آن مجموعه یی محدود از بین مسلمانان اند و به نام (اهل شوری و یا اهل حل و عقد) شناخته می شوند، ولی در قضایای فنی و اختصاصی لازم نیست

که بزرگان قوم و یا همه مسلمانان ابراز نظر کنند، بلکه در این قضایا کافی که رأی و نظر متخصصان گرفته شود و در مسایلی که بیشتر عمومیت دارد انتخاب رئیس حکومت و اعلان جنگ و غیره باید رأی همه مردم گرفته شود و به بر اساس رأی اکثریت فیصله به عمل آید.

در باره صفات اهل شوری و شرایط انتخاب اهل حل و عقد دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است و تقسیم بندی علمای نیز در این مورد متفاوت است؛ در این جا به برخی از شرایط بر جسته اهل شوری اشاره می شود:

۱- ایمان

۲- فقاہت (دانش دینی)

۳- عدالت و دیانت

۴- عاقل و بالغ بودن

۵- باخبری از عرف عام

۶- مورد اعتماد مسلمانان بودن

۷- حریت و آزادی

یکی از واقعیت های موجود در جوامع انسانی منقسم بودن افراد آن به دو جنس (زن و مرد)، اگر موضوع را بسیار پیچیده نسازیم هیچ دلیلی وجود ندارد که زنان در مسایل مربوط به خود مشوره داده نتوانند و یا به عضویت مجلس شوری در نیایند، البته با در نظر داشت تمامی شرایط که اسلام وضع کرده است، تا آوردن زنان به مجلس شوری باعث فتنه و فساد نشوند و شکل نمایشی را به خود نگیرند. بنابر این حکم شوری را در پیش گرفته، برای خود لازم بدانیم و آن را وجیبه خود قرار دهیم. زیرا شوری یک امر مستحب نیست، بلکه بالای مردم واجب است. و رأی خود را خود را برای شخصی بدهیم که، آدم لایق، کار دان و عدالت پیشه و شخصی با دیانت باشد. نه آدم دین فروش، وطن فروش شخصی که شخصیت انسانی خود را حفظ کرده نتوانند.

پس شما مسئول هستید رأی (امانت) خود را برای اهل امانت و اهل شوری بدهید. مبدا نژاد، ملیت، قوم، زبان و سمت را در نظر گرفته برای کسی رأی بدهید، که در حق خود ظلم کرده با شید. بناءً مسلمانان با قانون های ساخته دست بشر و روشهای غربی فریب نخورند، هر که خود را نزد آنان خوب جلوه بدهید، آنان دوست شما نمی شوند. چنانچه خداوند متعال می فرماید:

{وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ} البقرة: ۱۲۰

«و هر گیز خوشنود نمی شوند از تو یهود و نه نصاری تا آنکه پیروی کنی دین ایشان را.»
قبول دموکراسی به عنوان نظام حکومت داری یعنی رد نظام و شریعت اسلامی، زیرا خداوند تبارک و تعالی از ما تحکیم شریعت الهی را بدون چون و چرا در همه امور زندگی می خواهد و نظام

دموکراسی با آن مخالف است. زیرا در دین مبین اسلام حکم و سیادت و قانون گذاری فقط برای خداوند متعال می باشد و انسانها مکلف اند در همه امور خود از اعتقادات و عبادات گرفته تا معاملات و عادات و تصورات از احکام الهی پیروی کنند و در مواضع متعددی در قرآن کریم به این رساله اشاره شده است.

چون برای مسلمانان یگانه راه نجات از این پیچ و خم ها شوری و مشوره است. که اخوت، صمیمیت و برادری در بین مسلمانها به وجود می آورد، و قلبهای شان را برای صلح و همبستگی به سخن می آورد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین ، و صلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.

پیشنهادات

ازاینکه شوری یک اصل ثابت شرعی برای ساختار نظام سیاسی در اسلام است . و حتی جهان امروز اعم از همه جوامع غیراسلامی ازین حقیقت الهام گرفته اند و توانسته اند ثبات روند نظام سیاسی را درکشور های خویش تحقق بخشند.

پس میخواهم پیرامون کاربردی این اصل بخاطر ساختار نظام اسلامی وانسجام قدرت امت

پیشنهادات چندی داشته باشم :

- ۱- شوری منحیث یک اصل تشکیل دهنده نظام اسلامی در جامعه مان پذیرفته شود.
- ۲- عمل به فیصله های شوری اسلامی (حل و عقد) در ساختار نظام اسلامی الزامی گردد.

۳- مسلمانان بر خود لازم گردانند تا در امور متعلق به مصالح عامه از تدویر شوری و فیصله ی آن سرپیچی نکنند.

۴- اگر این اصل در جامعه ی اسلامی تقبیق شود پیامدهای سازنده ی با خود خواهد داشت و متضمن ایجاد نظام با قدرت و توانای خواهد بود.

والسلام

نتیجه گیری

از آنچه گفته آمدیم به نتیجه میرسیم که :

۱. در نظام اسلام بعد از احکام صریح الله جل جلاله شوری به عنوان دومین اصل مرعی الاجراء شناخته می شود، و هیچ کس به هیچ بهانه یی حق ندارد در کاری که نفع و ضرر آن متوجه یک جماعت است بدون مشوره با آنها تصمیم گیری کند. چرا که انسان به هر اندازه از علم و تقوا که برسد، باز هم

نمی تواند خود را دایره محدودیت خارج کند و یا از دنباله روی خواهشات در
امان بداند، به همین

خاطر پروردگار متعال امر کرده است تا مسلمانان کارهای جمعی خود را با
مشوره همدیگر سر و سامان دهند و حتا به برتری بنده خود دستور می هد
که: {وشاورهم فی الامر} (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

۲. شوری نوعی از اجتهاد بود کسانیکه از دیدگاه مقرات اسلامی از اهل
شوری پنداشته شده اند

شخصیت های اند که در فهم قرآن کریم دارای صلاحیت بوده و از
استقامت و پیروی از احکام خداوندی حصه وافر دارند ولی کسانیکه در فهم کتاب
خداوند سبحانه و تعالی وارد نبوده و ناتوان اند و از فهم قرآن کریم حصه وافر ندارد
از جمله کسانی پنداشته نمی شوند که در شوری سهمی داشته باشند.

۳. دیدگاه اسلامی درمورد انتخابات را روشنای دو منبع یعنی قرآن و سنت
پیامبر بزرگوار اسلام مورد بررسی قرار دادیم که در صدر اسلامی وبعد از رحلت رسول
الله صلی الله علیه و سام صحابه کرام درباره بیعت مردم، انتخاب رهبر، خلیفه و
جانشین پیامبر صلی الله علیه وسلم ، با اصل شوری عمل نموده.

۴. تعبیر انتخابات در زبان فارسی از نظر فقه اللغه از ریشه عربی فعل ((نخب))
به معنای برگزیدن، اختیار کردن، دست چین کردن و ... است نیز این اصطلاح
تغییر و تحولات معنایی وسیعی پیدا کرده است ولی در کاربرد رایج و عام آن به
معنای روش یا شیوه ای است برای برگزاردن یا دست چین کردن تعداد معینی
از افراد از میان شماره کثیری از کسانی که برای تصدی یک منصب یا مقام خود را
نامزد (کاندید) کرده اند.

۵. بعد از پژوهش دقیق در قرآن، سنت و سیرت بزرگان اسلام، معلوم گشت که
شوری یک اصل اتکارناپذیر اسلام است. و ما پانزده قرن قبل از امروز شوری و مشورت
رابه جای استبداد رای و نظر به رسمیت شناخته بودیم که قرن ها نظام ها برزگی
چون خلافت اسلامی در اندلس و ترکیه ی عثمانی را رهبری نمودیم.

۶. امروز باید تمامی نظام های استبدادی و خود کامه بخصوص نظام استبدادی کشور های عرب به روش شوری رو آورده و ازاین بیشتر حال مردم شان را نگیرند.
۷. شوری در اسلام به معنی بسیج خرد جمعیت برای مدیریت امور مهم زندگی در تمام عرصه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی.

فهرست آیت ها

| شماره | آیه | سوره | صفحه |
|-------|---|----------|------|
| ۱ | إِنَّ السَّادِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ.... | الانفال | ۸۲ |
| ۲ | إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا .. | النساء | ۷۹ |
| ۳ | إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ.... | الحجرات | ۷۳ |
| ۴ | فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ.... | النساء | ۳۴ |
| ۵ | فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآوِهْنَ أَجُوزَهُنَّ.... | الطلاق | ۱۹ |
| ۶ | فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا بِهِمْ.... | آل عمران | ۲ |
| ۷ | قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ..... | الزمر | ۷۹ |

| | | | |
|----|----------|---|----|
| ١٨ | النمل | قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي..... | ٨ |
| ٨٧ | المايدة | قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ.. | ٩ |
| ٦٤ | الانفال | لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.... | ١٠ |
| ١٧ | القصص | وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى..... | ١١ |
| ١٦ | البقرة | وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً..... | ١٢ |
| ١٨ | طه | وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي..... | ١٣ |
| ٧٣ | النساء | وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا..... | ١٤ |
| ١٨ | البقرة | وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَ..... | ١٥ |
| ٢ | الشورى | وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ.... | ١٦ |
| ٣٠ | النساء | وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا.... | ١٧ |
| ٧٣ | آل عمران | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا... | ١٨ |
| ٨١ | النساء | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ... | ١٩ |

فهرست احاديث

| شماره | حديث | مرجع | صفحه |
|-------|--|---|------|
| ١ | اِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارَكُمْ | مشكاة المصابيح | ٢٦ |
| ٢ | ما ندم من استشار ولاخاب من استخار | المعجم الصغير | ١٠٦ |
| ٣ | إِنَّ اللَّهَ أَمَكَّنَكُمْ مِنْهُمْ مَا تَقُولُونَ فِي هَؤُلَاءِ الْأَسْرَى | السيرة النبوية لاين كثير | ٣٨ |
| ٤ | (الدين النصيحة) | | ٧٧ |
| ٦ | لَوْ اجْتَمَعْتُمْ فِي مَشُورَةٍ مَا خَالَفْتُمْ... | غاية المقصد في زوائد المسند | ٥٧ |
| ٧ | مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ | المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم | ٨٨ |
| ٨ | مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ بَيْنَهُمْ إِلَّا هَدَاهُمُ اللَّهُ.. | فتح الباري شرح صحيح البخارى | ٥٦ |
| ٩ | مَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يُبَايِعُ هُوَ وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ.. | الجامع الصحيح المختصر | ٢٥ |
| ١٠ | ما رأيت أحداً قط كان أكثر مشورة لأصحابه من رسول الله صلى الله عليه وسلم | شرح مُسْنَد الشَّافِعِيِّ | ٢٥ |
| ١١ | مَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يُبَايِعُ هُوَ وَلَا ..الَّذِي بَايَعَهُ | شرح صحيح البخارى لابن بطلال | ٥٥ |
| ١٢ | ما رآه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن. | موطأ الإمام مالك | ٦٩ |

فهرست اعلام

| شماره | اسماء | صفحه |
|-------|---|------|
| ۱ | ابراهيم بن ياسين | ۵۱ |
| ۲ | أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير | ۲۱ |
| ۳ | ابوعبدالله محمد بن احمد قرطبي اندلسي | ۵۵ |
| ۴ | ابوالاعلی المودودي | ۱۰۴ |
| ۵ | اسماعيل حقی | ۶۶ |
| ۶ | جارالله الزمخشري | ۸۹ |
| ۷ | خطيب، عبدالکريم محمود، | ۵۷ |
| ۸ | دکتر علی محمد صلابی | ۳۲ |
| ۹ | دکتر يوسف عبدالله قرضاوی | ۱۰۰ |
| ۱۰ | محمد طاهر بن محمد بن محمد طاهر بن عاشور | ۱۸ |
| ۱۱ | محمد بن جریر طبری، | ۹۰ |
| ۱۲ | محمد متولی الشعراوی | ۴۵ |
| ۱۳ | محمدسید طنطاوی | ۱۱ |
| ۱۴ | محمدعلی صابونی | ۴۷ |

منابع و مأخذ

١. قرآن كريم
٢. أبو القاسم، عبد الرحمن بن محمد بن إسحاق، ابن منده العبدى الأصبهاني، أبو القاسم (المتوفى: ٤٧٠هـ) المستخرج من كتب الناس للتذكرة والمستطرف من أحوال الرجال للمعرفة المحقق: د. عامر حسن صبرى التميمي الناشر: وزارة العدل والشئون الإسلامية البحرين إدارة الشئون الدينية
٣. الأندلسي، أبو الربيع سليمان بن موسى الكلاعي الأندلسي، الاكتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله والثلاثة الخلفاء، دار النشر / عالم الكتب - بيروت - ١٤١٧هـ الطبعة: الأولى .
٤. أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد الواقدي كتاب المغازي للواقدي (المتوفى: ٢٠٧هـ) المحقق: مارسدن جونس الناشر: بيروت-عالم الكتب .
٥. الأصبحي مالك بن أنس أبو عبدالله الأصبحي موطأ الإمام مالك الناشر: دار القلم - دمشق الطبعة: الأولى ١٤١٣ هـ - ١٩٩١ م تحقيق: د. تقى الدين الندوى أستاذ الحديث الشريف بجامعة الإمارات العربية المتحدة.
٦. الأصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: ٤٣٠هـ) المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم المحقق: محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م.
٧. الأندلسي، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: ٧٤٥هـ) البحر المحيط في التفسير، المحقق: صدقي محمد جميل؛ دار الفكر - بيروت الطبعة: ١٤٢٠هـ .
٨. انصاري، ابوسعيد، انصاري، دموكراسي اسلامي حقيقت ياخيال، كابل: انتشارات مستقبل، افغانستان، ١٣٨٨.
٩. الألباني، محمد ناصر الدين الألباني، صحيح وضعيف سنن الترمذي (المتوفى: ١٤٢٠هـ) مصدر الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية تحقيق الألباني: ضعيف، الإرواء.
١٠. الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني مختصر صحيح الإمام البخاري، (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م .
١١. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، الجامع الصحيح المختصر الناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت الطبعة الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧ تحقيق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق.
١٢. البستي، أبو سليمان حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي المعروف بالخطابي (المتوفى: ٣٨٨هـ) معالم السنن، وهو شرح سنن أبي داود، الناشر: المطبعة العلمية - حلب الطبعة: الأولى ١٣٥١ هـ - ١٩٣٢ م.

١٣. البصرى، أبو الحسن على بن محمد بن حبيب الماوردى البصرى ، تفسير الماوردى دارالنشر: بيروت لبنان، ١٤٠٢.
١٤. البيهقى، أبو بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى، السنن الكبرى وفى ذيله الجوهر النقى
١٥. البيهقى، سنن البيهقى، المحقق: الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة فى الهند ببلدة حيدر آباد الطبعة: الطبعة: الأولى - ١٣٤٤
١٦. البغدادي، أبو الحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادي، الشهير بالماوردى (المتوفى: ٤٥٠هـ) الأحكام السلطانية الناشر: دار الحديث - القاهرة.
١٧. پاكرأى، مير محمد شريف، پاكرأى، تحليل علمى - فلسفى رویدادهای عصر پیامبر اسلام، كابل: انتشارات افغانستان،
١٨. ٧٩٩هـ تبصرة الحكام فى أصول الأفضية ومناهج الأحكام الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية الطبعة: الأولى، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م .
١٩. التونسى ، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسى (المتوفى : ١٣٩٣هـ) التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد» الناشر: الدار التونسية للنشر - تونس سنة النشر: ١٩٨٤ هـ
٢٠. التَّسْوَلِي، على بن عبد السلام بن على، أبو الحسن التَّسْوَلِي (المتوفى: ١٢٥٨هـ) البهجة فى شرح التحفة ((شرح تحفة الحكام المحقق: ضبطه وصححه: محمد عبد القادر شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م.
٢١. تقدسى ، سيدناصر، تقدسى، انتخابات پارلمانى وپارلمان آينده افغانستان، كابل: انتشارات رسالت، ١٣٨٤.
٢٢. جار الله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: ٥٣٨هـ) الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧.
٢٣. الجعفى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (صحيح البخارى) ، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ
٢٤. جمعى از نویسندگان، تفسير انوار القرآن. ترجمه: عبدالرووف مخلص، تهران: نشر شيخ الاسلام احمد جام، ١٣٨٨.
٢٥. حقى بروسوى، اسماعيل؛ تفسير روح البيان؛ دارالفكر، بيروت،
٢٦. حبيب، القاموس الفقهي لغة واصطلاح الدكتور سعدى أبو حبيب القاموس الفقهي لغة واصطلاح الناشر: دار الفكر. دمشق - سورية الطبعة: الثانية ١٤٠٨ هـ الموافق ١٩٨٨ م تصوير: ١٩٩٣ م

٢٧. حقاني عبدالباقي، حقاني، السياسة و الادارة ، مترجم: مولانا محمد مهدي حقاني، پشاور: مكتبة الحقانية العلوم السياسة الشرعية، ١٣٩٢ هـ - ٢٠١٣
٢٨. الحسيني، محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة القلموني الحسيني (المتوفى: ١٣٥٤هـ) الخلافة المحقق: بدون الناشر: الزهراء للاعلام العربي - مصر / القاهرة.
٢٩. الحلبي، أحمد بن محمد بن محمد، أبو الوليد، لسان الدين ابن الشَّحْنَة الثقفى الحلبي الحلبي (المتوفى: ٨٨٢هـ) لسان الحكام في معرفة الأحكام، الناشر: البابي الحلبي - القاهرة الطبعة: الثانية، ١٣٩٣ - .
٣٠. الحنفى أبو الحسن، علاء الدين، علي بن خليل الطرابلسي الحنفى، معين الحكام فيما يتردد بين الخصمين من الأحكام المتوفى: ٨٤٤هـ الناشر: دار الفكر.
٣١. خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشيعي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: ٧٤١هـ) لباب التأويل في معاني التنزيل المحقق: تصحيح محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ .
٣٢. خرم دل، مصطفى، خرم دل، تفسير نور ، تهران: نشر احسان، چاپ دهم، ١٣٩٣،
٣٣. خلاف، عبد الوهاب خلاف (المتوفى: ١٣٧٥هـ) السياسة الشرعية في الشئون الدستورية والخارجية الناشر: دار القلم الطبعة: ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م .
٣٤. الخطيب، عبد الكريم يونس الخطيب (المتوفى: بعد ١٣٩٠هـ) التفسير القرآني للقرآن الناشر: دار الفكر العربي - القاهرة
٣٥. الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ) تفسير القرآن العظيم المحقق: سامي بن محمد سلامة ؛ دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة: الثانية ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩ م .
٣٦. دهخدا ، علي اكبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا طبع : مؤسسه انتشارت و چاپ دانشگاه تهران،
٣٧. دريني، فتحي، دريني، خصائص الشريعة الاسلامي في السياسة و الحكم، طبع بيروت: دارالعودة، ٢٠٠٥ .
٣٨. الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى : ٧٧٤هـ) تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، دارالطيبة للنشر والتوزيع، ١٩٩٩-١٤٢٠ م.
٣٩. الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: ٦٠٦ هـ) مفاتيح الغيب = التفسير الكبير ؛ دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ .
٤٠. رحمانى، عبدالصبور، رحمانى، انتخابات ودولتدارى، كابل: كميسیون مستقل انتخابات، افغانستان، ١٣٨٧ .

٤١. الرستمي، الشيخ ابي زكريا عبدالسلام، الرستمي، تفسير احسن الكلام. مترجم: صادق، پشاور: نشر فريديه، ٢٠٠٩.
٤٢. الرستمي، الشيخ ابي زكريا عبدالسلام، الرستمي، تفسير احسن الكلام. مترجم: صادق، پشاور: نشر فريديه، ٢٠٠٩.
٤٣. الزحيلي، د وهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج؛ دار الفكر المعاصر - دمشق الطبعة: الثانية، ١٤١٨ هـ.
٤٤. الزحيلي، د. وهبة الزحيلي، أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة، ألفه الإسلام وأدلتها الشاملة للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقيق الأحاديث النبوية وتخريجها أ. الناشر: دار الفكر - سورية - دمشق.
٤٥. زيدان، عبد الكريم زيدان، أصول الدعوة الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: التاسعة ١٤٢١هـ-٢٠٠١ م.
٤٦. ساعي، ذبيح الله، ساعي، شورى در اسلام، كابل: انتشارات سعيد، ١٣٨٩.
٤٧. السعدى، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدى (المتوفى: ١٣٧٦ هـ) تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق؛ مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م..
٤٨. السباعي، مصطفى بن حسنى السباعي (المتوفى: ١٣٨٤ هـ) السيرة النبوية - دروس وعبره الناشر: المكتب الإسلامي الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ - ١٩٩٨
٤٩. لسجستاني، سنن أبي داود أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: ٢٧٥ هـ) سنن أبي داود المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بللى الناشر: دار الرسالة العالمية الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
٥٠. سيف، عبدالرب الرسول، سيف، دين ودولت، كابل: نشرية تنظيم دعوت اسلامي، چاپ سوم، ١٣٨٠.
٥١. السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، تاريخ الخلفاء دراسة وتحقيق: حمدى الدمرداش الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز الطبعة الأولى: ١٤٢٥ هـ-٢٠٠٤ م.
٥٢. السرخسى، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسى (المتوفى: ٤٨٣ هـ) شرح السير الكبير الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات الطبعة: بدون طبعة تاريخ النشر: ١٩٧١ م.
٥٣. السديري، توفيق بن عبد العزيز السديري الإسلام والدستور الناشر: وكالة المطبوعات والبحث العلمي وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ.
٥٤. السهيلي، أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد السهيلي (المتوفى: ٥٨١ هـ) الروض الأنف في شرح السيرة النبوية لابن هشام المحقق: عمر عبد السلام السلامي الناشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ/ ٢٠٠٠ م.
٥٥. الشامى، محمد بن يوسف الصالحى الشامى.

١ سبيل الهدى والرشاد، في سيرة خير العباد، وذكر فضائله وأعلام نبوته وأفعاله وأحواله في المبدأ والمعاد دارالاحياء والتراث العربى، بيروت، ١٤٢٢هـش.

٥٦. الشاربي، سيد قطب إبراهيم حسين الشاربي (المتوفى: ١٣٨٥ هـ) في ظلال القرآن؛ دار الشروق - بيروت - القاهرة الطبعة: السابعة عشر - ١٤١٢ هـ
٥٧. الشافعى، عبد الرحمن بن نصر بن عبد الله، أبو النجيب، جلال الدين العدوى الشيزرى الشافعى (المتوفى: نحو ٥٩٠هـ) المنهج المسلوك في سياسة الملوك المحقق: على عبد الله الموسى الناشر: مكتبة المنار - الزرقاء.
٥٨. الشوكانى، اليمنى، محمد بن على بن محمد بن عبد الله الشوكانى اليمنى (المتوفى: ١٢٥٠هـ) فتح القدير؛ دار ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق، بيروت الطبعة: الأولى - ١٤١٤ هـ
٥٩. الشعراوى، محمد متولى الشعراوى (المتوفى: ١٤١٨ هـ) تفسير الشعراوى - الخواطر.
٦٠. لشوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبد الله الشوكانى اليمنى (المتوفى: ١٢٥٠هـ) نيل الأوطار تحقيق: عصام الدين الصباطى الناشر: دار الحديث، مصر الطبعة: الأولى، ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م
٦١. الشافعى، محمد بن عمر بحرق الحضرمى الشافعى، داق الأنوار ومطالع الأسرار في سيرة النبي المختار دار النشر / دار الحاوى - بيروت - ١٩٩٨م الطبعة: الأولى تحقيق: محمد غسان نصوح عزقول.
٦٢. الصابونى، محمد على الصابونى، صفوة التفاسير؛ دار الصابونى للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
٦٣. الصلّابى، الدكتور على محمد الصلّابى عصر الخلفاء الراشدين، أبوبكر الصديق رضى الله عنه شخصيته وعصره دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١م.
٦٤. الطبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمى الشامى، أبو القاسم الطبرانى (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: محمد شكور محمود الحاج أمرير، الروض الدانى (المعجم الصغير) الناشر: المكتب الإسلامى، دار عمار - بيروت، عمان الطبعة: الأولى، ١٤٠٥.
٦٥. الطبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى، أبو جعفر الطبرى (المتوفى: ٣١٠هـ) جامع البيان في تأويل القرآن المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: مؤسسه الرسالة الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
٦٦. طنطاوى، محمد سيد طنطاوى، التفسير الوسيط، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة طبع الاولى، ١٩٩٧.
٦٧. الطبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانى المعجم الكبير - الطبرانى الناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل الطبعة الثانية، ١٤٠٤ - ١٩٨٣ تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى.

٦٨. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) مكارم الأخلاق للطبراني (مطبوع مع مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا كتب هوامشه: أحمد شمس الدين الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩ م.
٦٩. عبد المجيد، عبد الحميد (الثاني) بن عبد المجيد (الأول) (المتوفى: ١٣٣٦هـ) مذكراتي السياسية (السلطان عبد الحميد الثاني) الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الخامسة، ١٤٠٦ .
٧٠. عبد الباري، عبد المجيد الشيخ عبد الباري، الروايات التفسيرية في فتح الباري، رسالة دكتوراه.. الناشر: وقف السلام الخيري الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٦ م .
٧١. عثمانى: حضرت علامه شبير احمد عثمانى، تفسير كابل، ترجمه وتفسير مولانا محمود حسن ديوبندي، مكتبة الحقانية، بشاور باكستان، ١٣٨٩.
٧٢. عزت، دروزه محمد عزت التفسير الحديث الناشر: دار إحياء الكتب العربية - القاهرة الطبعة: ١٣٨٣ هـ
٧٣. عبد الغنى، محمد أحمد عبد الغنى، العدالة الاجتماعية في ضوء الفكر الإسلامي المعاصر اطروحة أعدت لنيل درجة الدكتوراه في الدراسات الإسلامية ١٤٢٤هـ / ٢٠٠٤م.
٧٤. العسقلاني، احمد بن علي بن حجر ابو الفضل العسقلاني الشافعي . فتح الباري بشرح صحيح البخاري. النشر دار المرفعه. بيروت ١٣٧٩ .
٧٥. عشرتي، عبدالاحد، عشرتي، شورا و انتخابات از دیدگاه اسلام، كابل: انتشارات الازهر، ١٣٨٧.
٧٦. قرضاوى، يوسف، قرضاوى، فقه سياسي، تهران: نشر احسان، ١٣٧٩.
٧٧. عودة، عبد القادر عودة (المتوفى: ١٣٧٣هـ) الإسلام وأوضاعنا السياسية الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان عام النشر: ١٤٠١ هـ - ١٩٨١ م.
٧٨. عودة، عبد القادر عودة (المتوفى: ١٣٧٣هـ) المال والحكم في الإسلام، الناشر: المختار الإسلامي للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة الطبعة: الخامسة، ١٣٩٧ هـ - ١٩٧٧ م.
٧٩. عودة، عبد القادر عودة، التشريع الجنائي الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعي الناشر: دار الكاتب العربي، بيروت.
٨٠. القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ٤٧١هـ) الجامع لأحكام القرآن تفسير القرطبي تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م .
٨١. القزويني، عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: ٤٢٣هـ) شرح مسند الشافعي المحقق: أبو بكر وائل محمد بكر زهران الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية إدارة الشؤون الإسلامية، قطر الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
٨٢. القطان تيسير التفسير، (تفسير القطان) إبراهيم القطان (المتوفى: ١٤٠٤ هـ)
٨٣. الفيومي، أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي الناشر: المكتبة العلمية - بيروت.

٨٤. الكتاني، محمد عَبْدُ الْحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسنى الإدريسي، المعروف بعبد الحى الكتانى (المتوفى: ١٣٨٢هـ) الترايب الإدارية والعمالات والصناعات والمتاجر والحالة العلمية التى كانت على عهد تأسيس المدينة الإسلامية فى المدينة المنورة العلمية المحقق: عبد الله الخالدى الناشر: دار الأرقم - بيروت .

٨٥. المحلى، جلال الدين محمد بن أحمد المحلى (المتوفى: ٨٦٤هـ) وجلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (المتوفى: ٩١١هـ) تفسير الجلالين الناشر: دار الحديث - القاهرة.

٨٦. المحاربى ، أبو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن ابن تمام بن عطية المحاربى ، المحرر الوجيز

٨٧. معين، محمد معين، فرهنگ فارسى معين، طبع تهران: نشر چاپخانه حيدرى، ١٣٨٧، ص ١٤٦٩.

٨٨. مخلص، عبدالرووف، مخلص، تفسير انوارالقرآن، كابل: نشر خيبر،

٨٩. المظهري، محمد ثناء الله، التفسير المظهري المحقق: غلام نبى التونسى ؛ مكتبة الرشدية - الباكستان الطبعة: ١٤١٢هـ .

٩٠. المودودى، ابوالاعلى، المودودى، خلافت و ملوكيت، كابل: انتشارات ميوند، ١٣٩٠.

٩١. معتصم، امين الله، معتصم، شورى و آثار اجتماعى آن، كابل: انتشارات اصلاح افكار، ١٣٨٨.

٩٢. محمدى، شمس الدين، محمدى، اصول و اساسات نظام سياسى از دیدگاه اسلام، كابل: انتشارات تمدن شرق، ١٣٩٤.

٩٣. المباركفورى، صفى الرحمن المباركفورى، الرحيق المختوم . مكتبةالحقانية، پشاور، ١٣٩٣.

٩٤. المغامسى، أبو هاشم صالح بن عوَّاد بن صالح المغامسى ، التعليق على الدرّة المضيئة فى السيرة النبوية للمقدسى .

٩٥. المغامسى، أبو هاشم صالح بن عوَّاد بن صالح المغامسى ، الأيام النضرة فى السيرة العطرة .

٩٦. المهدي، القاضى حسين بن محمد المهدي ، الشورى فى الشريعة الإسلامية تقديم: د. عبدالعزيز ، أحمد بن محمد المهدي .

٩٧. المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

٩٨. النجار، محمد الطيب النجار ، القول المبين فى سيرة سيد المرسلين الناشر : دار الندوة الجديدة بيروت - لبنان .

٩٩. النسائى ،ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على الخراسانى النسائى المتوفى ٣٠٣ هـ السنن الكبرى النسائى، الناشر موسسه الرساله: بيروت .

١٠٠ . النيسابورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابورى (المتوفى: ٢٦١هـ) المسند

الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل الى رسول الله صلى الله عليه وسلم المحقق:

محمد فواد عبد الباقي، الناشر: دارالاحياء التراث العربى - بيروت، ١٤١٩.

١٠١. هروى: عبدالرحيم فروز هروى، رحمت البارى، ترجمه مختصر صحيح البخارى، دارالكتب العلميه، بروت لبنان، ١٩٧١
١٠٢. هروى، به ترجمه دوكتور ابوادريس عبد الله خاموش هروى، ترجمه جدولى قرآن كريم به زبان فارسى طبع غراس . ٢٦ ربيع الاول ١٤٣٤ كويت .
١٠٣. الهيتمى، : للحافظ على بن أبى بكر بن سليمان الهيتمى باب فى فضل ابى بكر الصديق، غايه المقصد فى زوائد المسند. دار النشر : دار الكتب العلميه - بيروت / لبنان .
١٠٤. الهندي، محمد حميد الله الحيدر آبادى الهندي (المتوفى: ١٤٢٤هـ) مجموعه الوثائق السياسيه للعهد النبوى والخلافه الراشده الناشر: دار النفائس - بيروت الطبعة: السادسة .

خلاصة البحث

إن الحمد لله، ونستعينه، ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

قال تعالى: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُونُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ " (آل عمران، آية: ١٠٢).

وقال تعالى: " يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا " (النساء، آية: ١).

وقال تعالى: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَفُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا " (الأحزاب، الآية: ٧٠ - ٧١).

يا رب، لك الحمد كما ينبغي لجلال وجهك، وعظيم سلطانك، لك الحمد حتى ترضى، ولك الحمد إذا رضيت، ولك الحمد بعد الرضا.

أما بعد:

فان الباحث قام " صفى الله زاير " تقديم دراسة للآيات القرآنية الكريمة التي تحدثت عن الشورى، ومع الحوار تطورت فكرة البحث حتى شملت الممارسة التاريخية لقيمة الشورى في القرآن و السنه، وأبعادها الفكرية، فكان هذا الكتاب. إن الشورى قيمة إنسانية مارستها الجماعات والقبائل والشعوب والأمم على مر تاريخها الطويل،

إن الإسلام أضاف لها بعداً تعبدياً وجعلها من القيم الإنسانية الرفيعة، ومن المقاصد الكبرى لهذا الدين، ورتب على العمل بها ثواباً، وعلى تركها عقاباً.

والشورى كانت مع بداية خلق الإنسان، قال تعالى: {وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ } (البقرة، الآية: ٣٠ - ٣٢).

وهذه المحاور تنطوي على نوع من المشاورة، اريد بها أن تكون في بدء الخليقة لتكون هدياً ملازماً لبني آدم منذ الخلق الأول، وليكون كالأستشارة للملائكة وتكريماً لهم فيكون تعليماً في قالب تكريم وليسن الإستشارة في الأمور (١)، فالشورى هي أول سنة اجتماعية سنّها الله لخلقها ولعباده ليقتدوا بها ويهتدوا بهداها. في هذا الكتاب يجد القارئ الكريم دراسة موضوعية للآيات المتعلقة بالشورى.

تعريف الشورى:

الشورى: لغة

الشورى هي الأمر الذي يُتشار فيه، قال الراغب: التشاور والمشاورة والمشورة: استخراج الرأي بمراجعة البعض إلى البعض من قولهم: شرت العسل إذا اتخذته من موضعه واستخرجته منه، وشرت العسل وأشرتته: أخرجته .

الشورى: اصطلاحاً

طلب الرأي من أهله، وإجالة النظر فيه، وصولاً إلى الرأي الموافق للصواب.

وقد عرفها الباحثون بتعاريف عدة ومنها: الشورى: تعني تقليب الآراء المختلفة ووجهات النظر المطروحة في قضية من القضايا واختبارها من أصحاب العقول والأفهام حتى يتوصل إلى الصواب منها أو إلى أ صوبها وأحسنها ليعمل به لكي تتحقق أحسن النتائج.

الشورى: هي تبادل الآراء في أمر من الأمور لمعرفة أ صوبها وأصلحها لأجل اعتماده والعمل به.

وعرفت الشورى بأنها: استنباط المرء رأياً فيما يعرض له من الأمور والمشكلات، وهذا التعريف يدخل فيه التشاور في كل ما يعرض من المشاكل بين الأسرة، كما في حق فطام الطفل الرضيع إذ يقول الله تعالى: {فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا} ، ويستفاد من النص ضرورة التشاور.

أهمية الشورى:

تعتبر الشورى أصلاً من الأصول الأولى للنظام السياسي الإسلامي، بل امتدّت لتشمل كل أمور المسلمين؛ وتأسيساً على ذلك فإن الدولة الإسلامية تكون قد سبقت النظم الديمقراطية الحديثة في

ضرورة موافقة الجماعة على اختيار مَنْ يقوم بولاية أمورها ورعاية مصالحها وتدبير شؤونها؛ ممَّا يؤكِّد قيمة وفاعلية الإجماع عند المسلمين.

نظام الشورى الإسلامي، مفخرة الإسلام و واحد من أعظم إسهامات الديانة الإسلامية في رقي الحضارة الإنسانية. ظهور هذا النظام في حقبة زمنية طغى فيها طابع السلطوية و الديكتاتورية على أنظمة الحكم في العالم، سواء في بلاد الفرس أو الروم أو المغرب و الهند و الصين و بقية أرجاء المعمور، دليل على عظمة ما جاء به الإسلام و على تفوق الحضارة الإسلامية في مجال من أهم مجالات الحياة البشرية.

هذا النظام كسر مع النظم السلطوية و الديكتاتورية التي لا تعرف لإحترام الإرادة الشعبية معنى و رد للشعب إعتباره و منحه حريته و حقوقه التي سلبت منه في عهد الجاهلية و زمن أنظمة الحكم الإستبدادية. النظام هذا ساوى ما بين المواطنين و لم يفرق بين القيادة و البقية. الكل فيه أصبحوا سواسية. المواطن العادي لا يحس بنقص إتجاه القادة. و هؤلاء يعاملون البقية معاملة الند للند و ليس معاملة السيد للعيد.

لكن، و مع كامل الأسف، هذا التحرر و هاته المساواة لم يدوما طويلا.

أهل الشورى:

إن لجوء الخليفة إلى استشارة أهل السابقة من كبار الصحابة العلماء في فقه الأحكام و مصادر الشرع، و استجابتهم بإخلاص النصح له، يؤكِّد أن أهل الشورى لهم مواصفات خاصة تميزهم فالذين يستشارون هم أهل الفقه و الفهم و الورع و الدراية الواعون لدورهم، إنهم بعبارة أدق الذين لا إمعية في آرائهم، و من دأبهم توطين أنفسهم على قول الحق و فعله غير خائفين في ذلك لومة لائم من حاكم أو غيره.

اهتمام القرآن بالشورى:

لقد ذكر الله - تعالى - الشورى في موضعين من كتابه العزيز، لكل موضع منهما دلالة القوية على وجوب هذا المبدأ الهام من مبادئ الإسلام، أمَّا الموضع الأوَّل من هذين الموضعين، فهو قول الله - تعالى - مخاطبًا رسوله - صلى الله عليه وسلم -: { فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ } [آل عمران: ١٥٩].

وهذه الآية تدلُّ دلالة قويّة على وجوب الشورى، من جهة أنّها نزلت عقب هزيمة المسلمين يوم أحد، وفي ظروف يتّضح منها أنّ رأي من أشار على النبيّ - صلى الله عليه وسلّم - لم يكن صوابًا، ومع ذلك فقد أنزل الله - سبحانه وتعالى - أمره بالعفو عنهم ومشاورتهم، وهذا يؤيد عناية الإسلام بالشورى.

وأما الموضع الثّاني، فهو قول الله - تعالى - : { فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَاءَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ * وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ } [الشورى: ٣٦-٣٨]، والذي يتأمّل في هذه الآية المباركة، وينظر في تركيبها - يجد أنّ الله قد ذكر الشورى - كصفة من صفات عباده - بين ركنين أساسيين من أركان الإسلام، هما: الصلّاة، والزكاة، وهذا يدلُّ على أهميّة الشورى، وأنها واجبة التنفيذ مثل الصلّاة والزكاة.

دعوة الرسول إلى الشورى:

لقد دعا رسول الله - صلى الله عليه وسلّم - إلى الأخذ بمبدأ الشورى في كلّ أمرٍ لم ينزل فيه وحي من الله، ولم يمض فيه سنّة من رسول الله - صلى الله عليه وسلّم .

وهذه بعض الأحاديث الواردة عنه - صلى الله عليه وسلّم - في ذلك:

١- عن أبي هريرة- رضي الله عنه - قال: "ما رأيتُ أحدًا قطُّ كان أكثرَ مشورةً لأصحابه من رسول الله- صلى الله عليه وسلّم"؛ رواه الشافعي.

٢- وعن علي بن أبي طالب- رضي الله عنه - قال: سئل رسول الله- صلى الله عليه وسلّم - عن العزم، قال: ((مشاورة أهل الرأي، ثم اتّباعهم))؛ رواه ابن مردويه.

٣- وعن أبي هريرة- رضي الله عنه - عن النبيّ - صلى الله عليه وسلّم - قال: ((المستشار مؤتمن))؛ رواه أبو داود والترمذي.

٤- وعن جابر- رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلّم -: ((إذا استشار أحدكم أخاه، فليُشر عليه))؛ رواه ابن ماجه.

تطبيق الرسول للشورى:

كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قدوةً حسنةً في تطبيق هذا المبدأ، وإلزام نفسه به، ولقد اشتملت سنته العملية على صور رائعة لمشاورة الرسول لأصحابه، وإليك- أيها القارئ الكريم- عرضاً لبعض تلك المواقف، التي استشار الرسول فيها أصحابه، وألزم نفسه فيها بمبدأ الشورى:

١- مشاورة الرسول لأصحابه في غزوة بدر الكبرى:

وذلك حين خرج الرسول ومعه أصحابه لأعتراض قافلة تجارية لقريش؛ بهدف الاستيلاء عليها، فما أن علمت قريش بهذا النبأ، حتى أرسلت بجيش كبير مجهز بأحدث معدّات عصره، وهنا أراد الرسول أن يختبر مدى استعداد جنوده، فلم يجد لذلك أنجح من الشورى، فطلبها منهم، يروي ابن هشام في "سيرته": "أن الرسول - صلى الله عليه وسلم - استشار الناس، وأخبرهم عن قريش، فقام أبو بكر فقال وأحسن، ثم قام عمر فقال وأحسن، ثم قام المقداد بن عمرو فقال: "يا رسول الله، امض لما أراك الله، فنحن معك، والله ما نقول لك كما قالت بنو إسرائيل لموسى: اذهب أنت وربك فقاتلا، إنا ها هنا قاعدون، لكن: اذهب أنت وربك فقاتلا، إنا معكما مقاتلون، فوالذي بعثك بالحق، لو سرت بنا إلى برك الغماد، لجالدنا معك من دونه حتى تبلغه"، فقال له رسول الله خيراً ثم دعا له.

ثم قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: "أشيروا علي أيها الناس"، وإنما يريد الأنصار؛ وذلك لأنهم عدد الناس، وأنهم حين بايعوه بالعقبة قالوا: يا رسول الله، إنا براء من ذمامك حتى تصل إلى ديارنا، فإذا وصلت إلينا فأنت في ذمتنا، نمنعك مما نمنع منه أبناءنا ونساءنا، فكان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يتخوف ألا تكون الأنصار ترى عليها نصره إلا ممن دهمه بالمدينة من عدوه، وأن ليس عليهم أن يسير بهم إلى عدو من بلادهم، فلما قال ذلك رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال له سعد بن معاذ: والله، لكأنك تريدنا يا رسول الله، قال: "أجل" قال: "قد أمتنا بك وصدقتناك، وشهدنا أن ما جئت به هو الحق، وأعطيناك على ذلك عهدنا ومواثيقنا على السمع والطاعة، فامض يا رسول الله- لما أردت فنحن معك، فوالذي بعثك بالحق، لو استعرضت بنا هذا البحر فخضته لخضناه معك، ما تخلف منا رجل واحد، وما نكره أن تلقى عدونا بنا غداً، إنا لصبر في الحرب، صدق في اللقاء، لعل الله يريك منا ما تقر به عينك، فسر على بركة الله، فسر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بقول سعد ونشطه ذلك، ثم قال: "سيروا وأبشروا، فإن الله قد وعدني إحدى الطائفتين، والله، لكأنني الآن أنظر إلى مصارع القوم".

ويروي ابن إسحاق: أنه في نفس تلك الغزوة نزل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بجيشه في أدنى ماء من بدر، فسأله صحابيٌ جليل هو الحباب بن المنذر بن الجموح، فقال: يا رسول الله، أرايت هذا المنزل: أمزلاً أنزلَكَ الله، ليس لنا أن نتقدمه أو نتأخر عنه، أم هو الرأي والحرب والمكيدة؟ قال: "بل هو الرأي والحرب والمكيدة"، فقال: يا رسول الله، فإن هذا ليس بمنزل، فانهض بالناس حتى نأتي أدنى ماء من القوم، فننزله ثم نغور ما وراءه من القلب، ثم نبني عليه حوضاً فنملؤه ماء، ثم نقاتل القوم، فنشرب ولا يشربون، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: فسار حتى إذا أتى أدنى ماء من القوم نزل عليه، ثم أمر بالقلب فغورت، وبنى حوضاً على القلب الذي نزل عليه، فملى ماء ثم قذفوا فيه الآية" (سيرة ابن هشام، ج ٢، ص ٤١١، ٤١٢).

٢- مشاورة الرسول لأصحابه في أسرى بدر:

أخرج أحمد ومسلم من حديث عمر - رضي الله عنه - في قصة بدر، وفيه: "واستشار رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أبا بكرٍ وعلياً وعمر- رضي الله عنهم- فقال أبو بكر: يا رسول الله، هؤلاء بنو العم والعشيرة والإخوان، وإنني أرى أن تأخذ منهم الفدية فيكون ما أخذناه قوة على الكفار، وعسى - أن يهديهم الله فيكونوا لنا عضداً، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: "ما ترى يا ابن الخطاب؟" قال: قلت: والله، ما أرى ما رأى أبو بكر، ولكن أرى أن تمكّني من فلان - قريبٍ لعمر- فأضرب عنقه، وتمكّن علياً من عقيل فيضرب عنقه، حتى يعلم الله أنه ليست في قلوبنا هودة للمشركين، وهؤلاء صناديدهم، وأئمتهم وقادتهم.

فهوى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ما قال أبو بكر، ولم يهوَ ما قلت، وأخذ منهم الفداء، فلما كان من الغد، قال عمر: فغدوت إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وأبي بكر، وهما يبكيان، فقلت: يا رسول الله، أخبرني ماذا يبكيك أنت وصاحبك؟ فإن وجدت بكاءً بكيت، وإن لم أجد بكاءً تباكيت لبكائكما، فقال الرسول - صلى الله عليه وسلم -: "للذي عرض علي أصحابك من أخذهم الفداء، قد عرض علي عذابكم أدنى من هذه الشجرة" - شجرة قريبة- وأنزل الله تعالى: { مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ { [الأنفال: ٦٧- ٦٩].

٣- مشاورة الرسول لأصحابه في الخروج لغزوة أحد:

لمّا سمع الرسول - صلى الله عليه وسلم - والمسلمون بأن المشركين قد نزلوا مقابل المدينة، قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - للمسلمين: "إنني قد رأيت والله خيراً،

رأيت في ذباب سيفي ثلماً، ورأيتُ أني أدخلتُ يدي في درعِ حصينة فأولتُها المدينة، فإن رأيتُم أن تُقيموا بالمدينة وتدعوهم حيث نزلوا، فإن أقاموا أقاموا بشرِّ مَقام، وإن هم دخلوا علينا، قاتلناهم فيها"، وكان رأيُ عبد الله بن أبي بن سلول مع رأي رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يرى رأيه في ذلك وألا يخرج إليهم، وكان رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يكره الخروج.

فقال رجلٌ من المسلمين ممَّن أكرم بالشَّهادة يوم أُحد وغيره ممَّن فاته بدر: يا رسول الله، اخرج بنا إلى أعدائنا، لا يرون أننا جبنًا عنهم وضعفنا، فقال عبد الله بن أبي بن سلول: يا رسول الله، أقم بالمدينة لا تخرج إليهم؛ فوالله ما خرجنا منها إلى عدوِّ لنا قط إلا أصاب منَّا، ولا دخلها علينا إلا أصبنا منه، فدعهم يا رسول الله، فإن أقاموا أقاموا بشرِّ محبس، وإن دخلوا قاتلهم الرجال في وجوههم، ورماهم النساء والصبيان بالحجارة من فوقهم، وإن رجعوا رجعوا خائبين كما جاءوا، فلم يزل الناس برسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الذين كان من أمرهم حبُّ لقاء القوم حتَّى دخل رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بيته فلبس لأمته، وذلك يوم الجمعة حين فرغ من الصَّلاة، وقد مات في ذلك اليوم رجلٌ من الأنصار، يقال له مالك بن عمرو، فصلَّى عليه رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ثمَّ خرج عليهم وقد ندم النَّاس، وقالوا: استكرهنا رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ولم يكن لنا ذلك، فلمَّا خرج عليهم رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قالوا: يا رسول الله استكرهناك ولم يكن لنا ذلك، فإن شئت فافُعد - صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ - فقال رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: "ما ينبغي لنبيٍّ إذا لبس لأمته أن يضعها حتى يُقاتل"، فخرج رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - في ألفٍ من أصحابه. (سيرة ابن هشام، جـ ٣، ص ٤٧٤٦).

وأودُّ أن أشير هنا إلى أن ما حدث للمسلمين من هزيمةٍ في يوم أُحد ليس معناه أن الشورى سببٌ في ذلك؛ لأنَّ هزيمة المسلمين في تلك الغزوة كانت لأسباب لا علاقة لها بالشورى، منها مخالفة الرماة لأوامر الرسول - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وانشغال المسلمين بجمع الغنائم.

٤- مشاوره الرسول لأصحابه في صلح غطفان:

أخرج ابنُ إسحاق عن الزهري قال: لما اشتدَّ على النَّاس البلاء يوم الخندق، بعث رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إلى عُيينة بن حصن بن حذيفة بن بدر، وإلى الحارث بن عوف بن أبي حارثة المرِّي، وهما قائدا غطفان، فأعطاهما ثلث ثمار المدينة على أن يرجعا بمن معهما عنه وعن أصحابه، فجرى بينه وبينهما الصُّلح، حتى كتبا الكتاب ولم تقع الشهادة ولا عزيمة الصلح إلا المراوضة في ذلك، فلمَّا أراد رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أن يفعل، بعثَ إلى سعد بن معاذ وسعد بن عباد فذكر ذلك لهما واستشارهما فيه، فقالا له:

يا رسولَ الله، أمرًا تحبُّه فنصنعه لك، أم شيئًا أمركَ اللهُ به ولا بدَّ لنا من العمل به، أم شيئًا تصنعه لنا؟ قال: "بل شيء أصنعه لكم، والله ما أصنع ذلك إلا لأنني رأيتُ العرب قد رمثكم عن قوسٍ واحدة، وكالبوكم من كل جانب، فأردتُ أن أكشف عنكم من شوكتهم إلى أمر ما"، فقال سعد بن معاذ: يا رسول الله، قد كنَّا نحن وهؤلاء القوم على الشُّرك بالله وعبادة الأوثان، لا نعبد الله ولا نعرفه، وهم لا يطمعون أن يأكلوا منها ثمرةً إلا قرى أو بيعًا، أفحين أكرمنا الله بالإسلام، وهدانا له، وأعزنا بك وبه، نعطيهم أموالنا؟! والله، لا نعطيهم إلا السيِّف حتَّى يحكم الله بيننا وبينهم، قال رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم -: "فأنت وذاك"، فتناول سعدُ بن معاذ الصحيفة فمحا ما فيها من الكتاب، ثم قال: ليجهدوا علينا. (سيرة ابن هشام، ج ٣، ص ١٦٣).

التزام الخلفاء الراشدين بالشورى:

على نفس الطريق التي سلكها رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم - في الأخذ بمبدأ الشورى سار صحابته من بعده، ويكفيينا في هذا المقام أن نستدلَّ على صدق ذلك بالمواقف الآتية:

◆ اختيار خليفة رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم -:

عند وفاة رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم - رأى المسلمون أن يختاروا خليفةً له يقوم بتدبير الأمور من بعده، وقد أسرعوا إلى ذلك قبل القيام بواجب تشييعه - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم - حيث اجتمع كبار المهاجرين والأنصار في سقيفة بني ساعدة، ليتشاوروا في هذا الأمر، وبعد مناقشات ومُشاورات اجتمع أمرهم على أبي بكر الصديق، فبايعوه خليفةً لرسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم - ثمَّ بايعه عامَّة المسلمين مرَّةً ثانية في المسجد، وبذلك تكون تلك البيعة تطبيقًا عمليًا رائعًا لمبدأ الشورى.

◆ اختيار عمر خليفة أبي بكر:

رأى أبو بكر في فترة خلافته أن يجنب الأمة ما حدث من خلافات عند وفاة رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلَّم - فما كان منه إلا أن اختار لهم عمر بن الخطَّاب - رضي الله عنه - واستشار كبار الصحابة في ذلك، فاقتنعوا بهذا الاختيار؛ لذلك فقد سارع المسلمون جميعًا بعد وفاة أبي بكرٍ إلى مبايعة عمر بن الخطَّاب بالخلافة، وهكذا نرى أن رأي الأمة كان هو الأساس في اختيار عمر خليفة لأبي بكر.

◆ اختيار عثمان خليفة لعمر:

وعندما طعن عمر في المسجد ذهب إليه المسلمون، وطلبوا منه أن يستخلف عليهم، فقال لهم: إن أستخلف، فقد فعل ذلك من هو خيرٌ مني - يعني: أبا بكر - وإن لم أستخلف، فقد فعل

ذلك مَنْ هو خير مني - يعني: رسول الله، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- ولكنِّي أرى أن تكون شورى بين: عثمان بن عفَّان، وعلي بن أبي طالب، وعبدالرحمن بن عوف، وطلحة بن عبيد الله، وسعد بن أبي وقَّاص، والزُّبير.

حتَّى إذا انتقل عمرُ إلى جوار ربِّه اجتمع أهلُ الشورى، وتشاوروا أيَّامًا ثم اختاروا عثمان بعد أن قام عبدالرحمن بن عوف بمشاوره كبار المهاجرين والأنصار، فبايعوه وبايعه النَّاسُ، وهكذا تمَّت بيعة عثمان بالشورى أيضًا.

٥- مشاورة أبي بكر وعمر لأهل الرأي:

ويكفينا في هذا المقام أن نذكر دليلًا واحدًا على ذلك، وهو ما أخرجَه ابنُ سعد عن القاسم: أن أبا بكر الصِّديق - رضي الله عنه - كان إذا نزل به أمرٌ يريد فيه مشاورة أهل الرأي والفقهاء، دعا رجالاً من المهاجرين والأنصار، ودعا عمرَ وعثمان، وعليًّا، وعبدالرحمن بن عوف، ومعاذَ بن جبل، وأبيَّ بن كعب، وزيدَ بن ثابت- رضي الله عنهم- وكلُّ هؤلاء كان يُفتي في خلافته، وإنما يصير فتوى النَّاس إلى هؤلاء، فمضى- أبو بكر على ذلك، ثمَّ ولي عمر فكان يدعو هؤلاء النفر، وكانت الفتوى تصيرُ وهو خليفةٌ إلى عثمان، وأبيِّ، وزيد.

بعد أن عرضنا لتلك النماذج الطيبة، وهذه الصور الرائعة، التي تشهدُ بِصدق التزام الرسول وصحابته بمبدأ الشورى، ننتقل إلى نقطةٍ أخرى تأتي كنتيجة لما عرضناه، وهي: "سمات الشورى في الإسلام" وفيما يلي عرضٌ لبعضها:

الشورى ملزمة للحاكم:

ولقد كثر الكلام حول هذا الموضوع، وتناوله كثيرٌ من علمائنا الإجلال، ما بين مؤيد ومعارض، ولكل رأيه ودليله، ولكنَّ المجال الآن لا يتسع لتلك الخلافات.

وحسبي في هذا المقام أن أشير إلى ما سبق من المواقف التي ذكرناها كنماذج لتطبيق الرسول وصحابته لمبدأ الشورى، فهذه المواقف كافيةٌ في الاستدلال على تأييد أن الشورى في الإسلام مُلزمة للحاكم.

والقول بأنَّ الشورى غير ملزمة للحاكم معناه إلغاءُ أرادة الأمة، وخضوعها لنزعات الاستبداد الفردي عند الحاكم.

مجال الشورى:

هو الأمور التي لم ينزل فيها وحى من الله، ولم ترد فيها سنة من رسول الله، أمّا ما نزل فيه وحى من الله أو وردت فيه سنة من رسول الله، فلا مجال للشورى فيه؛ إذ إنّه لا يقبل التغيير.

كيفية الشورى:

- ◆ لم يحدّد الإسلام طريقةً معيّنة للشورى، وإنما تركها للأمة تكييفها مع ظروفها وتطوّراتها.
- ◆ تأخذ الشورى في الإسلام برأي الأغلبية، بل إنّها تحترم هذا الرأي احتراماً شديداً، وخير دليل على ذلك ما فعله الرسول - صلى الله عليه وسلم - في غزوة أحد، حين نزل على رأي الأغلبية.
- ◆ تخلو الشورى الإسلامية من مساوئ النظم الديمقراطية، فهي لا تعرف الحزبية التي يمقتّها الإسلام.
- ◆ الشورى الإسلامية تجنّب الأمة نزعات الاستبداد الفردي عند الحاكم، كما أنّها تقي المجتمع من آراء الشذاذ.

حكم الشورى:

هناك اختلاف بين العلماء والباحثين حول الرأي الفقهي المتعلق بحكم الشورى، هل هي واجبة أم مندوب إليها، وأغلب الظن أن الحكم يتأرجح ما بين الوجوب والندب من رأى بوجوب الشورى وفرضيتها، وهم جمهور الفقهاء، منهم الحنفية والمالكية، والقول الصحيح من المذهب الشافعي، وينسب هذا القول أيضاً للنوّوي وابن عطية وابن خويز منداد والرازي، وبعض المعاصرين كأمثال محمد عبده، محمد شلتوت و محمد أبو زهرة وعبد الوهاب خلاف و عبد القادر عودة، نظراً للنصوص الشرعية الواردة في هذا الشأن، وعلي ولي الأمر العمل بالشورى وما يصدر عنها من نتائج ورؤى، ويأثم إذا أعرض عنها، وترك العمل بها، بل يرى ابن عطية ٥٤١هـ أن: الشورى من قواعد الإسلام وعزائم الأحكام، من لا يستشير أهل العلم والدين فعزله واجب ، و الأدلة على ذلك قوله تعالى: " وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ " (ال عمران، اية: ١٥٩) ولأن الأصوليين يقولون أن صيغة الأمر تشير إلى الوجوب مالم تصرفه قرينة، ولا قرينة صارفة عن الوجوب. و ظاهر الأمر يدل على الوجوب، وإنما أمر الله تعالى نبيه بالمشاورة ليقنتدي به المسلمون، فلا غنى لولي الأمر على المشاورة، فإن الله تعالى أمر به نبيه صلى الله عليه وسلم.

ومن الأحاديث ما يشير إلى وجوب الشورى في حياة المسلمين، ما روي عن أبي هريرة رضي الله عنه، أنه قال: ما رأيت أحداً أكثر مشاورة لأصحابه من رسول الله صلى الله عليه وسلم.

وكان من عاداته صلى الله عليه وسلم أن يقول: أشيروا عليّ معشر المسلمين، والشورى في الإسلام نص قاطع لا يدع للأمة المسلمة شكاً في أن الشورى مبدأ أساسي، لا يقوم نظام الإسلام على أساس سواه

إن الشورى من لوازم الإيمان، حيث جعلها صفة من الصفات اللاصقة بالمؤمنين المميزة لهم عن غيرهم، فلا يكمل إيمان المسلمين إلا بوجود صفة الشورى فيهم، ولا يجوز لجماعة مسلمة أن تقيم أو ترضى إقامة أمرها على غير الشورى، وإلا كانت آثمة مضيعة لأمر الله.

٢- من رأى الندب في الشورى؟

وينسب هذا القول لقتادة وابن إسحاق والشافعي والربيع وابن حزم وابن القيم، ورجحه ابن حجر، وقد ورد هذا ضمن كلام بعض السلف وقياساً على أن الرسول صلى الله عليه وسلم لم تجب عليه الشورى أو المشاورة وبالتالي يقاس عليه وضع الخليفة المسلم، إذ لا تجب عليه المشاورة، لأن السلطات الدينية والسياسية من صلاحياته له أن يتولاها بنفسه أو أن يفوض فيها البعض باختياره، من دون إلزام أو فرض عليه.

الراجع:

أن الشورى واجبة بالنظر إلى طبيعة الحكم في الإسلام، وأن قواعد السياسة الشرعية تستلزم عدم الانفراد بالرأي، لاسيما في أمور المسلمين العامة، أما ربط مقام الخليفة بمقام النبي صلى الله عليه وسلم، فالظاهر أنه ربط في غير موضعه، إذ أن مقام الرسول صلى الله عليه وسلم أوجه وأحكم من مقام الخليفة، فالرسول كان يجمع أكثر من وظيفة دينية ودينية في آن واحد، وليس من العجيب أن يكون الرسول: صلى الله عليه وسلم في بعض المواضيع مستغنياً عن آراء الناس وأحكامهم نظراً لقوة المصدر الذي يعود إليه، وهو الوحي، وفي مسائل الدنيا، كان من عاداته صلى الله عليه وسلم التشاور مع أصحابه، وهذا واضح بلا منازع. أمر بها نبيه صلى الله عليه وسلم، فقال تعالى .. "وشاورهم في الأمر" وقد قيل: إن أمر بها نبيه لتأليف قلوب أصحابه، وليقتدي به من بعده وليستخرج بها منهم الرأي فيما ينزل فيه وحي من أمر الحروب، والأمور الجزئية، وغير ذلك، فغير صلى الله عليه وسلم ((أولى بالمشورة))

فإذا كانت الشورى في حق رسول ((صلى الله عليه وسلم)) المعصوم الذي يوحى إليه، فهو شأن سائر أئمة المسلمين من باب أولى .

ثم إن الشورى واجبة بناء على قواعد ودلالات الألفاظ في علم أصول الفقه، ففي قول الله تعالى: "وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ" (آل عمران، آية: ١٩٥) ، لفظة (وشاورهم) تشير إلى الوجوب، لأن حقيقة الأمر عند الاصوليين تنصرف إلى الوجوب ما لم تصرفها قرينة .

وليس في القرآن أو السنة ما يشير خلاف ذلك، فمن الدلالات القرآنية إلى الأحاديث النبوية ما يشير إلى الوجوب والعمل بها ومنها ما يشير إلى الندب والمدح للعاملين بها، وهذه الأخيرة لا تخالف الأولى في الحكم ، بل تعززها وبالتالي الذي نذهب إليه أن الشورى كحكم شرعي واجبة لاسيما وأنها كنظام إنساني أو آلية حكم واجبة بوجوب موضوعها ابتداءً وانتهاءً.

الشورى في القضاء:

كان أبو بكر - رضي الله عنه، إذا ورد عليه حكم، نظر في كتاب الله تعالى، فإن وجد فيه ما يقضي- به؛ قضى- فإن لم يجد في كتاب الله، نظر في سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم، فإن وجد فيها ما يقضي به، قضى به، فإن أعياه ذلك، سأل الناس: هل علمتم: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قضى فيه بقضاء، فربما قام إليه القوم فيقولون: قضى- فيه بكذا أو بكذا، فيأخذ بقضاء رسول الله صلى الله عليه وسلم ويقول عندئذ: الحمد لله الذي جعل فينا من يحفظ عن نبينا، وإن أعياه ذلك، دعا رؤوس المسلمين، وعلماءهم، استشارهم فإذا اجتمع رأيهم على الأمر قضى به .

الشورى في الإسلام بين النظرية والتطبيق:

فإن الإسلام يحصر كل الحرص على إرساء المبادئ، التي يشعر في ظلها كل مسلم بأنه فرد له مكانته وكرامته بين أبناء مجتمعه.

ومن تلك المبادئ التي يحصر الإسلام على إرسائها: مبدأ الشورى، ذلك المبدأ الذي اهتم به القرآن الكريم، والتزم به رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كما التزم به صحابته - رضوان الله عليهم - وفي هذا المقال يسرني أن أتناول ذلك بشيء من التفصيل.

فوائد الشورى:

للشورى فوائد عدة ولكننا هنا سنقتصر على بعضها وعلى أهم الفوائد وهي كالتالي:

-إن الأخذ بالشورى يعتبر عبادة وتقرباً لله عز وجل وتنفيذاً لأمره سبحانه و تعالى: { وشاورهم في الأمر } رغم أن الأمر هنا موجه لرسول الله صلى الله عليه وسلم إلا أن أتباعه مأمورون أيضاً بانتهاج نهج رسول الله عليه وسلم.

-ومن فوائد الشورى: أن أفراد المجتمع المتشاورون يشعرون بالانتماء إلى هذا المجتمع وأن أمر المجتمع هو أمرهم وأمنه واستقراره هو جزء لا يتجزأ من مهامهم ومسؤولياتهم.

-بالشورى نشجع الأفراد على التفاعل الإيجابي والتحلي بروح المسؤولية تجاه القضايا التي تهم المجتمع.

-وفي الشورى تتضافر الجهود وتتوزع المسؤوليات ونضع الفرد المناسب في المكان المناسب وبهذا نستغل طاقات الموجودة في المجتمع ونتخلص من الطاقات العاطلة وهو بحد ذاته تنظيم للأمور.

-إن في الشورى بذل الوسع والأخذ بالأسباب والتوكل على الله عز وجل ومن فوائد الشورى تلاقح الأفكار وتتنور الآراء وتتقارب وجهات النظر حتى نأخذها أحسنها.

-كما أن من فوائد الشورى تمتين علاقة الصف المسلم بعبئه ببعض فتقوى شوكتهم فلا يصيرون طمعا للأعداء المتربصين بهم.

-وفي الشورى والمشاورة وتبادل الأفكار واحترام الرأي يحصل تألف القلوب.

كما أن هناك فائدة عظيمة وجيليلة من الأخذ بالشورى وهو المساهمة في بناء الدولة وشكلها وإرساء قواعدها.

هذا وبالله التوفيق .

The end, summary, and conclusions

One of the rooted, strong and rigid infrastructures of the social, economic, political and ethical castle of the life of Islamic umma the existence of council, need for a council, holding the council, understanding the values of the council and getting the positive and required conclusion from the council.

The word shura (council) mushwara (counseling) and mashwara (advice) is an infinitive verb of (shawar) from the vocabulary guru perspective and it means to take, extract, provide, search, discussion, and collective argument and talk and it is synonyms to summit and house of representatives of the nation that is formed for the talking and hearing about the government affairs and setting up the laws.

And from a technical point of view, it is getting and knowing the view the knowledgeable people through which important national issues are addressed from near. Like the religion of moderation and calls the Islamic umma a is known for its spiritual and comprehensive values as the best of the religions, therefore , it has set up rules and principles for their living together through which it actively protects the borders of their unity unanimity, and social live and one those principles is the principle of council, understanding, and discussion.

The council is a right and has reality. Allah (swt) says to his prophet (pbup): and discuss with them in the affairs: ١٥٩.

The prophet (pbup) used to take the advice of his companions in all his affairs and in all the methods of governance and used to counsel his companions in all of his battles with the youngsters, elders and with the women as well. The origin of the councils one of the important structures of government is islam that the quran and soonah emphasize that and the religious scholars

have a unanimous view on that. Council is a right of umma and responsibility of the caliph and the negligence by that caliph in this regard leads to him being dismissed.

The first ever council that was held after the passing away of the prophet (pbuh), was about the issue of electing the successor of the prophet pbuh that his great companions came together in the shed of bani saada and elected abu bakar ra for the caliphate caliph and after that in all incidents during the caliphate that lasted

And those who answer their Lord and pray, and their work is in consultation with one another, and they benefit from what we have given them.

Allah Jalalah fulfilled the last celestial mission, without interruption, for twenty-three years in the most important of human principles, in order that human beings should not be confused and confused on the one hand with their Creator, and on the other hand with a firm relationship with the universe. , And the creatures around him, especially his companions, are not surprised.

Among the desires that God Almighty has set for the betterment of Muslim community life, salinity is important, and Muslims are obliged in their social affairs, whether it be to all persons in a large society, or to A small community, such as members of a family, consulted on all matters, and even in this respect God Almighty, his superior servant, with the right of a rational and most knowledgeable human servant, commanded him to consult with his companions if Says { Vishawarhami fi el Umar } and as long as the Ummah policy Islam was based on salinity, and Muslim leaders were elected on their own, and leaders led the affairs of the countryside on their own. Problems were less common in Islamic society, but since the heads of the Islamic community came to power without the advice and votes of Muslims. And as they wished to determine the fate of the Ummah, and by creating theatrical

salvation and fabrication of incompetent people, they put the hands of the Prophet (peace be upon him) and the enemies of Islam to intervene in the fate of Muslims. Observation time We have suffered a great tragedy that Muslims and non-Muslims were convicted in all areas.

Research Problem Statement:

Salinity is a major principle of the fundamental principles of Islamic State and Islamic system. It literally means extracting honey from the mold, and it is the exchange of views and opinions of the consultant who is brought in to identify useful and productive opinions on matters and theorems that do not have explicit scripture.

Nowadays, salinity has emerged as an accepted principle in most countries and in the world today, so we argue that the authenticity of the Qur'an is based on the verses of the Qur'an and the traditions of the Prophet (peace be upon him). God Almighty says:

}Fbma My mercy of God Lent lahum even thick cardiologist Kenneth Fza Lanfzva I Faf Hvlk Nhm Vastghfr lahum Vshavrhm Faza Zmt Ftvkl per Affairs Ali Allah Allah Yhb Almtvklyn {

Translation: By the blessings of God, you became soft and kind to them, and if you were brutal and cruel, they would be scattered around you. So forgive them and ask forgiveness for them and consult with them in matters, but when you decide, be firm and trust in God! Because God loves the trustworthy.

And it also says: {Vizhazini Stetjabova Lerbahmi Vikhamamova Al-Salamah Vali Miramahi Suri Binimahi Vimamma Rizikqnaham Nimafiqun.}

Translation: That is, those who respond to their Lord's invitation and perform the prayer, and their works are in consultation with them and benefit from what we have given them. Also elsewhere God Almighty says: {These are the feasts of the men and the feast of the fathers and the fathers of the flesh.}

Translation: That is, if the two, with the consent of each other and consulting, want to get the baby out of milk sooner, it is not their fault.

In the interpretation of the above verses, Ibn Kathir has written Rahmullah: The attribute of the believers is that they do not do anything in military affairs and the like until they have consulted one another.

Considering the importance and status of salinity from the perspective of the Qur'an and Sunnah, I wrote my master's thesis in the field of "Salinity in the Holy Qur'an and the Prophetic Tradition of the Prophet (peace be upon him)," and I try to emphasize the importance of this article. And to examine the position of the subject, its role and effect in the provision of social values and some other issues from the Islamic point of view.

Importance and necessity of research:

Considering that the development and promotion of personal and social freedoms and opportunities for the participation of the dear people of Afghanistan arise through consultation and consultation;

The laws and regulations have been partially implemented, but they need to be consulted for the better implementation of these laws in the Islamic Republic of Afghanistan;

Since in our society, government officials who have come to power so far have not acted unitedly, either in the development and progress of the country or in the process of resolving inconsistencies and contradictions; Has led the country to a slow down, so doing the right thing to do to eliminate

and eliminate these contradictions and authoritarianism, as well as the progress and progress of the country through salience and consultation;

Therefore, with regard to the above mentioned factors, it is of great importance to study and consult in the field of salinity and counseling, and also to make the meeting of greatness with mature wisdom and complete science, including the social necessity of human beings better than themselves, that the social life of human beings is better understood. The deliberation that deficiencies and deficiencies in each of the theories need to be addressed urgently needs to be advised, so these dimensions make the importance of academic research in this area essential and subject to scrutiny.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafsir and
Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Salinity in the Holy Quran and the prophetic tradition of the prophet Muhammad(PBUH & HP)

A Master's thesis

Student:Safiullah (Zayer)

Supervisor: Dr.Fazlulhadi (wazeen)

Year:2019



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafir and
Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Salinity in the Holy Quran and the prophetic tradition of the prophet Muhammad(PBUH & HP)

A Master's thesis

Student: Safullah (Zayer)

Supervisor: Dr. Farukhadi (wazem)

Year:2019